

بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجِهِ

امام زمان

، امید شیاستگان



نوشتہ: محمد محمدی

امام زمان عج

«امید انساها»

نوشته: محمد محمدی اشتیاردی

حق طبع و محفوظ

انتظار و آمادگی تا این حد!

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَكَوَسَهَمًا...

«قطعا باید هر یک از شما برای قیام قائم (عَجَّلَ اللَّهُ

تَعَالَى لَهُ الْفَرَجَ) - هرچند با تهیه کردن یک تیر-

آماده گردد».

[غيبة النعمانی، ص ۱۷۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶]



شناسنامه کتاب:

نام کتاب	: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)
نویسنده	: محمد محمدی اشتهاردی
ناشر	: بنیاد فرهنگی اسلام - قم
حروف چینی	: سجاده؛ ۲۴۱۹۵
تاریخ نشر	: زمستان ۱۳۷۰
تیراژ	: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: سوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه:

امام قائم (عجل الله تعالى فرجه) امید انسانها

هدایت و رهبری مردم از راههای گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسانها بوده، و با به وجود آمدن انسانها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا حدی که در این راه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم (علیه السلام) و آخری آنها پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بود. اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچیک در زمان حیات خود به نتیجه نهائی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفق به تشکیل حکومت مصلح جهانی نشدند (با توجه به اینکه اصلاح کامل در سایه حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت)، امید همه این بود، این راه ادامه یابد، و در همه مردم و در همه

جهان زمینه به وجود آید و حکومت جهانی قائم (عج) برقرار گردد، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است نائل گردند.

و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) هیچیک با آنهمه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند، و همواره و کراراً فرمودند: اگر در دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم (عج) برقرار شود^۱ و آن مهدی موعود (عج) است که به این امر مهم جامه عمل میپوشاند و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (قدس سره):

«من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان (قائم (عج)) بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که اول شخص است، برای اینکه دومی در کار نیست، ایشان را ما نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که «مهدی موعود» است، آنکسی که خدا ذخیره کرده است برای بشر^۲ جمله «بقیة الله» که از القاب معروف آنحضرت است حاکی است که خداوند او را ذخیره کرده، تا همه مظلومان و پیامبران و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند (درباره ویژگیهای این حکومت سراسر صفا در ظاهر و باطن بعداً سخن خواهیم گفت).

در اینجا برای تکمیل مطلب فوق به سه روایت ذیل توجه کنید:

۱- یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) می گوید: بحضور

۱- اثبات الهداة ج ۷، ص ۵۱، که حکومت دلخواه همه پیامبران است.

۲- سخنان امام در نیمه شعبان ۱۳۶۰ در حسینیه جماران.

حضرت امام صادق (علیه السلام) رفتم و عرض کردم: آیا شما «صاحب» ما هستید؟

در جواب فرمودند: آیا من صاحب شما هستم؟!

سپس پوست بازویش را گرفت و کشید و فرمود: من پیرمرد سالخورده‌ام، اما صاحب شما جوان است^۱ تعبیر «صاحب» در مورد امام قائم (عج) حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می‌کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند و برای بدست آوردن آن بکوشند.

۲- دِغْبِلِ شاعر آزاده و متعهد عصر امام رضا (علیه السلام) به حضور آن حضرت رسید و شعرهای پرمغز و جاننداری در مدح اهلبیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) خواند، حضرت رضا (علیه السلام) در پایان به او فرمود:

این دو شعر را نیز بر شعرهای خود بیفزای

یکی از دو شعر این است:

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فَاثِمًا يُفْرَجُ عَنَّا الْهَمُّ وَالْكَرْبَاتِ

این قبرها یا این غمها و نابسامانیها همچنان ادامه دارد تا خداوند حضرت

قائم (عج) را برانگیزد، تا او اندوه و نابسامانیها را از ما رفع کند و ما را شاد نماید.^۲

۳- امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران فرمود: تفسیر آیه فَاَصْبِرْ

عَلَى مَا يَقُولُونَ (به آنچه مخالفان می‌گویند استقامت کن) این است که: ای

۱- بحار الانوار جلد ۵۲، صفحه ۲۸۰.

۲- سفینه البحار ج ۲، ص ۴۴۸ - عیون الاخبار ج ۲، ص ۲۶۳.

محمد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من بدست مردی از نسل تو که او را بر خون ستمگران مسلط کنم، از آنها انتقام می‌گیرم^۱ با توجه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و انجیل و... آمده و از گفتار ائمه (علیهم السلام) و... چنین بدست می‌آوریم که امام قائم (عج) امید همه در همه تاریخ و همه جهان است، البته باید توجه کرد که انسانها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر، چنانکه خود امامان (علیهم السلام) بارها این مطلب را تذکر داده‌اند، و در لابلای این کتاب به آن اشاره خواهد شد، وگرنه با دست روی دست گذاشتن کاری ساخته نیست.

این مقدمه را با ذکر حدیث شریف زیر پایان می‌برم: به نقل امام صادق (علیه السلام) پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

قائم (عج) از فرزندان من، همنام و هم کیش من است و سیمایش، سیمای من و روشش روش من است، مردم را بر اطاعت از من، اسلام و خدا، بخواند و وادارد، و آنها را به کتاب خدا (قرآن) دعوت نماید کسی که از فرمان او سرپیچی کند از من سرپیچی نموده است، و کسی که او را غیبت نماید و انکار کند مرا انکار کرده است، و کسی که او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است، و کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است، شکایت آنها را که در مورد او مرا تکذیب کنند، و سخن مرا در مورد او رد نمایند و امت مرا گمراه

۱- اثبات الهداة ج ۷، ص ۱۲۸ - روایت دیگری نظیر این روایت در ص ۶۳ کتاب اثبات الهداة آمده است.

کنند، به سوی خدا می‌برم و به زودی ستمکاران بدانند که به کجا بازگشت می‌کنند!

خدا را شکر که خداوند بر این بنده عاصی منت گذاشت و توفیق عنایت نمود تا این بضاعت مختصر را به علاقه مندان تقدیم کنم امید آنکه خداوند توفیق آنرا دهد که همه ما در صف یاران مخلص حضرت قائم «عج» باشیم.

إِلٰهِ لَكَ الشُّكْرُ وَالْحَمْدُ.

ای امید همه، در همه جهان و تاریخ، و ای منتقم مظلومان و خون جوشان و پاک امام حسین (علیه السلام) و ای ذخیره و بقیه و آخرین نشانه مردان بزرگ خدا، این کتاب، و این هدیه ناقابل را که همچون ران ملخی از مور در پیشگاه با عظمت حضرت سلیمان (علیه السلام) است از حقیر عاصی بپذیر.

این کتاب در هشت فصل تنظیم گردید.

تم - محمد محمدی اشتهاردی

۱۳۶۳/۵/۱۸ ش

تجدید نظر - ۱۳۷۰/۳/۲۰ ش

فصل اول

پدر، مادر و ولادت آنحضرت

پدر بزرگوار امام زمان (عج) حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) امام یازدهم شیعیان است، بنقل شیخ مفید، امام عسگری (علیه السلام) در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید.^۱ مادر بزرگوار امام زمان (عج) «ملیکه» است که از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراطور روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی (علیه السلام) و وصی او بشمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود که گوئی شباهت به خانواده

۱- ارشاد شیخ مفید (ره) صفحه ۳۰۶

خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی (علیه السلام) و مریم (س) از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار بود، از اینرو دوست داشت با یک خانواده پاک و خداپرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد، خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را بطور عجیب (که در داستان ماجرای اسارت او و خریداری از جانب امام هادی (علیه السلام) برای امام عسگری (علیه السلام) در تاریخ آمده است) به خواسته و هدفش رسانید.

ملیکه یا نرجس خاتون به خانه امام حسن عسگری (علیه السلام) وارد شد، امام هادی (علیه السلام) به خواهرش حکیمه فرمود: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندان حسن (علیه السلام) و مادر مهدی آل محمد (صلی الله علیه وآله) خواهد بود، آن گاه به نرجس رو کرده و فرمود:

مژده باد ترا به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. آری این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خط جد مادریش «شمعون» قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) درآمد و لیاقت پرافتخار مادری حضرت قائم (عج) را پیدا کرد. او نامهای دیگری مانند ریحانه، صقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی (علیه السلام) حکیمه او را به عنوان سیّده (خانم) می خواند.

این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت و قبر شریفش در سامراء کنار قبر منور امام عسکری (علیه السلام) قرار گرفته است.^۱ امام قائم (عج) از همین خاندان پاک در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامراء متولد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود.^۲

تولد آنحضرت را جز عده‌ای خاص نمی‌دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری (علیه السلام) گوید: روز پنجشنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم، هنگام مراجعت، امام عسکری (علیه السلام) فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می‌شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون (س) پدید آمد، او را دربر گرفتم، امام (علیه السلام) فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می‌کند در این موقع پرده‌ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی‌دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری (علیه السلام) فرمود: برگرد،

۱- ریاحین الشریعه ج ۳، ص ۲۵.

۲- اثبات الهداة ج ۷، ص ۱۳۷ - المجالس السنیة جلد ۵ صفحه ۶۷۸ - مرحوم شهید در کتاب دروس نیز همین عقیده را دارد (اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۶۲).

برگشتم در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده‌ام را خیره کرد و امام زمان (عج) را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می‌گفت: گواهی می‌دهم به یکتائی خدا و اینکه جدم، رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، و پدرم امیر مؤمنان (علیه‌السلام)، وصی رسول خدا است، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدر بردم، امام عسکری (علیه‌السلام) تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.

«اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پابر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.»^۱ نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله امام قائم (عج) است.

۱- آیه ۵ و ۶ سوره قصص - شرح بیشتر این مطلب در کشف الغمّه ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ آمده است و اضافه شده که: امام قائم وقتی متولد شد، پاک بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود. جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا: حق آمد و باطل نابود شد، حتما باطل نابودشدنی است.

سخنی درباره نیمه شعبان:

شیخ حرّ عاملی (ره) از بزرگان اصحاب نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

شب‌ی که حضرت قائم (عج) در آن متولد شد، هیچ نوزادی در آن شب متولد نمی‌شود مگر اینکه مؤمن خواهد شد، و اگر در سرزمین کفر متولد گردد، خداوند او را به برکت امام مهدی (عج) به سوی ایمان منتقل می‌سازد.^۱

در نیمه شعبان زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) و همچنین زیارت امام زمان (عج) مستحب است، امام صادق (علیه السلام) فرمود: شب نیمه شعبان بهترین شب بعد از شب قدر است و خواندن دو رکعت نماز در شب نیمه شعبان بعد از نماز عشاء مستحب است، در رکعت اول بعد از حمد، سوره کافرون و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید خوانده شود.^۲

غسل و شب زنده‌داری و عبادت در این شب بخصوص فضائل بسیار دارد، این شب در نزد خدا چنین مقامی دارد که ولادت با سعادت امام زمان (عج) در سحرگاه این شب واقع شده و بر عظمت و رونق آن افزوده است.

ضمناً روایاتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است، و در بعضی از این روایات است شب نیمه شعبان شب امامان است و شب قدر شب رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

۱- توضیح المقاصد شیخ بهائی، صفحه ۵۳۳.

۲- اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۶۲.

سخنی درباره نیمه شعبان ۱۳ □

است.

از جمله فضائل این شب اینکه، از شبهای مخصوص زیارت امام حسین (علیه السلام) است که صد هزار پیامبر (صلوة الله علیهم) آن حضرت را در این شب زیارت می کنند.

از نمازهای مستحبی که در این شب وارد شده دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد صد بار سوره توحید خوانده می شود.

نقل شده: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای محمد (صلی الله علیه وآله) در چنین شبی خوابیده ای، گفتم: این شب چه شبی است؟ فرمود: شب نیمه شعبان است برخیز، مرا بلند کرد و به بقیع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند کن زیرا در این شبها درهای رحمت خدا در آسمان بروی بندگان باز است، همچنین در رضوان، در آمرزش، در فضل، در توبه، در نعمت، در وجود و سخاوت، در احسان باز است، خداوند به عدد پشمها و موهای چرندگان در این شب گنهکاران را آزاد می کند، پایان عمرها در این شب، تعیین می گردد، رزقهای یکسال در این شب تقسیم می شود و حوادث یکسال در این شب معین می گردد.

ای محمد کسی که این شب را با تکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و خضوع و استغفار بسر برد، بهشت منزل و سرای او است، و خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد... ای محمد (صلی الله علیه وآله) این شب را احیاء دار و به امت

خود دستور بده آنها نیز این شب را احیاء بدارند، و با عمل به سوی خدا تقرّب جویند، چرا که این شب شبی شریف است. از اعمال این شب، خواندن دعای کمیل در سجده است روایت شده که کمیل گوید دیدم علی (علیه السلام) این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین (علیه السلام) در این شب بخصوص در صورت امکان در کنار قبرش، آمده هر که بشناسد امام حسین (علیه السلام) را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امت گردید و وسیله و راهگشائی برای رسیدن به فوز عظیم شد (خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجه و علاقه و معرفت خاص باشد) آنگونه خویشتن را در برابر خدا خاضع نماید که شایستگی آنرا دارا می باشد و نیز از خدا خواسته های شرعیش را تقاضا کند.^۱

نام و کنیه امام زمان (عج)

امام زمان (عج) هنگام تولد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند، هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت، سرانجام عواملی باعث شد که آنحضرت از نظرها غایب گردید و نخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری به وجود آمد (که در این مورد بعد سخن خواهیم گفت).

۱- اقتباس از کتاب المراقبات، نوشته حاج میرزا جواد تبریزی صفحه ۷۹ به بعد (دعاها و نمازهای دیگری نیز ذکر شده به این کتاب مراجعه شود).

بهرحال: چنانکه در روایات آمده، محل زندگی امام زمان (عج) در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی (علیه السلام) مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد.^۱ در اینجا برای اینکه دور نمائی از دوران خفقان آنزمان را دریابیم شایسته است به داستان زیر توجه فرمائید.

جعفر کذاب عموی امام زمان (عج)

گاه می شود بر اثر عواملی، از حضرت نوح (علیه السلام) پسری ناخلف بنام کنعان و یا از حضرت آدم (علیه السلام) پسری متمرّد بنام قابیل به وجود می آید.

حضرت امام هادی (علیه السلام) دارای ۵ فرزند بنامهای امام حسن (علیه السلام)، حسین، محمد، جعفر، و علیّه بود. در میان این فرزندان، جعفر، بسیار ناخلف بود که لقب کذاب (دروغگو) را گرفت، امام هادی (علیه السلام) درباره او فرمود: از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح (علیه السلام) است، امام عسکری (علیه السلام) فرمود: مثل من و جعفر مانند هابیل و قابیل دو فرزند آدم (علیه السلام) است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت.

جعفر از افرادی بود که ادعای امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت امام مردم من هستم نه برادرم، امام عسکری (علیه السلام)،

۱- بعضی از اصحاب خاص در زمان امام عسکری (ع) به خدمتش می رسیدند و مسائل خود را از آنحضرت می پرسیدند و جواب می گرفتند (در این باره به کتاب احتجاج طبرسی جلد ۲ صفحه ۲۶۸ نه بعد مراجعه کنید).

حتی پس از رحلت پدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار اشرفی برای تو می فرستم و از شما خواهش دارم که فرمان دهی تا بر مسند امامت بنشینم و این مقام از برادرم سلب گردد.

خلیفه در جواب گفت: عجب آدم احمقی هستی اگر امامت در دست ما می بود آنرا برای خود قرار می دادیم اگر امام شناسان و شیعیان آنچه از برادرت و پدرت از معجزات و... دیدند از تو بینند تو را امام خود می دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گرنه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد.

کارشکنی های او در عصر امامت برادرش امام عسکری (علیه السلام) بجائی نرسید ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم.

امام عسکری (علیه السلام) برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی (عج) را از کارشکنی های جعفر، حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب بنام (ابوالادیان) را بحضور طلبید و به او فرمود:

چند نامه هست اینها را به مدائن می بری و به فلان و فلان کس می رسانی و جواب نامه ها را می گیری، روز ۱۵ به سامره می آئی، صدای گریه از خانه من خواهی شنید مطلع می شوی که من از دنیا رفته ام.

ابوالادیان: فدایت شوم، معلوم است که سخن شما راست و درست است، و همین طور که می فرمائی خواهد شد ولی سئوالی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست؟

امام عسکری (علیه السلام): امام کسی است که جواب نامه‌ها را از تو مطالبه کند.

ابوالادیان: علامت دیگر امام پس از شما چیست؟

امام عسکری (علیه السلام): امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند.

ابوالادیان می‌گوید: علامت دیگر چیست؟

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: امام کسی است که از میان همیانهای طلاخبر دهد.

ابوالادیان می‌گوید: ابتهت امام عسکری (علیه السلام) مرا گرفت، دیگر نپرسیدم که منظور چه همیانی است، برخاستم خدا حافظی کردم نامه را گرفتم بسوی مدائن رهسپار شدم، نامه‌ها را به صاحبانشان دادم و جواب نامه‌ها را گرفتم و به سامره برگشتم همین که وارد خانه امام حسن (علیه السلام) شدم صدای گریه شنیدم فهمیدم که امام عسکری (علیه السلام) دار دنیا را وداع کرده است ولی دیدم گروهی دور جعفر کذاب را گرفته‌اند و به او به عنوان امام تهنیت می‌گویند و بعضی به او تسلیت می‌گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را غسل داده‌اند، بفرمائید برآن جنازه نماز بخوانید دیدم جعفر برخاست و همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتم: عجب! اگر امام مردم، بی دین بشود، معلوم می‌شود که همواره دین از اول سست بوده است، چون من جعفر کذاب را می‌شناختم که همواره با ساز و آواز و شرابخواری سروکار داشت، من هم دنبال جعفر براه

افتادم تا ببینم جریان به کجا منتهی می شود.

کنار جنازه امام عسکری (علیه السلام) رسیدیم جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش، گفتم دیگر کار از کار گذشت، ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عموا پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم، جعفر مانند نقش بر دیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت.

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود به من رسید و فرمود: جواب نامه ها را به من بده، نامه ها را به او دادم، رفت به حجره، با خود گفتم حمد و سپاس خدا را که دو علامت از علاماتی که امام عسکری (علیه السلام) به من فرموده بود ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم این طفل که بود؟
گفت: من اصلاً چنین کودکی را ندیده ام و نمی شناسم.

مسافران قمی و جعفر کذاب

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری (علیه السلام) نائل شوند، مطلع شدند که حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امروز امام و حجت خدا کیست؟
گروهی جعفر کذاب را نشان دادند، اهل قم نزد جعفر آمده و سلام کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام (علیه السلام) است برای شما آورده ایم، دستور داد پولها را بگیرند.
گفتند: ما هر وقت خدمت امام عسکری (علیه السلام) می رسیدیم و

پولی نقد می آوردیم نام صاحبان پول را حضرت می بردند و حدود مبلغ را از درهم و دینار می فرمود، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می باشید مبلغ و عدد و اسم صاحبان پول را بگوئید.

جعفر گفت: مردم از من علم غیب می خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت؟

اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان (علیه السلام)

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم امام عسکری (علیه السلام) پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند [امام عسکری (علیه السلام) برای حفظ فرزندش حضرت حجت (عج) از دشمنان، تولد او را به کسی نفرموده بود.] خلیفه، صد مأمور به فرماندهی شخصی بنام «رشیق» به خانه امام عسکری (علیه السلام) فرستاد و به او دستور اکید داد که برو بخانه امام عسکری (علیه السلام) همه حجره ها را جستجو کن، بی آنکه اجازه بگیری وارد خانه شو.

رشیق با مأمورین به خانه امام عسکری (علیه السلام) آمدند و همه حجره ها را گشتند تا به آن حجره که در آن، پرده سفید آویزان بود رسیدند، پرده را بلند کردند دریائی آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجاده انداخته و نماز می خواند، رشیق یکی از مأمورانش دستور داد که برو، و آن کودک را بگیر. آن مأمور تا به سراغ کودک

آمد در میان آب غرق شد.

رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند، اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت حجت (عج) بود برسانند.

همین موقع بود که حضرت مهدی (عج) غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست.^۱

مشخصات امام زمان (علیه السلام)

بهر حال امام زمان (عج) در زمان پدر که ۵ ساله بود (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ سال شهادت پدر) نزد پدر بود، ولی در مخفیگاه بسر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه (علیهم السلام) و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابغ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوسند و اندلس و اروپا به سامره سفر کرده و توسط امام عسکری (علیه السلام) با امام زمان (عج) ملاقات کرده و مسائل خود را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده

^۱ - اقتباس از جامع التورین صفحه ۳۱۴ و بحار ج ۵۱، ص ۳۳۲ به بعد در مورد غایب شدن آنحضرت در سرداب و جریان غرق دشمنان در کتاب مجالس السنیة جلد ۵ صفحه ۷۲۸ مطالبی آمده است.

مشخصات امام زمان «علیه السلام» ۲۱ □

است. (چنانکه این مطلب در جلد ۱۳ بحار طبع قدیم بطور مفصل آمده است.)

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده‌های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته آشنا شوید به این حدیث توجه کنید: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي أَرْبَعِينَ سَنَةً كَانَ وَجْهُهُ كَوَكْبٍ دُرِّيٍّ فِي خَدِّهِ الْيَمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ عَلَيْهِ عَبَاتَانِ قَطْوَانِيَّتَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرَكَ.

«مهدی (عج) از فرزندان من دارای چهل سال است (یعنی هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است) صورتش همچون ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبای قطوانی بردوش دارد، قیافه‌اش همانند مردان بنی اسرائیل (زمان حضرت موسی «ع») است گنجها را استخراج کند، کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود در می‌آورد.»^۱

از خصوصیات امام قائم (عج) اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از نسل امام حسین (علیه السلام) است، از ناحیه مادر از نسل امام حسن (علیه السلام) است، از این رو که مادر امام باقر (علیه السلام) از فرزندان امام حسن (علیه السلام) است.^۲

از ویژگیهای او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان آمده و پشت سر او نماز بجای می‌آورد.^۳

و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم (که رجعت امامان به وجود

۱- اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۸۵ - المجالس السنية، جلد ۵ صفحه ۷۰۲ - ۷۰۳.

۲- اثبات الهداة - جلد ۷، صفحه ۱۸۴.

۳- اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۸۴.

می آید) پس از آنکه حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت کرد، امام حسین (علیه السلام) بدن او را غسل می دهد.^۱

و دیگر اینکه امام عصر (عج) شبیه یوسف (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه وآله) است.^۲

این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگترین چهره انقلابی تاریخ، حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

بهر حال مردم باید در هر زمان، امام زمان «عج» خود را بشناسد و هر زمانی دارای امام است (و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده) در زمان ائمه (علیهم السلام) یاران امامان در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عثمان^۳ گوید: از پدرم شنیدم گفت: از امام عسکری (علیه السلام) این سؤال شد و من در حضورش بودم، سؤال ابن بود:

«این مطلب که از پدران شما نقل شده: هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است^۴ آیا حق است؟»

امام حسن (علیه السلام) فرمود: آری این مطلب حق است همچنانکه روز حق است، شخصی پرسید: بعد از شما امام مردم

۱- بحار جلد ۵۴، صفحه ۳۴۷ به نقل از امام باقر (ع)

۲- اثبات الهداة جلد ۷ صفحه ۱۰۲ (مسائل رجعت در کتاب بحار جلد ۵۳، صفحه ۳۹ تا ۱۴۴ آمده است).

۳- دومین نائب خاص امام زمان (عج).

۴- مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ.

کیست؟

فرمود: پسر محمد، امام و حجت بعد از من است کسی که بمیرد و او را نشناسد بمرگ زمان جاهلیت مرده است، ولی برای او غیبتی هست که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند، سپس ظهور می کنند گویا می بینم طوقهای سفیدی را که بر بالای سر او در نجف و کوفه در حرکت است.^۱ و در پرچم ارتش آنحضرت نوشته شده:

الْبَيْعَةُ لِلَّهِ:

بیعت مخصوص خداست.^۲

از ویژگیهای آن بزرگوار اینکه: پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: مهدی طاووس اهل بهشت است.

و در عبارت دیگر فرمود: چهره مهدی (عج) از فرزندانم همچون ماه تابان است، رنگ چهره اش عربی است و بدنش همانند جسم مردان بنی اسرائیل (بلندقد) است، زمین را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می کند، اهل آسمانها و زمین و پرندگان در هوا از حکومتش راضی هستند، بیست سال حکومت می کنند.^۳

روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به دختر گرامیش فاطمه (علیها السلام) رو کرد و به این شخصیتها افتخار کرده و فرمود: بهترین پیامبران پدرت است، و از ما است بهترین اوصیاء که شوهرت علی (علیه

۱- کشف الغمّه جلد ۳، صفحه ۴۵۱

۲- المجالس السنیة سید محسن جبل عاملی جلد ۵.

۳- المجالس السنیة سید محسن جبل عاملی جلد ۵.

السلام) است و از ما است بهترین شهدا که عموی من حمزه است، از ماست آنکس که دوپر دارد و با آن دو پر در بهشت هر جا بخواهد پرواز درمی آید، و او پسر عموی پدرت جعفر است، از ماست دو سبط این امت، دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و این دو فرزندان تو هستند و از ما است مهدی (عج) و او از فرزندان تو است.^۱

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: قائم ما دارای نشانه‌هایی از شش پیامبر است:

- ۱- نشانه‌ای از نوح (علیه السلام)
- ۲- نشانه‌ای از ابراهیم (علیه السلام)
- ۳- نشانه‌ای از عیسی (علیه السلام)
- ۴- نشانه‌ای از موسی (علیه السلام)
- ۵- نشانه‌ای از ایوب (علیه السلام)
- ۶- نشانه‌ای از محمد (صلی الله علیه وآله)، اما نشانه‌اش از نوح (علیه السلام) طول عمر است، اما نشانه‌اش از ابراهیم (علیه السلام) مخفی بودن محل ولادتش است، اما نشانه‌اش از موسی (علیه السلام) ترس از دشمن و غیبت است (که موسی «ع» از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود)، اما نشانه‌اش از عیسی (علیه السلام) اختلاف رأی مردم درباره‌اش، و اعتزال او از مردم است، اما نشانه‌اش از ایوب (علیه السلام) گشایش و پیروزی پس از بلیّات و گرفتاری است، اما نشانه‌اش از محمد (صلی الله علیه وآله) قیام به

۱- المجالس السنیة ج ۵، ص ۷۰ به نقل از طبرانی.

شمشیر است.^۱

و در بعضی روایات، نشانه‌ای از حضرت یوسف (علیه السلام) نیز ذکر شده و آن زندان است^۲ (شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است).

از ویژگیهای امام قائم (عج) اینکه: امام حسین (علیه السلام) فرمود: او از نظرها پنهان است تا کسی او را به بیعت خود نخواند، و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود.^۳

شوکت و قدرت فوق العاده امام (علیه السلام)

حضرت رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود: قائم (علیه السلام) کسی است که هرگاه خروج کند، در سن پیری است اما سیمای جوان دارد، و آنچنان قدرت جسمی دارد که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین بیاندازد، می‌تواند آنرا از ریشه برکند، و اگر در میان کوهها صدایش را بلند کند سنگهای کوهها قطعه قطعه گردند، عصای موسی (علیه السلام) و انگشتر سلیمان (علیه السلام) همراه اوست.^۴

از ویژگیهای حضرت قائم (عج) اینکه:

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان

۱- اعلام الوری ص ۴۰۲.

۲- اعلام الوری، ص ۴۰۳.

۳- بحار الانوار جلد ۵۲، صفحه ۲۷۹.

۴- کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۴۵ - اعلام الوری ص ۴۰۷.

داده است: ۱- علی بن ابیطالب (علیه السلام) ۲- حسن (علیه السلام) ۳- حسین (علیه السلام) ۴- مهدی (عج) که پشت سر مهدی حضرت عیسی (علیه السلام) نماز می خواند.^۱

و در روایت دیگر فرمود: ما خاندان عبدالمطلب سادات و بزرگان بهشت هستیم، من و برادرم علی (علیه السلام) و عمویم حمزه (علیه السلام) و جعفر و حسن و حسین و مهدی.^۲

شمائل مهدی (علیه السلام)

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: مهدی از ما خاندان است، بلند پیشانی و برآمده بینی است (که وسط بینی اش برآمدگی دارد).^۳ و نقل شده: روزی علی (علیه السلام) به امام حسین (علیه السلام) نگاه کرد و فرمود: این پسرم آقا است چنانکه رسولخدا (صلی الله علیه وآله) او را آقا خواند، و بزودی خداوند در صلب او مردی ظاهر سازد که همنام پیامبر (صلی الله علیه وآله) شماست، و در صورت و سیرت شبیه پیامبر (صلی الله علیه وآله) است، وقتی که مردم در غفلت بسر می برند و حق زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته، خروج می نماید، سوگند به خدا اگر خروج و قیام نکند، گردنش را می زنند، اهل آسمان و ساکنان آن از خروجش شاد می شوند، بلند پیشانی و برآمده بینی، سطر شکم، لاغر ران و در ران راستش خالی هست، گشاده دندان می باشد، زمین را همچون که پر از ظلم و جور

۱- اثبابة الهداة ج ۷، صفحه ۱۰۳.

۲- كشف الغمّة ج ۳، ص ۳۷۶ - اثبابة الهداة ج ۷، ص ۱۹۰ - ۲۰۸.

۳- اثبابة الهداة ج ۷، ص ۱۸۵.

فصل دوم

غیبت صغری و غیبت کبری

دوران زندگی امام زمان (عج) را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰)

۲- دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹)

۳- دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می‌شود تا

وقتی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد.)

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آنحضرت دوغیبت خواهد بود، یکی کوتاه، دومی طولانی در غیبت صغری (کوتاه) خواص شیعه و نواب خاص آن حضرت با او تماس داشته‌اند، ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامتگاه او بی‌خبرند جز دوستان مورد اعتماد که متصدی خدمتگذاری از

اقامتگاه او می‌باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هرگاه عمر یکی از آنها بسرآمد یکی دیگر بجای او تعیین می‌شود.^۱

و به گفته صاحب مستدرک، مرحوم نوری (ره) اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان (عج) عمر طولانی داشته باشند در هر قرنی ۳۰ نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادت‌مند، به سعادت خدمتگذاری و مصاحبت آنحضرت نائل می‌شوند.^۲

به هر حال این افراد همان اوتادند که در محضر آنحضرت به سر می‌بردند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می‌پردازیم.

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه

وضع زمان و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان (عج) از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می‌شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرائط ظهور مهیا گردید ادامه دارد.

ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی‌گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می‌دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

۱- بحار ط جدید جلد ۵۲، صفحه ۱۵۸.

۲- جنة المأوی - بحار طبع جدید جلد ۵۳، صفحه ۳۲۰.

برهمنین اساس پس از آنکه امام زمان (عج) در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و فیت صغری به وجود آمد) و تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی به ترتیب زیر از جانب آنحضرت تعیین شده و واسطه بین آنحضرت و مردم شدند:

۱- عثمان بن سعید (ره) که در سال ۳۰۰ هجری وفات کرد
۲- محمد بن عثمان (ره) که ۵ سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت.

۳- حسین بن روح (ره) که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.
۴- علی بن محمد سیّمری (ره) که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت، و امام به او دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند.

از این وقت به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد (دستور و توقیع امام عج به چهارمین نائیش در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۱۷ و... آمده است).

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) ادامه دارد.^۱

اینک باید پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟ پاسخ آنکه: خوشبختانه امام قائم (عج) در این مورد نیز راهنمایی

۱- به این ترتیب غیبت صغری در حدود ۷۰ سال بوده است و بعضی این مدت را ۷۴ سال دانسته‌اند. یعنی از سال ۲۵۵ (سال تولد امام عصر عج) تا سال ۳۲۹ (کشف الفیة ج ۳ ص ۴۵۴) شرح این مطلب در بحارالانوار جلد ۵۱ صفحه ۴۴۴ به بعد آمده است.

فرموده و پیروانش راسرگردان نگذاشته است، در این مورد مردم را به اطاعت از ولی فقیه فراخوانده است اینجا است که مسئله معروف «ولایت فقیه» پیش می آید و درباره آن اکنون اندکی توضیح می دهیم.

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه:

ولایت یعنی رهبری و حکومت، فقیه یعنی کسی که دارای شرائط استنباط احکام از ادله اسلامی باشد، به علاوه عادل و پرهیزکار نیز باشد.

بنابر این ولی فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عام امام زمان (عج) را دارد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام زمان (عج) زمام امور مردم را بدست گیرد، البته عقل و حتی آیات و روایات هم بیانگر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدم دارند.

درباره اصل ولایت فقیه دلائل فراوان داریم از جمله در روایت آمده:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سه بار فرمود: خدایا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده، شخصی پرسید جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنانکه پس از من می آیند، گفتار و سنت (روش و سیره) مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند.

اسحاق بن یعقوب (ره) گوید از عثمان بن سعید (ره) اولین نائب خاص امام زمان «عج» خواستم نامه ای به امام عصر (عج) برساند. و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم؟

امام (عج) باخط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:
... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ:

... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما
هستند و من حجّت خدا هستم بر شما.^۱

البته دلائل ولایت فقیه بسیار زیاد است در این باره به کتاب
شریف ولایت فقیه امام خمینی «ره» مراجعه کنید.

در احتجاج طبرسی آمده: امام عسکری (علیه السلام) در ضمن
حدیث طولانی فرمود:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا
لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ:

«هرکدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبر انقلابی دارند
و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان خدایش باشد،
بر عوام است که از وی تقلید کنند.»^۲

باتوجه به واژه «تقلید» که به معنی پیروی است، می فهمیم که امور
مردم در زمان غیبت به فقهاء ربّانی سپرده شده و آنها ولایت بر
مردم دارند.

این حدیث، شرائط یک فقیه را که می تواند جانشین امام زمان
(عج) باشد بیان می کند.

از آنجا که توضیح این روایت خود کتاب مفصّلی می خواهید

۱- مدرک قبل صفحه ۱۰۱ - کشف الغمّه جلد ۳ - صفحه ۴۵۷.

۲- احتجاج طبرسی - شرح حال امام عسکری (ع) - سفینه البحار جلد ۲ صفحه ۳۸۱.

بطور خلاصه باید حکومتش بر مردم همانند حکومت امام علی (علیه السلام) باشد، آنجا که برادرش که از گرسنگی رنگ بچه‌های او پریده شده و مطالبه کمک اضافی از بیت المال می‌کند، آهن سرخ گذاخته در دستش می‌گذارد.^۱

و آنجا که با خبر می‌شود یک زن یهودی خلخال با دست دشمن از پای او در آمده سخت عصبانی می‌شود.^۲

و آنجا که می‌بیند کارگزارانش به بیت المال تجاوز کرده‌اند و بنفع خویشاوندان برداشت کرده‌اند هر چند پسر عموی آنحضرت باشد نامه‌ای آتشین می‌نویسد و به او اعتراض می‌کند و از کار برکنارش می‌سازد و می‌نویسد این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین (علیهما السلام) هم نمی‌پذیرم.^۳

و آنجا که می‌بیند فرماندارش به میهمانی پولداری رفته فریادش به اعتراض بلند می‌گردد.^۴

نامه‌های آنحضرت در نهج البلاغه به استانداران و بخشداران و فرماندارانش گویای این گونه حقایق است که نائب برحق امام زمان (عج) رعایت می‌کند.

بنابراین ولایت فقیه همان دنباله امامت است. یعنی مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان «عج» امور رهبری امت را بدست می‌گیرد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۷.

۳- نهج البلاغه نامه ۴۱.

۴- نهج البلاغه نامه ۴۵.

توضیح چند اشکال:

آنانکه از اسلام دل خوشی نداشتند و هم کاسه‌های آنها و دست کم آنها که حسن نیت داشتند ولی شناخت نداشتند، شروع به ایراد تراشی به این مسئله، که دنباله مسأله امامت است کرده، که بیشتر این ایرادات بی اساس از آنان است که از اسلام می‌ترسیدند، یعنی با تشکیل حکومت اسلامی، منافع خود را در خطر می‌دیدند. وقتی که این ایرادات را بررسی می‌کنیم می‌بینیم برگشت همه آنها به این چهار ایراد است:

۱- ولایت فقیه یک نوع حکومت روحانیت و انحصار طلبی است.

۲- ولایت فقیه موجب استبداد و دیکتاتوری است.

۳- ولایت فقیه با حاکمیت ملی سازگار نیست.

۴- ولایت فقیه موجب تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری می‌شود.

پاسخ این ایرادات بطور فشرده:

در مورد اشکال اول:

اولاً ما مدعی نیستیم که «ولی فقیه» کلیه امور را باید در دست داشته باشد و لذا در قانون اساسی مصوب امام و امت بخصوص در اصل ۱۱۰ اختیارات ولی فقیه را بطور فشرده بیان داشته است.

ما نمی‌گوئیم ولی فقیه کلیه زمام امور قانون‌گذاری و قدرت

شرح کوتاهی در باره ولایت فقیه ۳۵ □

اجرائی را بدست می‌گیرد، تا گفته شود این یکنوع حکومت روحانیت و انحصارطلبی است بلکه ضمن آنکه می‌بایست کلیه مناصب برای مشروع بودنش با اجازه یک حاکم شرع مطلق باشد، ولایت فقیه از هرگونه انحراف فکری و مکتبی و انحراف در مسیر اجراء و پیاده نمودن احکام جلوگیری می‌نماید.

با توجه به اینکه در هر کاری باید به متخصص مراجعه کرد و با توجه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی‌شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم، ما باید پیرو حق باشیم هرچند این حق از جانب روحانیت باشد. به اضافه اینکه باید به شرائط ولایت فقیه که در چه کسی هست توجه کرد نه به لباس او.

در مورد اشکال دوم:

«ولی فقیه» خودش غیر از اسلام، نظری ندارد، تا او را به استبداد رأی متهم کنیم، صفت آگاه «تخصّص» و عادل (درستکار) حاکی است که او در حفظ اسلام قدم بر می‌دارد، بنابر این اگر از این خط منحرف شد، خودبخود از این مقام برکنار خواهد شد (با توجه به اینکه ملت مسلمان خواهان اجرای اسلام هستند نه غیر اسلام).

در مورد اشکال سوم:

وقتی ملت، مسلمان بودند، و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می‌جوشید، و به عبارت دیگر انقلابشان، انقلاب نان و آب و مسکن نبود بلکه انقلاب مکتبی بود (که البته در پرتو این

مکتب نان و آب و مسکن نیز هست) معنای آن این است که ملت، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است می‌خواهند، و روشن است که از مهمترین مقررات اسلام، مسئله امامت و ولایت فقیه است، پس به اراده ملت کاملاً توجه شده است، وانگهی وقتی که اکثریت ملت قانون اساسی را که در آن اصل ولایت فقیه آمده تصویب کردند، آیا معنای این مطلب این نیست که به آراء ملت احترام شده است؟ با توجه به اینکه در مورد قانون اساسی کاملاً به آراء ملت احترام و تکیه شده است و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز مؤید این مطلب است.

از طرفی «اکثریت» عملاً به دنبال «ولایت فقیه» هستند، بنابراین در کجای ولایت فقیه ضدیتی با حاکمیت ملت دیده می‌شود؟!

در مورد اشکال چهارم:

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای حکومت اسلامی بر اساس یک قانون اساسی، زیر نظر یک رهبر «که ولی فقیه است» باشد همه ارگانها در یک مسیر گام برمی‌دارند، دیگر تعدد مراکز قدرت لازم نمی‌آید.

ما اقرار می‌کنیم که در آغاز پیروزی انقلاب در بعضی از موارد بر اثر عواملی این اشکال وجود داشت، علت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی و هدف از حکومت اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقق صحیح حکومت اسلام تحت نظارت و رهبری و ولایت فقیه، حتماً قدرتها و تصمیمها به یک مرکز برگشته و این

اشکال بر طرف خواهد شد.

در اینجا اضافه می‌کنم: چنین نیست که عدّه مخصوصی حکومت را بدست گرفته باشند بلکه همه مردم مسلمان حکومت را بدست گرفته‌اند، نهایت اینکه نماینده‌های آنها یعنی افراد مورد قبول اکثریت با همکاری ملت دست اندرکار شده‌اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم، این اتومبیل دارای دهها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند، ولایت فقیه، هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آنرا به حرکت درآورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن، خطرات را دفع و رفع نماید (البته از ذکر این مثال پوزش میطلبیم). لازم به تذکر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه در بینش تشیع از اصول دین است، و در اصول دین هر کس خودش باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست. در اینجا این سخن را نیز اضافه می‌کنیم که به حکم آیات و روایات از جمله:

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ.

«ای داود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم، بنابراین این بین مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس پیروی مکن» (سوره صاد، آیه ۲۶). ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان (سلام الله علیهم اجمعین) است، مبانی بر اساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا

اصالت انسان نیست، بلکه مبانی بر اساس اصالت «الله» است که امروز به صورت اسلام و قوانین اسلام متبلور شده است، او تنها از اسلام می‌گوید و بر اسلام تکیه دارد و مجری اسلام است، با توجه به اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تأمین شده و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می‌سازد.

سؤال:

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی «عج»، آمده که امام صادق (علیه السلام) به مفضل (ره) فرمود: هر بیعت، قبل از ظهور مهدی «عج»، کفر، نفاق و تزویر است و لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده.^۱

و از امام حسین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر پرچم (برافراشته از رهبری) قبل از قیام مهدی «عج» طاغوت است و بفرموده امام باقر (علیه السلام) صاحب آن پرچم طاغوت است.^۲
آیا اگر «ولی فقیه» در زمان غیبت، زمام رهبری را بدست گیرد مشمول اینگونه روایات نیست؟!

پاسخ:

این روایات مربوط به آن رهبرانی است که مستقلاً رهبری امور را بدست می‌گیرند، ولی در ولایت فقیه، استقلال نیست، بلکه نیابت

۱- بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲- انبأ الهداة، ج ۷، ص ۶۵.

شرح کوتاهی در باره ولایت فقیه ۳۹ □

به اذن عام حضرت مهدی (عج) است، چنانکه خود دلائل ولایت فقیه این مطلب را ثابت می‌کند، و در حقیقت این پرچم و بیعت، به عنوان نیابت و زمینه‌سازی برای ظهور آنحضرت می‌باشد، و آن حضرت و امامان (علیهم‌السلام) دیگر هم چنین اجازه بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده‌اند.

فصل سوم پاسخ به بیست و هفت سؤال

۱- آیا عقیده به ظهور و مصلح جهانی...؟

می‌پرسند: آیا عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان مخصوص شیعه است یا ادیان دیگر نیز به آن معتقدند؟
پاسخ:

این عقیده حتی در کتب زرتشتیان، هندویان و تورات و انجیل و در میان مصریها و چینیها و حتی در میان غربیها وجود دارد و در منابع اهل تسنن، روایات متواتر و بسیار زیاد آمده است، به عنوان نمونه به کتابهای:

۱- نورالابصار صفحه ۱۵۷.

۲- التاج الجامع الاصول (تالیف شیخ منصور علی ناصف).

۳- کتاب صواعق المحرقة.

۴- کتاب منتخب الاثر (تالیف آیه الله صافی).

۵- اثبات الهداة از صفحه ۱۷۹ به بعد.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۴۱ □

۶- المجالس السنیه نوشته سید محسن جبل عاملی (ره) جلد ۵
صفحه ۷۱۳ تا ۷۴۳ مراجعه فرمائید.

۲- فائده غیبت طولانی چیست؟^۱

پاسخ:

امام قائم (عج) بخاطر عدم پذیرش جامعه، از نظرها پنهان است،
او همچون امامان معصوم (علیهم السلام) دیگر اگر آشکار بود، مردم
همان که با آن امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا
مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان و با برنامه ریزیهای دراز
مدت و تکامل معنوی و مادی پیدا کنند.

غیبت او چنانکه در روایات آمده همچون پنهان شدن خورشید
پشت ابرها است، گرچه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت
می کنند، ولی هرگز نمی توانند تابش خورشید را بطور کلی محو
سازند.

غیبت امام قائم (عج) دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار
به چند فایده آن اشاره می کنیم.

۱- غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که
دارای چنین رهبری هستند، با توجه به اینکه امید، آن هم امیدی این
چنین، سازنده است.

۱- در پاسخ این سؤال عالم بزرگوار تشیع سید مرتضی (ره) گوید: «وقتی که از راه عقل و نقل،
صحت امامت امام قائم (عج) ثابت شد، اگر فلسفه غیبت را ندانیم چه مانعی دارد، چنانکه فلسفه
بسیاری از احکام بر ما پوشیده است» (تلخیص از کشف الغمه جلد ۳ صفحه ۴۶۲).

۲- غیبت آنحضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می‌سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

۳- آنحضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم بافقهاء و بزرگان اسلام تماس می‌گیرد و آنها را راهنمایی می‌کند (چنانکه شواهد آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است).

۴- گفتگو درباره قیام مهدی (عج) و تشکیل کنگره‌ها و کنفرانسها و نوشته‌ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی، در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف داری و... می‌شود، در نتیجه آمادگیهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می‌شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آنحضرت مهیا می‌گردد.

۵- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می‌باشد.

۶- از طرفی طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه‌ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می‌شود و در دل این فساد، جرقه‌های انقلاب بروز می‌کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می‌شوند، چراکه تا همه رنج ظلم و فساد را نبرند آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنانکه در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بسیار آمده که:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا بَعْدَ مَا تَمَتَّلَى ظُلْمًا وَجَوْرًا وَسُوءًا.

یعنی آنحضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و جور و بدی شده باشد.^۱

و انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی و خودجوش و از متن توده‌ها برخیزد، و همگان به خوبی آنرا درک کنند.

البته این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که نه شرع و نه عقل چنین اجازه‌ای به ما داده، بلکه این سخن خبر از آینده می‌دهد، و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می‌روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح بپاخواست و خود گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل برمی‌انگیزاند.

آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقائق برایشان کشف گردد، و با تجربیات تلخ خود روی حکومت‌های باطل از آنها روگردان گردند و تشنه وجود امام قائم (عج) شوند.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ.

:«بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم نشان

می‌دهیم تا برای آنها آشکار گردد که «او» حق است.^۲

در مورد اینکه منظور از ضمیر «او» در (انَّهُ) به کجا بازگشت

می‌کند امام صادق (ع) در ضمن روایتی فرمود:

منظور خروج قائم (عج) است که او حق است (و حقانیتش آشکار

۱- بحار، ج ۵۱.

۲- (فصلت - ۵۳)

می گردد).^۱

۳- لقب قائم (علیه السلام) و مهدی (علیه السلام) چرا؟

می پرسند: چرا امام زمان (عج) با کلمه «قائم» و «مهدی» خوانده می شود، و اینکه بعضی با شنیدن لقب «قائم» بر می خیزند و می ایستند برای چیست؟

پاسخ:

در بسیاری از روایات آنحضرت با لقب قائم^۲ و مهدی، یاد شده و در مورد قائم، بسیار می شد که در زمان ائمه (علیهم السلام) بر اثر ظلم و فساد حاکمان غاصب، امامان به یاد امام زمان «عج» می افتادند و می فرمودند:

قائم ما انتقام ما را خواهد گرفت.

قائم یعنی قیام کننده، نظربه اینکه قیام و نهضت حضرت مهدی «عج» جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده آنحضرت با این عنوان خوانده می شود.

اما اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفظ به این کلمه بر می خیزند و می ایستند، این کار یکنوع عمل مستحبی است

۱- بحار جلد ۵۱ صفحه ۶۲ - منظور از این تفسیر این است که یکی از مصدیق روشن حق که پس از طول زمان آشکار خواهد شد وجود قائم «عج» است.

۲- ناگفته نماند که امام صادق فرمود: همه ما امامان قائم هستیم، ولی آن قائم (امام دوازدهم) صاحب شمشیر (قدرت و حکومت) است و برنامه ای غیر از برنامه ما دارد (اثبات الهداة جلد ۷ صفحه ۱۲۷).

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۴۵ □

و احترام و اظهار پیوند و انتظار آنحضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان و قلب طپنده هستی است.

این کار حتی در زمان امام صادق (علیه السلام) در میان شیعیان معمول بوده، حتی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا (علیه السلام) کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا (علیه السلام) برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

: «خداوندا بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان.»^۱
اما در مورد واژه مهدی، از این روست که امام زمان هدایت شده و هدایت کننده است.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی در این مورد فرمود:
إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ.

: «آنحضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند، و قائم گویند چون به حق قیام کند.»^۲

۱- بحار جلد ۵۱، صفحه ۳۰.

۲- اثبات الهداه ج ۷ ص ۱۱۰ - و نیز در همین کتاب صفحه ۱۶۹ وجه تسمیه دیگری در مورد واژه مهدی از امام باقر «ع» نقل شده است (توضیح اینکه: مردم در آن زمان اسلام راستین را گم کرده اند حضرت مهدی (عج) آنها را به دین اسلام ناب هدایت می کند) (توضیح المقاصد ص

۴۶ □ امام زمان (علیه السلام)

از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد چرا قائم را «قائم» خواندند؟
فرمود: زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به
امامت آنحضرت، راه ناصحیح می روند.

از آنحضرت سؤال شد چرا او را منتظر گویند؟
فرمود: زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار
است، افراد مخلص و پاک در انتظارش بسر می برند ولی افراد
شکاک و مُرَدِّد او را انکار می کنند و منکران، نامش را به مسخره
می گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به
هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می یابند.^۱

۴- اقامتگاه حضرت مهدی (علیه السلام) کجاست؟

می پرسند: امام قائم (عج) کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟
پاسخ:

از قواعد و روایات معصومین (علیه السلام) استفاده می شود که امام
قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص دارد و هم زن و فرزند.
در مورد اقامتگاه آنحضرت - نخست باید توجه داشت که
آنحضرت همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می کند.^۲
و بعضی از سعادت‌مندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب
شده‌اند.

(۵۱۲)

۱- بحار ج ۵۱، ص ۳۰.

۲- بحار جلد ۵۲، ص ۱۵۱-۱۵۶.

پاسخ به بیست و نخت سؤال ۴۷ □

همچنین هر جا که بخواهد از مشاهد مشرفه و... خواهد رفت. اما در مورد اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه^۱ و سرزمینهای دور دست و... گفته شده است. در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می کند این است که اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و گروهی از خواص یارانش در جزیره ای از دریای بزرگ می باشد. از امام هادی (علیه السلام) داستانی نقل شده که خلاصه اش این است:

حضرت مهدی (عج) و فرزندان در جزیره هائی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کنند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره ای هستند و خدا بهتر می داند.^۲ در داستانی که در مورد تشریف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره «خضراء» از طرق بسیار موثق نقل شده حاکی است که اقامتگاه امام قائم (علیه السلام) و همسران و فرزندان در جزیره «خضراء» است اینک اصل داستان را از کتاب اثبات الهداة نقل می کنیم:

علامه مجلسی در بحار الانوار از یحیی بن فضل در کتاب «رسالة البحر الابيض والجزيرة الخضراء» از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می کند:

۱- کرعه قریه ای است در یمن (المجالس السنیة ج ۵ ص ۷۰۸)

۲- اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۵۸.

وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم مرکبهایی از بلاد امام عصر (عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیرمردی بود که چون مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می‌کنم علی باشد. گفتم: آری،

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد؟.

گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می‌شناسی.

گفت: بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات ترا برای من بیان کرده‌اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم مرا با خود به دریا برد روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت: بحر ابیض است و آن جزیره خضراء است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها و وسائل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می‌شوند و به آنحضرت دست نیابند. سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی بنام «سید شمس الدین» را دیدم که می‌گفت: من از نوه‌های امام عصر (عج) هستم، پس از گفتگوئی به او گفتم: هرگز امام را دیده‌ای؟

گفت: نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده‌ام و خودش را ندیده‌ام و اما جدم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است، آنگاه با آن سید از شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سید احوال آن پیرمرد را پرسیدم، گفت: این کوه را می‌بینی، در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه‌ای است و

کنار چشمه، قبه‌ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است، من هر صبح جمعه می‌روم آنجا خدمت امام عصر (عج) (البته با توجه به آغاز حدیث، خود امام را نمی‌بیند و صدایش را نمی‌شنود) و در قبه دو رکعت نماز می‌خوانم و کاغذی می‌یابم که در آن حکم مرافعه‌ای را که در هفته به من رجوع می‌کنند در آن نوشته، کاغذ را برمی‌دارم و هرچه در آن نوشته به آن عمل می‌کنم.

علی بن فاضل گوید: از خادما خواهش کردم مرا به حضور امام (عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت میسر نیست!^۱
ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی بنام «الفوائد الشمسیه» آورده است، و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می‌کند.

بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده‌اند که شاید این جزیره خضراء (با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان آمده بود) همان مثلث برمودا که از عجیب‌ترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی‌ترین اقیانوس اطلس قرار دارد باشد.
از عجائب مثلث برمودا اینکه هر هواپیما یا کشتی به حدود آن برود بطور اسرارآمیزی ناپدید می‌گردد، و جالب اینکه آبهای آن سفید است، و هرروز خبر غرق شدن تعداد تازه‌ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید «مثلث برمودا» به گوش رسیده است.

خلبانها و ملوانهایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده‌اند گزارش داده‌اند که در مسیر خود، به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته‌اند هدایت شده‌اند.^۱

این هم یک احتمالی است، که باید دانشمندان و محققان تحقیق بیشتری کنند.

فقط در اینجا اضافه می‌کنیم: یکی از دعاهای حضرت مهدی (عج) این است که:

اللَّهُمَّ أَحْجِبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي:

«خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن.»^۲

به مقتضای استجابات این دعا، اقامتگاه آنحضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود. و ممکن است همین مطلب تأییدی باشد که آن جزیره، در مثلث برمودا است.

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان، جمعی از دوستانش که طبق روایتی سی تن از «اوتاد» و برجستگان هستند^۳ همواره در خدمت آنحضرت بسر می‌برند.

بهر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت:

یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم مخور

کیلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

۱- شرح اسرارآمیز این ماجرا را در کتاب عدل منتظر ص ۸۴ تا ۹۹ و در کتاب «مثلث برمودا» بخوانید.

۲- مصباح کفعمی صفحه ۲۱۹.

۳- بحار جلد ۵۲ صفحه ۱۵۸.

دورگردون گسرد و روزی بسرمراد مانگشت
دائما یکسال نماند حال دوران غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب
باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور
حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب
جمله می داند خدای حال گردان غم مخور
به گفته ملامحسن فیض کاشانی:
ای تو ما را راحت جان الغیث
دردها را جمله درمان الغیث
ای سرو سرکرده هرسروری
نیست ما را بی تو سامان الغیث
قائم آل پیامبر (ص) دستگیرا
بی تو ام افتان و خیزان الغیث
کار شرع از دست شد بیرون خرام
تازه کن آئین ایمان الغیث
عالمی گردید مالامال شر
ازجفا و جور و طغیان الغیث
خون ما خوردند این دجالیان
مهدی‌ها دی دوران الغیث
فیض شد دلتنگ صحرای فراق
مونس دل راحت جان الغیث

توضیح دیگر اینکه: بر اساس داستان «علی بن فاضل، فرزندان حضرت ولی عصر (عج) در جزیره‌ای بنام خضراء در اقیانوس اطلس، زندگی می‌کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده، پس از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره بازمی‌گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است.^۱

۵- قرآن و مسئله حکومت جهانی

می‌پرسند: اگر حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فراخواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در می‌آید، آیا در قرآن مجید این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟
پاسخ:

آیات متعددی که تأویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر (عج) شده، بسیار است (در این باره به بحارط جدید ج ۵۱ از صفحه ۲۲ به بعد مراجعه گردد)، به عنوان نمونه:

۱- در قرآن کریم می‌خوانیم: او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آنرا بر تمام دینها غالب گرداند هرچند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست.^۲

۱- عدل منتظر شماره ۵ کتاب سالانه مسجد صدریه تهران صفحه ۹۲.
۲- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره صف آیه ۹).

این آیه صریحاً نوید می‌دهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می‌گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی «عج» در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می‌دهد.

۲- در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می‌خوانیم: «یقیناً (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود - علیه السلام) نوشتیم پس از آنکه این مطلب را (در تورات) نیز نوشته بودیم که: حتماً بندگان صالح وارث زمین می‌شوند.»^۱
این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است، روشن است که وعده خدا حق است، روزی خواهد آمد که بندگان صالح که از نظر قرآن، مسلمین راستین هستند حکومت واحد صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می‌سازند، که اشاره به حکومت حضرت مهدی «عج» است.

۳- در سوره نور آیه ۵۴ می‌خوانیم: «خداوند با آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می‌کنند وعده داده که آنان را نماینده «خود» در زمین گرداند همانگونه که گذشتگان آنانرا خلیفه کرد وعده داده که دینشان را که برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، آنها را می‌پرستند و برای من شریک نمی‌گیرند.»^۲

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنانکه

۱- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.
۲- وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا...

ایمان و عمل صالح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه‌سازی برای ایجاد آینده درخشان می‌کنند) نوید می‌دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می‌سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می‌گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می‌شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب می‌کند که حکومت آنها بر سراسر زمین بر اساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هرگونه شرک است.

چنانکه در حدیثی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد عقائد این حکومت واحد سراسری فرمود:

فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدًا إِلَّا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ :

هیچ فردی روی زمین نمی‌ماند مگر اینکه معتقد است خدائی جز خدای یکتا وجود ندارد.^۱

به این ترتیب می‌بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مردم تحت پرچم توحید قرار می‌گیرند و مردم صالح زمام امور را بدست می‌گیرند خبر می‌دهد.

۴- قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می‌فرماید:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۲

۱- اثبات الهداة جلد ۷ صفحه ۲۲۷ سوره قصص آیه ۵.

۲- (سوره قصص آیه ۵)

«ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.»

این آیه گرچه در ماجرای موسی (علیه السلام) و فرعون نازل شده که خداوند موسی (علیه السلام) را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد و مستضعفان را به رهبری موسی (علیه السلام) به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاص موسی (علیه السلام) نیست بلکه یک بشارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطل، که سرانجام این پیروزی بطور جامع و کامل و جهانی بدست مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) صورت می گیرد، چنانکه در روایات به این مطلب تصریح شده، و مهدی (عج) و پیروانش به موسی (علیه السلام) و پیروانش تشبیه شده اند و در روایتی می خوانیم:

امام سجّاد (علیه السلام) فرمود: سوگند به کسی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق بشارت دهند و بیم دهند قرار داد نیکان ما همانند موسی (علیه السلام) و پیروانش هستند و بدان ما همانند فرعون و پیروانش می باشیم.^۱

و امام علی (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق فرمود: «این گروه آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می کند.»^۲

۱- مجمع البیان ذیل آیه ۵ سوره قصص.

۲- نور الثقلین جلد ۲ صفحه ۱۱۰ - و در نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۲۰۹ نیز به این مطلب اشاره شده است.

۶- یاران مهدی (علیه السلام) بیشتر کجا هستند؟

پاسخ:

جالب اینکه در روایات بسیاری آمده که دستجات یاران امام مهدی (عج) از مشرق زمین پیاپی می‌خیزند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: (هنگام ظهور) پرچمهای سیاه از طرف مشرق نمودار شود، پس باوی (امام قائم «عج») بیعت کنید که او خلیفه خدا، مهدی «عج» است. و نیز فرمود: جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی (عج) را فراهم سازند.^۱ امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنجهای نهاده که از طلا و نقره نیست بلکه مردان مؤمنی هستند که بطور شایسته خدا را شناخته‌اند و در آخر الزمان، یاوران حضرت مهدی (عج) خواهند بود.^۲ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هنگامی که پرچمهای سیاه را از جانب خراسان دیدید، به طرف آن بروید هرچند با دست و سینه روی برف باشد، چراکه خلیفه خدا مهدی (عج) در میان آنها است.^۳

و در روایت دیگر فرمود: بزودی اهل بیت من دچار گرفتاریها و

۱- دو حدیث فوق را ابن ماجه در سنن خود نقل کرده است (اثبابة الهداة جلد ۷، صفحه ۱۹۷).

۲- اثبابة الهداة جلد ۷، ص ۱۹۷ - المجالس السنية ج ۵، ص ۶۹۷.

۳- اثبابة الهداة جلد ۷ ص ۱۸۹ - كشف الغممة ج ۳، ص ۳۷۵ - المجالس السنية ج ۵، ص

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۵۷ □

آوارگیها خواهند شد، تا اینکه جمعی با پرچمهای سیاه از طرف مشرق بیایند... تا اینکه امر به یکی از افراد اهل بیت من (امام قائم (عج)) سپرده شود، که او سراسر زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد کند، فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهَا وَكُلْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِّ: هرکدام که از شما آنها را درک کردید به آنها پیوندید گرچه با راه رفتن با دست و سینه روی برف باشد خود را به آنها برسانید.^۱

به این ترتیب می بینیم، مشرق زمین مورد توجه قرار گرفته است و چنانکه هم اکنون از نشانه هایش پیداست، تنها مشرق زمین است که این کار را خواهد کرد، بنابر این مشرق زمین باید بپاخیزد! و با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق امت مسلم از مستضعفان در مشرق زمین هستند و با توجه به امکانات عظیم جغرافیائی و اقتصادی و نیروی انسانی که دارند، می توانند بپاخیزند و دستهای ابرقدرتها را قطع کنند و زمینه سازی خوبی برای ظهور مهدی (عج) ایجاد نمایند.

۷- زندگی شخصی امام عصر (عج) چگونه است؟

پاسخ:

زندگی او همچون زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) است، او در دوران حکومتش همچون طاغوتیان و مستکبران زندگی نمی کند و در کاخهای آسمان خراش

۱- کشف الغمّه ج ۳، ص ۳۷۵ و ۳۸۱.

نمی نشیند، لباس و غذا و برخوردش با مردم بسیار ساده است.
حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ (عج) إِلَّا الْغَلِيظُ
وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْخَشَبُ: لباس قائم «عج» جز پارچه زبر و خشن، و غذای او جز
غذای ساده نیست.^۱

او در برخورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده پیامبر
(صلی الله علیه و آله): هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندی به
حضورش می آیند و درخواست نیازمندیهای خود می کنند،
آنحضرت مقداری که در خواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون
شماره به آنها می دهد.^۲

آری این همان روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی
(علیه السلام) و سایر امامان معصوم (علیهم السلام) است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام
غذا خوردن روی زمین می نشست و با دست خود کفشهایش را
می دوخت و لباسش را وصله می کرد.^۳

و علی (علیه السلام) در مورد خودش هنگام حکومت فرمود: امام
شما با اینهمه قدرت و مکنث از دنیا به دو لباس کهنه و عادی، و از
غذا به دو قرص نان اکتفاء کرده است.^۴

این عمل انقلابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام)
باید سرمشق همه باشد، چراکه انسان تا خود را از اسارت‌های مادی

۱- منتخب الاثر ص ۳۰۷، اثبات الهداة ج ۷، ص ۹۷.

۲- اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۹۹.

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۵۹.

۴- نهج البلاغه نامه ۴۵.

نرهاوند، نمی تواند خیزش کند و در فضای معنویت به پرواز درآید، از طرفی مفسد تجمل پرستی و ولخرجی و اسراف و اتراف برکسی پوشیده نیست، بنابر این بیائیم در زندگی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آتش (علیهم السلام) اقتداء کنیم.

همین معنی در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) برای یار و شاگرد با وفایش مفضل (ره) بیان شده است، به مفضل (ره) فرمود:
کار امام قائم سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است همچون زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام).^۱

علامه مجلسی (ره) گوید: منظور از سیاست شب و رتق و فتق امور و اتخاذ روشهای سیاسی در پیشبرد هدفهای سیاسی و طرح ریزی در این باره است.

و منظور از سیاحت روز، تلاش و حضور در صحنه اجتماع برای مبارزه و جهاد با دشمن و تأمین نیازهای مردم و رسیدگی به درد دل آنها است.

و منظور از خوراک ساده هم معلوم است، خلاصه اینکه روش زندگی اش همچون روش حضرت علی (علیه السلام) می باشد.^۲

البته باید توجه داشت که هنگام قیام و حضور در جبهه جنگ با دشمن، غرق در اسلحه است، زره رسولخدا (صلی الله علیه و آله) در تن و شمشیر ذوالفقار آنحضرت در دست و کلاه خود آنحضرت را بر سردارد.^۳

۱- بحار ج ۵۲، ص ۳۵۹.

۲- بحار ج ۵۲، ص ۳۵۹.

۳- اثبات الهدایة جلد ۷ صفحه ۸۹.

۶۰ ■ امام زمان «علیه السلام»

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: تُراث رسولخدا (صلی الله علیه و آله) به امام قائم (عج) می رسد، یکی از یاران پرسید تُراث چیست؟

فرمود: شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق و اسب و زین و آلات جنگی رسولخدا (صلی الله علیه و آله) است!

۸- طول عمر امام قائم (عج) را چگونه حل می کنید؟

می پرسند: اکنون که سال ۱۴۱۱ هجری قمری است با توجه به سال تولد امام قائم (عج) که سال ۲۵۵ بوده ۱۱۵۶ سال از عمر آنحضرت گذشته است، آیا ممکن است شخصی این قدر یا بیشتر عمر کند؟

پاسخ:

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم صدوق (ره) به بعد مطرح است و هم اکنون یکی از سئوالات مربوط به آنحضرت است. ما وقتی که از نظر دین و دانش ثابت کنیم که عمر طولانی این چنینی محال نیست، آنگاه می گوئیم چه مانعی دارد خداوند متعال با آن قدرت لایزال خود شرائطی را در شخصی به وجود آورد که هزاران سال یا بیشتر عمر کند؟

از نظر دانش:

زیست شناسان می گویند: اگر اختلالها و آسیبهایی که به انسان

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۶۱ □

می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود رفع گردد، عمر او به ۲۰۰ سال خواهد رسید.

بعضی می‌گویند انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند این که می‌بینی ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می‌کند، بر اثر آنستکه عضوی از او فرسوده می‌شود و به عضوهای دیگر سرایت می‌کند.^۱

و از آزمایشاتی که دانشمندان، روی حشرات و سلولها و گیاهان کرده‌اند نشان می‌دهد که گاهی عمر آنها را به صدها بلکه به هزارها برابر رسانده‌اند.

«یوری فیالکوف، استادپلی تکنیک «کیف» در شوروی می‌گوید: سلول که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می‌باشد جاوید است و هرگز نمی‌میرد، مشروط بر این که غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی اضافه می‌کند: انسان باید زنده و جاوید باشد هرگز از بین نرود زیرا سلولهای تشکیل دهنده بدن او جاوید است.^۲ اما از نظر قرآن و احادیث:

از نظر دینی نه تنها هیچگونه دلیلی بر انکار عمر طولانی در افراد استثنائی نداریم، بلکه در تواریخ مذهبی می‌خوانیم: ادریس (علیه السلام) و الیاس (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام)، هنوز زنده‌اند و همچنین حضرت لقمان (علیه السلام) و نوح (علیه السلام) و عاد (علیه السلام) و پیامبران دیگر، عمرهای بسیار

۱- مجله دانشمند سال ۶ شماره ۱ ص ۴۳.

۲- مجله خواندنیها سال ۲۸ شماره ۳۸ صفحه ۴۳.

□ ۶۲ امام زمان «علیه السلام»

طولانی کرده‌اند، تا آنجا که قرآن در آیه ۴ نمل درباره حضرت نوح (علیه السلام) می‌گوید:

نوح (علیه السلام) در میان قوم خود هزار سال جز پنجاه سال (یعنی ۹۵۰ سال) درنگ کرد و طبق روایات حضرت عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد.^۱

بنابر این چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و او با بکارگرفتن آن، عمر بسیار کپند^۲ وقتی که اصل مسئله محال نبود، قدرت و اراده خداوند بقیه امور را درست خواهد کرد.

ضمناً باید به این نکته توجه داشت که استثنائات در جهان نمونه‌های بسیار دارد مانند: کشف ماهیهای ۳۰۰۰/۰۰۰ ساله و کشف ۴/۰۰۰ دانه از یک بوته گندم، و کشف آبی که یخ نمی‌زند و... که اینها همه حکایت از قدرت لایزال الهی می‌کند و حاکی است که این طور نیست که جهان همیشه در محور علل و معلول طبیعی خدا داد بگردد، بلکه گاهی علل مافوق علل طبیعی در کار است، که آنهم کار خدا است، چنانکه قرآن کراراً می‌فرماید:

«بدانید حتماً خداوند بر هر چیز تواناست».^۳

۹- آرامش با جنگ نمی‌سازد؟

۱- شرح بیشتر و جواب آن را در کشف الغمّه جلد ۳ صفحه ۴۷۲ به بعد بخوانید.
۲- درباره افرادی که در دنیا عمر طولانی کرده‌اند به کتاب اعلام الوری صفحه ۴۴۲ و کتاب بحار ج ۵۱ صفحه ۲۲۵ به بعد مراجعه شود.
۳- إِنْ أَلَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

می‌پرسند: اگر سراسر زمین تحت یک حکومت قرار می‌گیرد و همه تحت پرچم توحید بسر می‌برند و امنیت و آرامش و صفا، همه جا حاکم است، پس جنگ مهدی (عج) با مخالفان برای چیست؟ اگر جنگ هست امنیت نیست و آنگهی چرا اینهمه از شمشیر سخن به میان آمده، مگر حکومت زور است؟

پاسخ:

بنظر می‌رسد این ناآرامیها و جنگها در مراحل اول ظهور باشد، چنانکه نوعاً دوره اول انقلابها توأم با درگیریها و جنگها است، و آنگهی آنانکه منافع مادیشان در خطر است و مانع عدالت اجتماعی می‌شوند، به مخالفت بر می‌خیزند، که اولاً در اقلیتند و ثانیاً نارضایتی آنها دلیل بی‌عدالتی و ناآرامی نیست و حاکی از نقص حکومت نمی‌باشد.

اینکه در روایات آمده: امام عصر (عج) پنج یا هفت سال و یا ۹ سال و یا ۲۰ سال^۱ و یا چهل سال و یا ۳۰۹ سال^۲ به مقدار خواب اول اصحاب کهف در آن غار، حکومت می‌کند، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکّل و پایه‌ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اول صورت می‌گیرد و پس از گذشت چهل سال بحد کمال می‌رسد و بیش از ۳۰۰ سال ادامه می‌یابد، بنابراین ممکن است این درگیریها و یا توطئه‌ها و کارشکنی عناصر کافر و

۱- اثبات الهداة ج ۷، ص ۱۷۹ - المجالس السبیه ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۲.

۲- بحار جلد ۵۲، صفحه ۳۹۰.

سودجو، در آن سالهای اول حکومت باشد، اما پس از چهل سال، عدل و داد همه جا را فرا می‌گیرد و دیگر هیچ مانع و مزاحم و توطئه‌گر و ضد انقلابی باقی نمی‌ماند.

چنین فرضی از نظر عقل و جامعه‌شناسی، صحیح بنظر می‌رسد زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه‌ها (اگر از طریق اعجاز نباشد) نیاز به انقلاب فرهنگی دراز مدت دارد، و نمی‌توان یک شبه ره صدساله را طی کرد.

و اگر در روایات، مکرر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده حتی مانع زکات، اعدام می‌شود، این به آن معنی نیست که حکومت، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه‌گران است، همان گونه که در قرآن کریم آمده است:

و آهن (شمشیر و اسلحه عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است.^۱
و یا در جای دیگر می‌فرماید:

برای شما در قصاص، زندگی است ای اندیشمندان.^۲
بنابر این، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. تا مبادا عده‌ای سودجو و خائن، به امنیت و آسایش مردم ضربه بزنند، و هرج و مرج ایجاد کنند، به این ترتیب

۱- وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ... (سوره حدید آیه ۲۵).

۲- وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ... (سوره بقره آیه ۷۹).

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۶۵ □

می‌توانیم بدست بیاوریم که انقلاب مهدی (عج) در بعضی از امور تدریجی و در برخی امور فوری است.

۱۰ - نشانه‌های ظهور امام (علیه‌السلام) چیست؟

پاسخ:

وقت ظهور آنحضرت معلوم نیست، و حتی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده‌اند.^۱ ولی نشانه‌هایی به عنوان علائم ظهور در روایات بسیار آمده که مربوط به مدت اندکی قبل از ظهور و مربوط به آستانه و آغاز ظهور است، این نشانه‌ها بسیار زیادند^۲ که معروفترین و جامعترین آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می‌گردد.^۳

سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد گردد^۴ چنانکه در هر انقلابی معمولاً، ظلم و فساد قبل از آن، باعث انقلاب می‌گردد، این موضوع در ضمن یک روایتی جامع بطور مشروح بیان شده و امام صادق (علیه‌السلام) آنرا در ۱۲۰ ماده بیان کرده است و اینک ترجمه روایت:

حضرت امام صادق (علیه‌السلام) به یکی از یارانش فرمود:
۱- هرگاه دیدی: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.

۱- بحار ط جدید، ج ۵۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۶

۲- به توضیح المقاصد، شیخ بهائی، صفحه ۴۹۷ به بعد بنگرید.

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۵.

۴- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۳۹۸.

- ۲- و دیدی که: ظلم همه جا را گرفته.
- ۳- و دیدی که: قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی شود.
- ۴- و دیدی که: دین همچون ظرف تو خالی، و بی محتوا شده است.
- ۵- و دیدی که: طرفداران حق بر طرفداران باطل فائق شده اند.
- ۶- و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.
- ۷- و دیدی که: چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.
- ۸- و دیدی که: افراد با ایمان سکوت کرده و سخنان را نمی پذیرند.
- ۹- و دیدی که: شخص بدکار، دروغ گوید، و کسی دروغ نسبت ناروای او را رد نمی کند.
- ۱۰- و دیدی بچه ها، بزرگان را تحقیر کنند.
- ۱۱- و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود.
- ۱۲- و دیدی که: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.
- ۱۳- و دیدی نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند.
- ۱۴- و دیدی که: زنان با زنان ازدواج نمایند.
- ۱۵- و دیدی که: مداحی دروغین از اشخاص، زیاد شود.
- ۱۶- و دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۶۷ □

۱۷- و دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمن، به خدا پناه می‌برند.

۱۸- و دیدی که: همسایه به همسایه خود اذیت می‌کند و از آن جلوگیری نمی‌شود.

۱۹- و دیدی که: کافر به خاطر سختی مؤمن، شاد است.

۲۰- و دیدی که: شراب را آشکارا می‌آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می‌نشینند و از خداوند متعال نمی‌ترسند.

۲۱- و دیدی: کسی که امر به معروف می‌کند خوار و ذلیل است.

۲۲- و دیدی آدم بدکار در آنچه آنرا خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است.

۲۳- و دیدی اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.

۲۴- و دیدی راه نیک بسته و راه بدباز است.

۲۵- و دیدی خانه کعبه تعطیل شده، و به تعطیلی آن دستور داده می‌شود.

۲۶- و دیدی که: انسان به زبان می‌گوید ولی عمل نمی‌کند.

۲۷- و دیدی که: مردان از مردان و زنان از زنان لذت می‌برند، (با مردان خود را برای مردان، و زنان خود را برای زنان فریب می‌کنند).

۲۸- و دیدی که: زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تأمین می‌شود.

۲۹- و دیدی زنان همچون مردان برای خود مجالس (نامشروع) تشکیل می‌دهند.

۳۰- و دیدی که: در میان فرزندان «عباس»، کارهای زنانگی به

وجود آید.

۳۱- و دیدی که: زن برای زنا با مردان، با شوهر خود همکاری کند.

۳۲- و دیدی که: بیشتر مردم و بهترین خانه‌ها، زنان را بر بدکاری کمک می‌کنند.

۳۳- و دیدی که: مؤمن، خوار و ذلیل شمرده شود.

۳۴- و دیدی که: بدعت و زنا آشکار شود.

۳۵- و دیدی مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.

۳۶- و دیدی که: حلال، حرام شود و حرام، حلال گردد.

۳۷- و دیدی که: دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.

۳۸- و دیدی که: جرئت برگناه آشکار شود، و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.

۳۹- و دیدی مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.

۴۰- و دیدی که: ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.

۴۱- و دیدی که: سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند.

۴۲- و دیدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.

۴۳- و دیدی که: پستهای مهم والیان بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی.

۴۴- و دیدی که: مردم را از روی تهمت و یا سوءظن بکشند.

۴۵- و دیدی که: مرد بخاطر همبستری با همسران خود مورد

سرزنش قرار گیرد.

۴۶- و دیدی که: مرد از بدکارگی همسرش نان می خورد.

۴۷- و دیدی که: زن بر شوهر خود مسلط شود، و کارهایی که

مورد خشنودی شوهر نیست انجام می دهد، و به شوهرش خرجی

می دهد.

۴۸- و دیدی که: مرد همسر و کنیزش را کرایه می دهد و به غذای

پست (که از این راه بدست می آورد) خشنود است.

۴۹- و دیدی که: سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.

۵۰- و دیدی که: آشکارا قمار بازی می شود.

۵۱- و دیدی که: مشروبات الکلی بطور آشکار بدون مانع خرید

و فروش می شود.

۵۲- و دیدی که: زنان مسلمان خود را به کافر می بخشند.

۵۳- و دیدی که: کارهای زشت آشکار شده و هرکس از کنار آن

می گذرد مانع آن نمی شود.

۵۴- و دیدی که: مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش

ترس دارند، خوار شوند.

۵۵- و دیدی که: نزدیکترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که

به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت (علیهم السلام) ستایش شوند.

۵۶- و دیدی که: هرکس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده

و شهادتش را قبول نمی کنند.

۵۷- و دیدی که: درگفتن سخن باطل و دروغ، با همدیگر رقابت

کنند.

۵۸- و دیدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است.

۵۹- و دیدی که: همسایه از ترس زبان بد همسایه او را احترام می‌کند.

۶۰- و دیدی که: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوی و هوس عمل شود.

۶۱- و دیدی که: مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.

۶۲- و دیدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتربان دروغگو است.

۶۳- و دیدی که: بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می‌شود.

۶۴- و دیدی که: ستم و تجاوز شایع شده.

۶۵- و دیدی که: غیبت، سخن خوش آنها گردد، و بعضی بعض دیگر را به آن بشارت (و تشویق) کنند.

۶۶- و دیدی که: حج و جهاد برای خدا نیست.

۶۷- و دیدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند.

۶۸- و دیدی که: خرابی بیشتر از آبادی است.

۶۹- و دیدی که: معاش انسان از کم فروشی بدست می‌آید.

۷۰- و دیدی که: خونریزی آسان گردد.

۷۱- و دیدی که: مرد بخاطر دنیایش ریاست می‌کند.

۷۲- و دیدی که: نماز را سبک شمارند.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۷۱ □

۷۳- و دیدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است.

۷۴- و دیدی که: قبر مرده‌ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند.

۷۵- و دیدی که: هرج و مرج بسیار است.

۷۶- و دیدی که: مرد روز خود را با مستی به شب می‌رساند و

شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.

۷۷- و دیدی که: با حیوانات آمیزش می‌شود.

۷۸- و دیدی که: مرد به مسجد (محل نماز) می‌رود وقتی

برمی‌گردد لباس در بدن ندارد (لباسش را دزدیده‌اند).

۷۹- و دیدی که: حیوانات همدیگر را بدرند.

۸۰- و دیدی که: دل‌های مردم، سخت و دیدگانشان خشک و یاد

خدا بر ایشان گران است.

۸۱- و دیدی که: بر سر کسب‌های حرام آشکارا، رقابت کنند.

۸۲- و دیدی که: نماز خوان برای خودنمایی نماز می‌خواند.

۸۳- و دیدی که: فقیه برای دین، فقه نمی‌آموزد و طالب حرام،

ستایش و احترام می‌گردد.

۸۴- و دیدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند.

۸۵- و دیدی که: طالب حلال، مذمت و سرزنش می‌شود و طالب

حرام ستایش و احترام می‌گردد.

۸۶- و دیدی که: در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا

دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند، و هیچکس بین آنها

و کارهای بدشان مانع نمی شود.

۸۷- و دیدی که: آلات موسیقی و لُهو در مدینه و مکه آشکار گردد.

۸۸- و دیدی که: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند ولی دیگران او را از این کار برحذر می دارند.

۸۹- و دیدی که: مردم به همدیگر نگاه می کنند، (به اصطلاح چشم به هم چشمی می کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.

۹۰- و دیدی که: راه نیک خالی و راه رونده ندارد.

۹۱- و دیدی که: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.

۹۲- و دیدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.

۹۳- و دیدی که: مردم و جمعیتها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.

۹۴- و دیدی که: به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند ولی در راه غیر خدا ترحم کنند.

۹۵- و دیدی که: علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.

۹۶- و دیدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجا می آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند.

۹۷- و دیدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۹۸- و دیدی که: عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ

احترامی برای آنها قائل نیستند، بلکه نزد فرزند از همه بدترند.
/ ۹۹- و دیدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند، و هیچ کاری
جز خواسته آنها پیش نرود.

۱۰۰- و دیدی که: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و
مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۱۰۱- و دیدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد ولی او در آن روز
گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی، و زشتی انجام نداده،
ناراحت است.

۱۰۲- و دیدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار
کنند.

۱۰۳- و دیدی که: اموال حق خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله)
(خمس) در راه باطل تقسیم گردد، و با آن قمار بازی و شرابخواری
شود.

۱۰۴- و دیدی که: به وسیله شراب، بیمار را مداوا کنند، و برای
بهبودی بیمار آنرا تجویز نمایند.

۱۰۵- و دیدی که: مردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر و
ترک دین بی تفاوت و یکسانند.

۱۰۶- و دیدی که: سرو صدای منافقان برپا است ولی سر و
صدای حق طلبان خاموش است.

۱۰۷- و دیدی که: برای اذان و نماز مزد می گیرند.

۱۰۸- و دیدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترسند
و غیبت هم نمایند.

- ۱۰۹- و دیدی که: شرابخوار مست، پیش نماز مردم شود.
- ۱۱۰- وقتی که دیدی: خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.
- ۱۱۱- و دیدی که قاضیان برخلاف دستور خداوند قضاوت کنند.
- ۱۱۲- وقتی دیدی که استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند.
- ۱۱۳- و دیدی که فرمانروایان، میراث (مستضعفان) را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند.
- ۱۱۴- و دیدی که: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.
- ۱۱۵- و دیدی که: صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و بخاطر در خواست مردم بدهند.
- ۱۱۶- وقتی که دیدی: وقت (اول) نمازها را سبک بشمارند.
- ۱۱۷- و دیدی که: همّ و هدف مردم، شکم و شهوتشان است.
- ۱۱۸- و دیدی که: دنیا به آنها روی کرده.
- ۱۱۹- و دیدی که: نشانه های برجسته حق، ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجات بدهد...!

البته باید توجه داشت، که این نشانه ها هم اکنون در دنیای غرب، در اروپا و آمریکا و حتی بعضی از کشورهای آفریقا و آسیا وجود دارد، شکر خدا را که به برکت انقلاب اسلامی در ایران، از بسیاری

از این گناهان جلوگیری شده و می‌رود که از همه جلوگیری شود و زمینه ساز برای ظهور امام قائم (عج) گردد.

۱۱ - خروج سید حسنی و یمان

از جمله علائمی که در آستانه ظهور امام قائم (عج) رخ می‌دهد خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آنحضرت است، اینک توضیح آن:

سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم^۱ و قزوین خروج می‌نماید و با صدای بلند فریاد کند که به فریاد رسید آل محمد (صلی الله علیه و آله) را که از شما یاری می‌طلبند و این سید حسنی ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) باشد و دعوی بر باطل ننماید و دعوت بر نفس خود نکند بلکه از شیعیان خُلص ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) و تابع دین حق باشد و دعوی نیابت و مهدویت نخواهد نمود و لکن مطاع و بزرگ و رئیس خواهد بود و در گفتار و کردار موافق است با شریعت مطهره حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) و در زمان خروج او کفر و ظلم، عالم را فراگرفته باشد و مردم از دست ظالمان و فاسقان در اذیت باشند و جمعی از مؤمنین نیز مستعد باشند از برای ظلم ظالمین، و در آن حال سید حسنی استغاثه نمایند از برای نصرت دین آل محمد (صلی الله علیه و آله) پس مردم او را اطاعت نمایند

۱- یکی از بلاد گیلان.

خصوصاً گنجهای طالقان که از طلا و نقره نباشند بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل که بر اسبهای اشهب سوار باشند، در اطراف او جمع گردند و جمعیت او زیاد شود و مانند سلطان عادل در میان ایشان حکم و سلوک نماید و کم کم بر اهل ظلم و طغیان غلبه نماید و از مکان و جای خود تا کوفه زمین را از لوٹ و جود ظالمین و کافران پاک کند و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجة الله مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است پس سید حسنی با اصحاب خود خدمت آنحضرت مشرف می شوند و از آنحضرت مطالبه دلائل امامت و موارد انبیاء (علیهم السلام) را می نمایند، حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: بخدا سوگند که آن جوان آنحضرت را می شناسد و می داند که او برحق است و لکن مقصودش این است که حقیقت او را بر مردم و اصحاب ظاهر نماید، پس آنحضرت دلائل امامت و موارد انبیاء (علیهم السلام) از برای او ظاهر نماید، در آن وقت سید حسنی و اصحابش با آنحضرت بیعت خواهند نمود^۱ مگر قلبی از اصحاب او که ۴۰۰/۰۰۰ از زیدیه باشند که مصفحها و قرآن درگردن ایشان حمایل است و آنچه مشاهده نمودند از دلائل و معجزات آن را حمل بر سحر نمایند و گویند این سخنان بزرگی است و اینها همه

۱- یمانی نیز از رهبران برحق است که به حمایت از مهدی (عج) خروج می کند، امام صادق (ع) در ضمن روایتی فرمود: سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یکشهر و در یکروز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی، به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند (تفصیل آن در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۲۹).

سحر است که به ما نموده‌اند، پس امام قائم (عج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه نماید و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تأثیر نخواهد کرد، تا سه روز ایشانرا مهلت می‌دهد و چون موعظه آنحضرت را که حق است قبول ننمایند امر می‌فرماید که گردنهای ایشان را بزنند و حال ایشان شبیه است بحال خوارج نهروان که در لشکر امام علی (علیه‌السلام) در جنگ صفین بودند.^۱

۱۲- سفیانی و دجال کیستند؟

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه‌های دیگری نیز بروز می‌کند از جمله خروج سفیانی و دجال^۱ است سفیانی از جانب شام، برمی‌خیزد.^۲

و افراد دیگری نیز تا ۳۰ یا ۶۰ کذاب در روایات ذکر شده است^۳، اینها همه پرچم مخالفت بر می‌افروزند و سرانجام بدست یاران

۱- منتهی الآمال صفحه ۳۳۷ - در این کتاب به بعضی از علائم دیگر نیز اشاره شده است به صفحه ۳۳۵ به بعد مراجعه شود، در کتاب بحار جلد ۵۲ نیز بطور کوتاه از سید حسنی از قول امام باقر (ع) آمده است، و نیز در جلد ۵۳ صفحه ۱۱۵ جریان سید حسنی آمده است، و در آنجا ذکر شده وقتی سید حسنی از امام مطالبه دلائل می‌کند و یقین به صدق امام پیدا می‌کند می‌گوید: اللَّهُ أَكْبَرُ دست را بده تا با تو بیعت کنم، با آنحضرت بیعت می‌کند و به پیروی از او، سپاه او (جز زبیده) نیز بیعت می‌کنند.

از امام صادق (ع) نقل شده: سید حسنی و یارانش، دلاوران از امام قائم (عج) دفاع می‌کنند، ولی سرانجام در راه امام شهید می‌شود، اهل مکه او را می‌کشند و سرش را به شام می‌فرستند. (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۱)

۲- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۳۹۷.

۳- اثبابة الهداة، جلد ۷، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۴- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۰۹ و اعلام الوری، ص ۴۲۶.

مهدی (عج) و به رهبری آنحضرت شکست می‌خورند و به هلاکت می‌رسند، از جمله از شکست خوردگان گروه ۱۰/۰۰۰ نفری «بتریه» است که در مسیر کوفه با سپاه قائم (عج) جنگ کنند و همگی به هلاکت می‌رسند، امام در کوفه کاخهای ستمگران را ویران می‌سازد و همه منافقین توطئه‌گر بدست یاران مهدی (عج) به هلاکت می‌رسند.^۱

در وصف سفیانی آمده که او از نسل ابوسفیان است از پلیدترین مردم، سرخ مایل به زردرنگ است (در ظاهر مقدس مآبی می‌کند) و ذکرش این است: یاربّ، یاربّ، یاربّ، سرانجامش دوزخ است، آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه‌دار شده زنده به گور می‌کند.^۲

و به نقل دیگر امام باقر (علیه السلام) فرمود: در شام سه گروه دارای پرچم خروج می‌کنند: اصبه، ابقع و سفیانی.^۳ به هر حال سفیانی پلید با دار و دسته‌اش بر ضد حضرت مهدی (عج) قیام می‌کند.

مهدی (عج) به مردم فرمان می‌دهد به جنگ این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید.

سپس خود حضرت مهدی (عج) همراه مسلمانان برای جنگ با سفیانی از مکه به شام رفته و در شام با او می‌جنگد سرانجام سفیانی و دار و دسته‌اش، شکست می‌خورند و سفیانی زیر درخت

۱- کشف الغته، ج ۳، ص ۳۶۴ - بحار، ج ۵۲، ص ۴۳۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۸ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۱۳ (از نسل عتبه بن ابی سفیان).

۳- اعلام الوری، صفحه ۴۲۸.

بغوطه دمشق به هلاکت می‌رسد.^۱

و در بعضی از روایات آمده: ارتش و طرفداران او برای جنگ با مهدی (عج) به مکه می‌روند، وقتی که در راه به سرزمین «بیدا» رسیدند، بقدرت الهی مسخ می‌گردند و یا در زمین فرومی‌روند.^۲

کوتاه سخن آنکه «سفیان» یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی (عج) مخالفت می‌کند و شکست می‌خورد.^۳

اما در مورد دجال باید گفت: او نیز یک طاغوت حيله‌گر دیگر است.

طبق نقل امام صادق (علیه‌السلام) امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در ضمن خطبه طولانی فرمود:

حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می‌آیند و در آنجا بین آنحضرت با دجال و ارتش دجال جنگ واقع می‌شود، دجال و ارتشش مفتضحانه شکست می‌خورند، بطوریکه از اول تا آخر آنها به هلاکت می‌رسند و دنیا آباد می‌شود و حضرت مهدی، عدالت و قسط را در جهان پیاپی دارد.

طبق روایتی: آنحضرت دجال را در کناسه کوفه به دار می‌زند.^۴

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳ - این درخت، درخت بلند و پرشاخه‌ای است که در آن هنگام در حیره است (اثبابة الهداة جلد ۷، صفحه ۱۶۸).

۲- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۲۳۹.

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳ - بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.

۴- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۷۶ - ۱۴۲.

خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است.

اوصاف و ویژگیهای او نیز در روایات ذکر شده (در این باره به بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۴ و ۱۹۵ مراجعه شود).

بهر حال آنحضرت، دجال یعنی آن طاغوت حقه باز و پرتزویر را نیز که بجنگ مهدی (عج) برمی خیزد شکست می دهد و طبق بعضی از روایات، آنحضرت، حضرت عیسی (علیه السلام) را در کشتن دجال در سرزمین فلسطین کمک می کند.^۱

آری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: بدانکه فرزندانم از کسانی که به تو و شیعیان توستم کردند در دنیا انتقام می گیرد، و خداوند در آخرت آنها را عذاب می نماید سلمان پرسید: او کیست؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: او نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است که پس از غیبت طولانی ظاهر می شود و فرمان خدا را اعلام می کند و دین خدا را آشکار می سازد و از دشمنان خدا انتقام می گیرد و سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می نماید.^۲

ضمناً روشن شد که رهبران مخالف دیگر نیز، طاغوتها یا طاغوتچه‌هایی دیگر روی زمینند.

۱- المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۱۰.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۳۷ - علائم بسیار دیگری نیز ذکر شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها صرف نظر شد به اثبات الهداة، جلد ۷، ص ۳۸۳ تا ۴۳۱ مراجعه شود.

۱۳- نشانه‌های خود حضرت چیست؟

پاسخ:

مقداری از نشانه‌های قائم (عج) در ضمن این کتاب آمده است، ولی در اینجا نیز به چند نشانه اشاره می‌کنیم:

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: امامت امت^۱ صلاح نیست مگر برای شخصی که دارای سه خصلت باشد:

۱- سزاوارترین مردم به امام قبل.

۲- اسلحه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در نزد او باشد.

۳- امام سابق، او را به طور آشکار، وصی خود کرده باشد.^۲

اباصلت هروی گوید: به حضرت رضا (علیه‌السلام) عرض کردم:

نشانه قائم (عج) در وقت خروج چیست؟

فرمود: او در سن پیران است ولی سیمای جوان دارد، ناظران به

او گمان می‌برند که چهل سال یا کمتر دارد، او با مرور شب و روز

پیر نمی‌شود تا پایان عمرش فرا رسد.^۳

مرحوم صدوق (ره) از امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌کند: نخستین

سخنی که حضرت مهدی (عج) پس از قیام خود می‌فرماید این است:

«من بقیة الله و حجت و خلیفة خدا بر شما هستم» سپس هیچکس

بر او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ: سلام بر تو ای بقیه (ذخیره بادوام)

۱- منظور امامت معصومین است.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۴۰۲.

۳- بحار جلد ۵۲، صفحه ۲۸۵.

خدا در زمین خدا.^۱

قبلاً گفتیم امام قائم (عج) در تمام جهات شباهت به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دارد حتی در قیافه و روش و خصوصیات.

نیز امام باقر (علیه السلام) فرمود: در مکه تعداد بیعت کنندگان به ۱۰/۰۰۰ نفر می‌رسند، و در سراسر زمین معبودی جز خدا یافت نمی‌شود و همه معبودهای باطل، آتش می‌گیرند...^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمود: شب ۲۳ ماه رمضان ندا بنام امام قائم (عج) بلند شود، و آنحضرت در روز عاشورا که در آن امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، قیام کند، گویا روز شنبه دهم محرم را می‌نگرم که آنحضرت بین حجرالاسود و مقام ابراهیم (علیه السلام)، در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است، اعلام بیعت می‌شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای آنها در نور دیده می‌شود (که زودتر برسند)، پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.^۳

۱۴ - آیا این پیش بینی قابل اجراء است؟

می‌پرسند: آیا چنین پیش بینی برای آینده در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) از نظر طبیعی و اجتماعی (باتوجه به شرائط زمان در

۱- تفسیر صافی، ذیل آیه ۸۶ سوره هود.

۲- کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۴۶۱.

۳- کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۴۶۰.

همه کشورها)، قابل عمل و یا دست کم امکان پذیر است؟!
پاسخ:

سیر تکاملی بشر که در همه جهان مشاهده می شود، بخصوص سیر تکاملی اجتماعی و علمی در میان انسانها، نوید برقراری حکومت مصلح واحد را در آینده به روشنی به ما خبر می دهد.

از سوی دیگر همه دستگاههای آفرینش به سوی تکامل گام برمی دارند، و ما که جزئی از آفرینش هستیم، اقتضای هماهنگی و همدوشی با آفرینش الزام می کند که انسانها نیز به سوی یک تکامل بزرگ که در سایه یک حکومت الهی تحت رهبریهای مردی بزرگ و عادل برقرار می شود گام بردارند و به نتیجه برسند.

بعلاوه ضرورتهای اجتماعی، و واکنشهایی که همه روزه در گوشه و کنار جهان در برابر ظلم و تعدی پیدا می شود به نوبه خود نیز پلتهای تکاملی به سوی وحدت جهانی تحت حکومت مصلح جهانی را مژده می دهند.

در اینجا اضافه می کنیم که در فطرت و اعماق وجدان و نهاد انسانها، عدالت خواهی و صلح و صفا و مبارزه با ظلم و هرگونه فساد و تعدی سرشته شده است، و این عامل نیز خواه ناخواه به طور طبیعی و خودجوش، انسانها را به برقراری چنین حکومت ایده آل و چنین نظام بهشتی و سراسر صفا سوق می دهد و سرانجام در این سیر، توفیق دستیابی به چنین نظامی را پیدا خواهد کرد، تا از نظامهای جهنمی رهائی یابد.

بنابر این: چنین پیش بینی از نظر طبیعی و جامعه شناسی، هم

قابل پیش بینی است و هم امکان پذیر است، و هم عملی است. فراز و نشیبهای تاریخ بشر در مسیر طولانی خود شواهد بسیاری را برای جهش و پیروزی در انقلابها و طرحهای بسیار برای زندگی بهتر از نظر روحی و جسمی در آینده که همه را می توان پله هائی برای دستیابی به انقلاب عظیم جهانی مصلح کل در طول تاریخ بحساب آورد نشان می دهد. ما این مطلب را در مقایسه با هزاران سال قبل که چگونه بشر در رشته های بسیار علمی و اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته به خوبی می توانیم درک کنیم.

۱۵ - آیا امام (علیه السلام) برقرار کننده اسلام است؟

می پرسند: طبق بعضی از روایات مانند: روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَأْتِي بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ.

«هنگامی که قائم (عج) نهضت می کند، فرمان نو و کتاب نو و روش نو و دادگاه نو می آورد.»

آیا با توجه به این روایت، آئین و دینی که امام قائم (عج) برقرار می کند دین دیگر (جدید) غیر از اسلام نیست؟!

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳، و در کتاب کشف الغبه، ج ۳، ص ۳۶۵ آمده: امام صادق (ع) فرمود: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ع) فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ.

پاسخ: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روبنائی، از این روجامعه خیال می‌کند چیز جدیدی غیر از اسلام است.

به عبارت دیگر: پیرایه‌هایی که در طول تاریخ اسلام توسط زمامداران نالایق و دیگران به اسلام بسته‌اند، اسلام را طوری کرده، که اگر امام (علیه‌السلام) آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام، در صورتی که اسلام واقعی همین است.

آری در طول تاریخ اسلام، نفوذ اندیشه‌های بیگانه در اسلام و تجدد گرایی افراطی مسلمین و رخنه فرصت طلبان و داخل کردن طرح‌های مبهم به عنوان طرح اسلامی در میان اسلام و تحریفات گوناگون و... اسلام را مسخ خواهد کرد در این صورت اگر امام قائم (عج) حقیقت اسلام را آشکار می‌سازد، مردم خیال می‌کنند مکتب جدید و روش جدید و دادگاه جدیدی غیر از اسلام به میان آمده است.

در اینجا برای تکمیل این موضوع به روایت زیر توجه فرمائید:
یکی از یاران امام صادق (علیه‌السلام) گوید: از آنحضرت پرسیدم
روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ، يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ
أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.

«همان روش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) را انجام می‌دهد، روشهای باطل

قبل را ویران می‌کند، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین کرد و اسلام را
نوسازی و تکمیل می‌نماید.^۱

بنابر این، انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی
است، منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر.

ابوبصیر (ره) یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) گوید: از آن
حضرت پرسیدم مرا از سخن امیر مؤمنان (علیه السلام) خبر بده که
فرمود:

إِنَّ الْإِسْلَامَ بُدِءَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بُدِءَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.

«اسلام در آغاز غریب بود و بزودی همچون آغاز غریب خواهد شد،

خوشا به سعادت غریبان.»

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمود: وقتی که امام قائم (عج)
قیام کند دعوت به اسلام را از نو شروع می‌کند، چنانکه پیامبر
(صلی الله علیه و آله) دعوت را شروع کرد.^۲

مطلب دیگر اینکه: حضرت قائم (عج) خودش نور و منطق گویا
برای جهانیان است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم ما قیام کند، سراسر
زمین بنور پروردگارش روشن می‌گردد:

وَاسْتَفْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ:

«و مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می‌شوند و تاریکی بطور کلی از بین

می‌رود.»^۳

۱- بحاره، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۲، و اثبات الهداة، ج ۷، ص ۷۷.

۲- بحاره، جلد ۵۲، صفحه ۳۶۷.

۳- تفسیر صافی، ص ۴۶۹ ذیل آیه ۶۷ سوره زمر و اعلام الوری صفحه ۴۳۶.

مرحوم ملامحسن فیض (ره) در حاشیه تفسیر خود گوید: گویا منظور از بی نیازی سراسر زمین به نور خورشید و ماه، بی نیاز شدن از برهان و دلیل ساطع است چرا که خود وجود امام کافی است و دلها و مغزهای همه را نورانی و قبضه می کند با توجه به اینکه تمام علوم در زمان غیبت در محور برهان و دلیل است.

و مطابق روایات: امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره و احنجاج می کند و با توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل و با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و... همه آنها به حقانیت امام (علیه السلام) پی می برند و سوگند می خورند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام (علیه السلام) به آنها نشان می دهد سرانجام آنها به اسلام حقیقی می گروند.^۱

در عین حال، با کمال قاطعیت به کتاب خدا قرآن، عمل می کند و هرگونه منکرات را نابود می سازد.^۲

و برای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می کند، در حدی که بفرموده امام صادق (علیه السلام):

إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَمِائَةً وَتِسْعَةً وَتِسْعِينَ:

«وقتی که امام زمان (عج) قیام به شمشیر می کند (از منحرفان و طاغوتیان و

توطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می رساند.»^۳

۱۶ - ادعای مهدویت و آمدن آنحضرت چیست؟

۱- بحار، جلد ۵۳، ص ۹ و ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر (ع).

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر (ع).

پاسخ:

به نظر نگارنده موضوع مدعیان مهدویت، و قول به آمدن مهدی (عج) و رفتنش بقدری مضحک است که اصلاً قابل بحث نیست و هیچگونه با قرآن و روایات اسلامی تطبیق نمی‌کند، چنانکه با خواندن این کتاب و مقایسه مطالب آن با وضع زمان، به آن پی می‌برید.

تنها به این مطلب اشاره می‌کنیم که استعمارگران شرق و غرب برای اینکه ثروت بی حساب مشرق زمین را برای خود ببرند و چپاول کنند، و از طرفی حسن مذهبی را در میان مردم این سرزمین‌ها، بسیار قوی دانستند با به وجود آوردن بابی‌گری و بهائی‌گری و قادیانی‌گری و... خواستند در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد کنند و تفرقه بیندازند و به هدف شوم خود برسند و در این راه گرچه نتیجه مطلوب نگرفتند، اما ضربه‌های بسیار وارد کردند، عرض خود را بردند، اما مسلمانان را در بعضی نقاط به زحمت انداختند، امید آنکه، مسلمانان با هوشیاری بیشتر، ماهیت استعمارگران و توطئه‌های آنها را بشناسند. و متوجه باشند که آنها از راه عقائد مذهبی مردم را فریب ندهند!

۱۷ - امام (علیه السلام) در برابر قدرتهای تخریبی

۱- بحث بیشتر در این باره در کتاب ارمغان استعمار (تألیف نگارنده) و در کتاب بحار، جلد ۵۱، ص ۳۶۷ به بعد آمده است.

می‌پرسند: بر همگان روشن است که روز بروز بر کیفیت و کمیت سلاحهای مدرن از موشکهای قاره پیمای گرفته تا بمبهای اتمی و هیدروژنی افزوده می‌شود، و این وسائل در دست استکبار جهانی است، آیا امام زمان (عج) می‌تواند در برابر این قدرتها ایستادگی کند و جهان را تحت حکومت خود آورد؟

پاسخ:

اولاً: اگر از راه اعجاز، نه امور عادی مسأله را بررسی کنیم، که پاسخ سؤال آسان است، چراکه امدادهای غیبی و قدرت مطلق خدا پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک‌شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود.

و اگر مسئله را از راه عادی و طبیعی بررسی کنیم، پاسخ سؤال فوق این است که مردم دنیا که از ظلم و جور و فساد به ستوه آمده و تشنه مصلح حقیقی هستند، وقتی که ندای چنین مصلحی به گوششان رسید، خودبخود به سوی او جذب می‌شوند و همه امکانات خود را در اختیار این مصلح قرار می‌دهند، البته در این صورت هم، امدادهای غیبی به کمکشان خواهد شتافت.

با توجه به امکانات عظیم دنیای اسلام از نظر اقتصادی، نیروی انسانی، جغرافیائی و استراتژیکی که در مراحل اول به امام (عج) می‌پیوندند و منافع اولیه دنیای استکبار را در اختیار امام (علیه‌السلام) قرار می‌دهند، مسأله به راحتی حل خواهد شد.

مثال کوچکش پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال

۱۳۵۷ در سرزمین خود ما بود که مردم بارهبری صحیح با مشت‌های خالی همه اسلحه‌های مدرن و پیچیده را در اختیار خود درآوردند، و غول شاهنشاهی را سرنگون نمودند و مشابه این مسئله در دنیا کم نیست.

۱۸- رجعت چیست؟

آیا مردان شایسته پس از مرگ، در عصر حکومت مهدی (عج) زنده خواهند شد؟ و در صف یاران آنحضرت قرار می‌گیرند؟
پاسخ:

رجعت از دیدگاه تشیع یعنی خداوند عده‌ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا برمی‌گرداند، به گروهی از آنان عزت می‌دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حق مظلومان را از ستمگران می‌گیرد و این جریان پس از قیام مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد.

باتوجه به اینکه زنده شدگان کسانی هستند که در حد اعلای ایمان و یاد اعلای کفر و فسادند، پس از مدتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان، دوباره می‌میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می‌شوند.

در قرآن آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارد از جمله آیه ۱۰
سوره مؤمن و ۲۶۰ سوره بقره و...

روایات هم در این باره بحد توأتر (بسیار که موجب علم است) به ما

رسیده است.^۱

در مورد حضرت ولی عصر (عج) در روایات آمده پس از ظهور، عده‌ای از ظالمان را به اذن خدا از قبرها بیرون می‌کشد و به اذن خدا زنده می‌کند و مجازات می‌نماید.

او یگانه منتقم خون امام حسین (علیه‌السلام) است چنانکه در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَيَّ مِنْ اِعْتَدَى عَلَيْهِ
وَافْتَرَى....

«کجاست طالب خون حسین (علیه‌السلام) که در کربلا کشته شد؟ کجاست آن یاری شده تا یاری کند کسانی را که حقشان پایمال شده است.»

از طرفی در روایات می‌خوانیم: نواده‌های قاتلان حسین (علیه‌السلام) را به خاطر کار پدران ظالمشان می‌کشد.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هنگام قیام امام مهدی (عج) در قبرش خوشحال می‌شود.^۲

و نیز فرمود: هنگام رجعت کسانی که مؤمن خالص و کافر خالص هستند زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند.^۳

و نیز فرمود: در پشت کوفه (نجف) ۲۷ مرد از بزرگان اصحاب زنده شده و به امام ملحق می‌شوند.^۴

۱- در این باره به کتاب عقائد الامامیه تألیف محمد رضا مظفر (بحث رجعت) ترجمه نگارنده مراجعه شود.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۲ - ۱۰۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۴.

۴- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۶۴.

وقتی که قائم (عج) قیام کرد خداوند همه اذیت کنندگان به مؤمنین را زنده می‌کند تا به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤمنان نیز برسد.

و به یکی از یارانش به نام مفضل (ره) فرمود: تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با قائم (عج) هستید.^۱

به این ترتیب می‌بینیم رجعت مؤمنان مخلص و کافران محض، در زمان حضور حضرت قائم (عج) مسلم است.

ضمناً ناگفته نماند که کشتن نواده‌های قاتلان امام حسین (علیه السلام) با اینکه خودشان در قتل آنحضرت شرکت نداشتند، طبق روایات بخاطر رضایت آنها از ظلم پدرانشان است.

و در مورد رجعت، پس از امام قائم (عج)، ائمه دیگر به دنیا می‌آیند و یکی پس از دیگری حکومت می‌کنند، حتی وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رفت امام حسین (علیه السلام) او را غسل می‌دهد.^۲

۱۹ - شخص پنجساله چگونه امام می‌شود؟

می‌پرسند: حضرت قائم (عج) هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجری قمری پنجساله بود و پس از پدر امام بر مردم بود، آیا یک نفر پنجساله می‌تواند امامت کند؟

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۴۶.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۰۲.

پاسخ:

اگر کودکی، بخاطر استعدادهای فوق العاده که خدا به او داده، در اوج کمال بود، چه مانعی دارد امام مردم شود، مانند حضرت عیسی (علیه السلام) که به فرموده قرآن در سن کودکی، پیغمبر و حجت خدا شد.^۱

و در دنیا گاهی کودکان استثنائی و نابغه مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می دانست و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت^۲ بسیارند و اینها حکایت از آن می کند که چنین چیزی محال نیست وقتی محال نبود قدرت خدا به آن تعلق خواهد گرفت.

ما امامان دیگری مانند امام جواد (علیه السلام) نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده اند.

۲۰- چرا اینهمه سخن از مهدی (علیه السلام)

می پرسند: چرا از حضرت مهدی (عج) آنهمه سخن به میان آمده، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همه ائمه (علیهم السلام) در فرصتهای مختلف از آنحضرت سخن گفته اند، حتی به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آنحضرت تصریح کرده اند... که درباره هیچیک از ائمه (علیهم السلام) چنین نیست؟

۱- سوره مریم آیه ۳۱.

۲- تاریخ علوم، پی.یر روسو، صفحه ۴۳۲.

پاسخ:

این همه توجه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیه السلام) به حضرت مهدی (عج) و ذکر ویژگیهای شخص آنحضرت و قیام او و... به خاطر چند جهت است:

۱- مردم در طول زمان خود را آماده ظهور آنحضرت کنند و با داشتن هدف مشخص، دنبال آنحضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و بدست صالحان قرار گیرد و این بانهضتهای اسلامی عمیق و پیگیر قابل اجرا است.

۲- ذکر خصوصیات برای آنستکه افراد دروغگو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده‌اند، شناخته شوند و رسوا گردند.

۳- اهمیت مهدی (عج) و انقلابش که امید همه در همه جهان و تاریخ است، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آنحضرت سخن بسیار به میان آید و قلبها و روحها بنام نامی آنحضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده، آنها حجّت برحق دارند، رهبری معصوم، پشتیبان آنها است، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچکس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.

و در طول زمان غیبت، با توجه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می‌تواند به نیابت عام آنحضرت، زمام امور و رهبری را بدست گیرد، دریابند که باید نزدیکترین فرد به این خصوصیات و اوصاف، بر مسند نیابت عام آنحضرت بنشیند و به عنوان ولایت

فقیه مردم را رهبری کند.

اما اگر این خصوصیات ذکر نمی‌شد و اینهمه اهمیت به آن داده نمی‌شد، مردم در بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی و معنوی، راه را گم می‌کردند و از صراط مستقیم به سوی شرق و غرب پناه می‌بردند.

۲۱- تکذیب ملاقات با امام زمان (علیه السلام)

می‌پرسند: با اینکه طبق روایات کسانی را که مدعی دیدار امام زمان (عج) هستند باید تکذیب کرد پس چرا به ذکر نمونه‌هایی از دیدار کنندگان، در این کتاب یا در کتابهایی مانند: بحارالانوار، اثبات الهداة و کشف الغمہ و... پرداخته شده است؟

پاسخ:

نظر به اینکه مدعیان در بسیاری از مواقع، می‌خواهند با این ادعا سوء استفاده کنند، چنانکه در تاریخ مکرر دیده شده است.

و نظر به اینکه در بعضی از موارد در زمانهای معاصر امامان (علیهم السلام) و نزدیک به آن، برای حفظ جان، تقیه واجب بوده است و اگر کسی چنین ادعائی می‌کرد در مخاطره قرار می‌گرفت.

و امور دیگر که بر ما پنهان است موجب آن شده که ائمه (علیهم السلام) دستور داده‌اند که هر کس گفت: من امام زمان (عج) را دیده‌ام، او را تکذیب کنید، و یا اینکه تکذیب مربوط به احکام است، یعنی کسی که حکمی از اسلام را از امام زمان (عج) نقل کند او را قبول

نکنید.

وانگهی داستان دیدار کنندگان نوعاً بعد از مرگشان آشکار شده است، به هر حال اگر سوء استفاده و تقیه و آثار سوء و یا عوامل مهمتری در کتمان نباشد، اظهار آن ظاهراً بی مانع خواهد بود (والله اعلم).

۲۲- قسط و عدل چیست؟

می پرسند: در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بطور تواتر (بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است.^۱
منظور از «قسط» و «عدل» و فرق بین این دو چیست؟
پاسخ:

واژه «قسط» بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می رود، که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد^۲ که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنی عامی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.

توسعه عدل و داد در حدی است که طبق بعضی از روایات نخستین گامی که امام قائم (عج) پس از خروج برمی دارد این است که

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۱.

۲- القسط هو النصیب بالعدل (مفردات راغب حرف عین) - القسط اسم للعدل فی القسم (الفروق اللغویة).

سخنگوی آنحضرت به جهانیان اعلام می‌کند:

کسانی که حج مستحب بجای آورند، حجرالاسود و محل طواف را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار نمایند ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است، برآستی چقدر دامنه عدالت گسترش می‌یابد؟

«قسط» و «عدل» هر دو بسیار مهم‌اند، ولی رعایت «قسط» بخصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد، مثلاً در اسلام باید بیت المال بطور تساوی در بین مستحقین، توزیع گردد، شیوه امام علی (علیه‌السلام) چنانکه بخوبی در گفتارش در نهج البلاغه پیداست، همین بوده است، داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهد گویائی بر این مطلب است این همان قسط است.

و در خطبه ۱۲۶ می‌فرماید:

...وَكُوْكَانَ الْمَالُ لِيْ كَسَوَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ اِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللّٰهِ.

«اگر مال از شخص من بود، آنرا بطور مساوی تقسیم می‌کردم، تا چه رسد

به اینکه مال، از آن خدا است.»

از دیدگاه فقه اسلامی نیز مسئله چنین است، عالم بزرگ، شیخ طوسی (ره) در کتاب «خلاف» (باب العین و قسمة الفئیمه) در مسأله ۴۴ گوید:

در بیت المال، بین مردم بخاطر شرافت و یا سابقه بیشتر در اسلام و یا دانش و زهد، فرقی نباید گذاشت و شیوه امام علی

(علیه السلام) همین بود... سپس می گوید: اسم بیت المال، مطلق است و شامل همه مردم می شود.

محقق عالیقدر صاحب جواهر (ره) در جلد ۱۶ نیز همین نظر را بیان می کند.

آری در پاره‌ای از موارد بخاطر اموری استثنائی، به بعضی بیشتر داده می شود، مثلاً در غنائم جنگی که یکی از منابع درآمد بیت المال است به جنگجویان پیاده یک سهم و به جنگجویان سواره دو سهم و به جنگجویانی که از یک اسب بیشتر دارند، سه سهم داده می شود، ولی این فرق به خاطر مخارج خوراک آن اسبها است، و حاکی از تبعیض در تقسیم بیت المال نیست.

ناگفته نماند که منابع بیت المال متعدد است:

۱- زکاة

۲- خمس

۳- انفال (غنائم جنگی جزو انفال است).

۴- جزیه (که از اهل کتاب گرفته می شود).

۵- خراج (مقدار مالی که طبق قرارداد حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می شود، آنهم باید از اراضی خراجیه یعنی از زمینهایی که مسلمین به اذن امام معصوم (علیه السلام) با قهر و غلبه یا از روی مصالحه از کفار گرفته‌اند باشد.

۶- فِیْثی (به معنی بازگرداندن است) و منظور اموالی است که بدون زحمت از کفار بازگردانده شده و در اختیار مسلمین قرار می گیرد، که طبق آیه ۶ و ۷ سوره حشر این اموال مال خدا و رسول و بستگان

پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه خدا است، بنابراین این فرق است بین فیشی و غنائم جنگی.

(باید توجه داشت که درآمد فیشی، داخل در بیت المال نیست و اختیارش در دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بعد از آنحضرت در اختیار بستگان آنحضرت است و در زمان غیبت با ولی فقیه است تا به مصرف تعیین شده برساند.)

به هر حال قسط اسلامی که تقسیم و توزیع عادلانه بیت المال است بدون هیچگونه تبعیضی، در عصر حکومت درخشان امام عصر (عج) در اختیار مستحقین قرار می‌گیرد^۱ و به این ترتیب امر توزیع که از مهمترین و پیچیده ترین شاخه‌های اقتصادی است بنحو عادلانه و احسن صورت می‌گیرد و از شکاف عمیق طبقاتی جلوگیری می‌نماید.

امروز امر توزیع ثروت در دنیا بقدری مفتضحانه است که مثلاً در بعضی از کشورهای آفریقائی، مردم دسته دسته از گرسنگی می‌میرند ولی در آمریکا و اکثر کشورهای غربی هزاران دلار خرج ماهیانه سگ خانه‌شان می‌نمایند با توجه به اینکه این دلارها و منابع آنها را از همین کشورهای ضعیف، مثل زالو مکیده و برده‌اند.

مسلمانان منتظر امام قائم (عج) باید هم اکنون در جهان، این زمینه را به وجود آورند، یعنی دست استعمارگران و غارتگران جهانی را کوتاه کنند و ثروت‌های کلان خود را برای خود نگهدارند تا قسط و عدل اسلامی که از اهداف مهم امام عصر (عج) است کم کم

۱- توضیح بیشتر در این باره در کتاب بیت المال در نهج البلاغه استاد حسین نوری (تنظیم نگارنده) آمده است.

۱۰۰ □ امام زمان «علیه السلام»

جامه عمل پوشد و مستضعفان در فکر و عمل و در اقتصاد و توزیع و... بر سرکار آیند و به حقشان برسند.

۲۳- آیا قیام امام مهدی (علیه السلام) مسلحانه است؟

پاسخ:

امام قائم (عج) همچون پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نخست اعلان دعوت می کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رساند، در این میان عده ای دعوتش را می پذیرند ولی عده ای دیگر کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت برمی خیزند، امام (علیه السلام) در برابر اینها، قیام مسلحانه می کند.

در حدیثی امام جواد (علیه السلام) فرمود: وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاص امام قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد (یعنی ظهور می کند) و وقتی که این تعداد به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می کند (خروج می نماید).^۱

۲۴- منظور از کشته شدن شیطان بدست آنحضرت؟

می پرسند: در قرآن آمده: ابلیس (پدر شیاطین) به خدا عرض کرد: خدایا مرا تا روز قیامت مهلت بده خداوند فرموده: به تو تا روز

وقت معلوم مهلت داده می شود. (سوره حجر، آیه ۳۷ و ۳۸).
از این تعبیر معلوم می شود درخواست شیطان، اجابت نشده
است، و طبق فرموده امامان (علیه السلام) منظور از روز وقت معین
وقت ظهور امام قائم (عج) است، بنابراین آیا شیطان در این وقت
کشته می شود و یا می میرد؟

پاسخ:

ما در روایات می خوانیم شخصی در مورد جمله «يوم الوقت
المعلوم» که در آیه مذکور آمده از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد،
امام (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم ما (عج) ظهور کند و به مسجد
کوفه بیاید، در این مسجد، شیطان به حضور آنحضرت می آید و
زانو به زمین می زند و می گوید:

يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ

«ای وای از این روز.»

آنگاه امام قائم (عج) موی پیشانی شیطان را می گیرد و گردنش را
می زند و او را به هلاکت می رساند، این روز وقت معلوم (درآیه مذکور)
است.»

بنابر این شیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش
می آید، پس دیگر مردم، آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان
مجبور به اطاعت خدا خواهند شد؟

در پاسخ می گوئیم: آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته
نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و

عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت مهدی (عج) نابود می‌گردد و بجای آن عقل و ایمان حکومت می‌کند، چنانکه در حدیثی دیگر نیز می‌خوانیم:

«در صحف ادریس پیامبر (علیه السلام) آمده: تو ای شیطان تا زمانی که مقدر کرده‌ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک سازم، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمان (بجای تو) بندگان خالص و پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنها را خلیفه و حاکم زمین می‌کنم و دینشان را استوار می‌سازم، که آنها تنها مرا می‌پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی‌دهند، در آنروز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نابود می‌نمایم.»^۱

به این ترتیب می‌فهمیم در آن زمان دیگر حنای شیطان و بچه‌هایش رنگ ندارد، و در برابر بندگان مخلص خدا به رهبری حضرت حجت (عج) همچون خفاشهائی در برابر خورشید تابناک عالمنده، نتیجه می‌گیریم مرگ شیطان فرا رسیده است.

۲۵ - حکومت قائم (علیه السلام) و پیشرفت علم؟

می‌پرسند: صنعت در ابعاد گوناگون روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است، آیا در حکومت مهدی (عج) این پیشرفت صنعتی متوقف می‌شود و یا ادامه می‌یابد؟

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۸۴ - توضیح بیشتر اینکه کشته شدن و نابودی شیطان همانند کشته شدن و نابودی ما نیست، شیطان مثل ما جسم ندارد تا کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می‌باشد.

پاسخ:

حکومت امام مهدی (عج) از متن اسلام راستین سرچشمه می‌گیرد و اسلام نه تنها با پیشرفت صنعت و هر علم دیگری که مانع کمال و رشد انسانها نمی‌گردد مخالف نیست، بلکه مؤید آن است.^۱ آری اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر درآیند، اسلام و حکومت امام مهدی (عج) شدیداً با آن مخالفت می‌کند. حکومت مهدی (عج) مؤید پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار رود. برای اینکه اوج پیشرفت زمان حکومت حضرت مهدی (عج) را دریابیم به دو روایت ذیل توجه فرمائید:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا أَقَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ.

«وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند شنوائی گوشها و بینائی چشمهای شیعیان ما را به گونه‌ای زیاد می‌کند که دیگر بین آنها و امام قائم (عج)، پیک پست نخواهد بود.» یعنی آنها مستقیماً در هرکجا باشند با امام (علیه السلام) تماس می‌گیرند.^۲

شاید بتوان گفت: این روایت از تلویزیونهای دوطرفه و دارای تلفن سخن می‌گوید، و احتمال دارد که منظور وسعت دید و اندیشه شیعیان در آن عصر باشد.

۱- توضیح در کتاب اسلام و تمدن جدید.

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۶.

مطلب اول را روایت دیگری که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده تایید می کند:

انَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَغْرِبِ وَ كَذَا
الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ.

«در عصر حکومت قائم (عج) مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است می بیند.»^۱

روشن است که: دیدن این چنین، حکایت از وجود صنایع پیشرفته می کند.

۲- و در روایتی امام باقر (علیه السلام) فرمود: ذوالقرنین (که شرحش در قرآن در اوائل سوره کهف آمده) در میان دو نوع ابر مخیر گردید او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که خشن و سرکش است برای صاحب شما (امام قائم «عج») ذخیره شده است.

روایت کننده پرسید ابر خشن و سرکش چیست؟

فرمود: ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است صاحب شما (امام قائم «عج») بر آن سوار می شود و در پله های آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بالا می رود.^۲

به این ترتیب می بینیم در این روایت اشاراتی به فضا پیمایهای بسیار سریع و تندرو که قدرت وصول به آسمانهای هفتگانه را دارند شده است، اینها و روایاتی از این قبیل ما را به پیشرفت

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۳.

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۱.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۱۰۵ □

عجیب صنعت در عصر حکومت مهدی (عج) رهنمون می‌سازد،
البته صنعت مثبت نه منفی.

۲۶- حکومت مهدی (عج) و تشریفات؟

می‌پرسند: تشریفات و اسرافکاری در دنیای روز انسانها را خسته کرده و به زحمت انداخته است، بخصوص در دنیای غرب، مد و مدپرستی، همه زندگی آنها را گرفته و دیگر فکر و ذهن آنها جز به این امور، کشش دیگر ندارد، آیا در زمان حکومت مهدی (عج) این گونه تشریفات برچیده می‌شود؟

پاسخ:

صد درصد مثبت است، در آن عصر، هرگونه اسراف و اتراف و تشریفات حرام است و در همه چیز سادگی و زهد و پارسائی که اساس پرواز در فضای معنویت است دیده می‌شود، چنانکه اسلام از اول این روش را آورده است.

در این مورد مفضل (ره) یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) گوید: در سفر حج، در مراسم طواف خانه کعبه در حضور امام صادق (علیه السلام) بودم، مرا دید و فرمود: ترا غمگین و رنگ پریده می‌بینم؟

عرض کردم: فکرم در این باره مغشوش است که حکومت و سلطنت در دست زمامداران ستمگر عباسی است و همه امکانات و زرق و برق در اختیار آنهاست، اگر حکومت در دست شما بود ما

هم به طفیل شما از آن بهره مند می شدیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ الْأَسْيَاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ أَكَلَ الْجَشْبِ
وَ لَبَسَ الْخَشِنِ شِبْهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ الْأَفْالِنَارُ فَتَزَوَى ذَلِكَ عَنَّا فِصْرٌ
نَانَا كُلُّ وَ نَشْرِبُ وَ هَلْ رَأَيْتَ ظِلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً:

«اگر حکومت در دست ما بود، شبها به عبادت و نگهبانی و رسیدگی به پرونده‌های امور مردم و روزها به جهاد و تأمین نیازهای مردم می پرداختیم، و به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن اکتفا می کردیم، همانند زندگی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، در غیر این صورت سرانجام ما آتش دوزخ بود، این روش تشریفاتی از ما دور شد، و به خوردن و آشامیدن ساده اکتفا کردیم، عجبا آیا ظلم (و اسرافکاری) را خداوند نعمت قرار داده است؟» (تا تو آرزوی آنرا کنی).^۱

نظیر این روایت در گفتگوی امام صادق (علیه السلام) با مُعَلَّى بن خُنَيس (ره) در روایات آمده است.^۲

۲۷- آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم (عج) جایز است؟

پاسخ:

مشهور بین جمعی از محدثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام است ولی تلفظ به القاب آنحضرت

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۹.

۲- اصول کافی، جلد اول، صفحه ۴۱۰.

مانند مهدی، حجّت، قائم و... حرام نیست.

اینک این سؤال پیش می‌آید آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صغری بوده است همانگونه که علامه مجلسی در جلد ۱۳ بحار از بعضی از علماء نقل کرده و یا در هر زمان و مکانی تا موقعی که حضرتش ظهور کند حرام است؟ و یا اینکه حرمت تلفظ نام مقدس آنحضرت بستگی به موارد خاصی مانند تقیه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقیه نباشد جایز است؟

و آیا این مسئله اختصاص به آن بزرگوار دارد یا درباره سایر امامان (علیهم‌السلام) نیز جاری است؟

دانشمند معروف شیعه، علامه عالی‌مقام شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در آغاز و آخر بابی که به همین عنوان در کتاب مذکور اختصاص داده.^۱

همین قول را انتخاب کرده که در مورد تقیه و خوف، تلفظ بنام آنحضرت حرام است و در غیر موارد تقیه و خوف حرام نیست.^۲

بررسی روایات این مسأله:

ما در اینجا نخست به تجزیه و تحلیل و بررسی روایاتی که در این مورد رسیده می‌پردازیم و پس از نتیجه‌گیری نظر خود را خاطر نشان خواهیم ساخت.

روایاتی که در این مورد به ما رسیده، پس از بررسی به چهار قسم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۵، (ط جدید) باب ۳۳.

۲- باید توجه داشت که منظور از نام اصلی همان همانم بودن با پیامبر (ص) است.

تقسیم می شوند:

۱- قسم اول روایات:

پاره‌ای از روایاتی که در این مورد رسیده، دلالت دارند که تلفظ نام مبارک حضرت ولی عصر (عج) به طور مطلق (در هر زمان و مکانی و در هر شرائطی) بی آنکه جای تقیه باشد حرام است و در این قسم روایات، علت خاصی ذکر نشده است، در اینجا بذکر چند نمونه از این قسم روایات می پردازیم.

مرحوم کلینی (ره) از علی بن رثاب (ره) نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ الْكُافِرُ: نام مبارک این امر (حضرت ولی عصر (عج) را هیچ کس جز شخص کافر نمی برد.^۱

۲- و نیز مرحوم کلینی از ربیع بن صلت نقل می کند که گفت:
سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) وَ سِئَلَ عَنِ الْقَائِمِ قَالَ: لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ.

«از حضرت رضا (علیه السلام) در مورد سئوالی که پیرامون حضرت قائم (عج) شده بود شنیدم فرمود: جسمش دیده نمی گردد، و نامش برده نمی شود».^۲

۳- مرحوم صدوق (ره) در کتاب اکمال الدین از صفوان بن مهران نقل می کند که شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: مهدی (عج) که از فرزندان تو است کیست؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۵.

فرمود:

الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي السَّابِعُ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ.

«مهدی پنجمین امام از فرزندان امام هفتم است وجود مقدسش از شما پنهان می‌شود و برای شما بردن نام او جایز نیست.»^۱

۴- نیز مرحوم صدوق (ره) در کتاب نامبرده از محمد بن عثمان بن عمری (ره) نقل می‌کند که گفت: برایم دستخطی (توقیع) پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم.^۲

به این عبارت: مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۳

«کسی که در میان اجتماع مردم، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد.»

۵- مرحوم صدوق (ره) در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم حسنی (ره) نقل می‌کند که امام محمد تقی (علیه السلام) درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

يُخْفِي عَلَى النَّاسِ وَلَا دَتَهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَتَحْرِمُ تَسْمِيَّتُهُ وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَتِهِ.

«تولد آنحضرت بر مردم مخفی است، وجود او از انظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می‌باشد، او هم نام و هم کنیه، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است.»^۴ و روایات دیگری که در این معنی به ما رسیده است.

۲- قسم دوم از روایات:

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۱۱.
- ۲- که نویسنده اش حضرت ولی عصر (عج) است.
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۳.
- ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۴.

پاره‌ای از روایات که در این مورد وارد شده به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آنحضرت تا موقعی که قیام می‌کند و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می‌نماید، اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می‌کنیم:

۱- علامه مجلسی (ره) در کتاب بحارالانوار از محمدبن زیاد از دی (ره) نقل می‌کند که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) هنگامی که از امام قائم (عج) سخنی به میان آمد فرمود:

خَفِيَ عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنَّهُ وَلَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ عَزَّوَجَلَّ بَمَلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

«تولد حضرت قائم (عج) بر مردم پنهان است، نام بردن او برای آنان جایز نیست تا وقتی که خداوند متعال او را ظاهر کند، و به وسیله او زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید.»^۱

۲- علامه مجلسی (ره) از حضرت عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که امام هادی (عج) درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

لَا يَجِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِ حَتَّى يَخْرُجَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا....

«یاد کردن حضرت قائم (عج) بنام جایز نیست تا وقتی که نهضت کند، و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید.»^۲

۳- مرحوم کلینی (ره) به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم جعفری (ره) نقل می‌کند که امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی

۱- بحار جلد ۵۱.

۲- بحار، جلد ۵۱.

فرمود:

وَ أَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وَدِدِ الْحَسَنِ لَا يُسْمِي وَلَا يُكْنِي حَتَّى يُظْهِرَ أَمْرَهُ
فِيمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا إِنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع).

«گواهی می‌دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری (علیه السلام) که نام
و کنیه اش برده نمی‌شود تا قیامش ظاهر گردد، زمین را همان گونه که پر از جور
شده پر از عدل و داد کند، اوست که به امر جانشینی از امام حسن عسکری
(علیه السلام) می‌پردازد.»^۱

۴- مرحوم صدوق در کتاب اکمال الدین به سند خود از حضرت
عبدالعظیم حسنی نقل می‌کند که وی (حضرت عبدالعظیم) اعتقادات
خودش را در محضر امام هادی (علیه السلام) عرضه داشت و (در ضمن)
به امامان یکی پس از دیگری بنام اقرار کرد تا اینکه به امام دهم
عرض کرد: ای سرور من پس از اینها امام من شما هستید؟
حضرت فرمود:

وَمِنْ بَعْدِي، ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ؟
قُلْتُ: فَكَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ وَلَا يُحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فِيمَلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَعَدْلًا - إِلَى أَنْ قَالَ - هَذَا دِينِي وَ دِينِ آبَائِي.

«امام بعد از من فرزندانم حسن (علیه السلام) است، پس حال مردم نسبت به
جانشین بعد از او چگونه است، عرض کردم: (برای چه؟) چگونه است؟
فرمود: زیرا او دیده نمی‌شود و بردن نامش جایز نیست تا وقتی که قیام کند
و زمین را پر از عدل و داد نماید - تا اینکه فرمود - دین و عقیده من و پدرانم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.

همین است.^۱

۳- قسم سوّم روایات:

پاره‌ای از روایات دلالت دارند که نام بردن حضرت مهدی (عج) جایز نیست و در همین روایات عدم جواز نام بردن حضرت به خوف و ترس از ضرر تعلیل شده است به عنوان نمونه به این چند روایت ذیل دقت کنید:

۱- مرحوم کلینی (ره) به سند خود از علی بن محمد از ابو عبد الله صالحی (ره) نقل می‌کند که گفت: پس از درگذشت امام حسن عسکری (علیه السلام)، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی (عج) را سؤال کنم (پس از سؤال) جواب آمد: **إِنْ دَلَلْتُمْ عَلَيَّ الْأِسْمِ إِذَا دَعَوْهُ وَإِنْ عَرَّضُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيَّ:**

«اگر آنها را به اسم حضرت مهدی (عج) آگاه سازید آنرا ظاهر می‌سازند اگر مکانش را بشناسند برضد او اقدام می‌کنند.»^۲

محدث بزرگ شیخ حرعاملی (ره) پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار (علیهم السلام) از نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲- نیز مرحوم کلینی (ره) از عبدالله بن جعفر حمیری (ره) نقل می‌کند: که شخصی از محمد بن عثمان (ره) پرسید: آیا جانشین

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۹.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، حدیث ۷ از باب ۳۳.

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) را دیده‌ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند، تا اینکه پرسید اسمش چیست؟ در پاسخ گفت:

فَالِاسْمُ مَحْرَمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُحَلِّلَ وَلَا أُحْرِمَ وَلَكِنْ عَنْهُ (ع) فَإِنَّ الْأَمْرَ عِنْدَ السُّلْطَانِ أَبَا مُحَمَّدٍ مَضَى وَلَمْ يَخْلُفْ وَكَدَأُ (إِلَى أَنْ قَالَ) وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْمُ وَقَعَ الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْسِكُوا عَنْ ذَلِكَ.

«اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی (عج)، پرسش کردن از آن، بر شما حرام است، این را پیش خود نمی‌گوییم، برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم ولی حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصور می‌کند که حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت و فرزندی بجای نگذاشت تا اینکه گفت: هرگاه نام حضرت مهدی (علیه السلام) برده شود نتیجه‌اش طلب کردن (دشمنان) از اوست، بپرهیزید از خدا و از این مطلب دم فروبندید.»^۱

این روایت همانند روایتی است که با صراحت و روشنی دلالت دارد بر اینکه نهی از نام بردن حضرت، به خاطر خوف و رسیدن به ضرر به آن بزرگوار است، چه آنکه وقتی نام او شناخته شد، دنبالش به جستجوی او خواهند پرداخت از این رو امام (علیه السلام) از بردن نام آنحضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آنحضرت بطور مبهم رد شده، تا کسی که آنرا نمی‌داند به آن مطلع نشود، لذا کسی که می‌داند بر او اظهار آن نام حرام است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۸.

۳- مرحوم صدوق (ره) در اکمال الدین از علی بن عاصم کوفی (ره) نقل می‌کند که در میان توقیعات (دستخطهای) امام زمان (عج) این جملات پدیدار شده:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ:

«مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم ببرد.»^۱
اینکه حضرت شمول لعنت را مقید بنام نموده در میان اهل سنت (و بنی عباس) دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها نام بردن آنحضرت جایز است.

بنابر این که بگوئیم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد (بنابر این) نهی امام (علیه السلام) به خاطر رعایت تقیه است.

۴- نیز مرحوم صدوق (ره) از محمد بن همام (ره) نقل می‌کند که: محمد بن عثمان عمری گفت:

خَرَجَ تَوْقِيعٌ بِخَطِّ عَرَفْتَهُ مِنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ:
(در توقیعی که آنرا می‌شناختم از حضرت ولی عصر (عج) است چنین پدیدار شد: «کسی که نام مرا در میان جمعیتی از مردم ببرد لعنت خدا بر او باد.»^۲

دلالت این حدیث بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص موارد خوف و ضرر است همانند دلالت حدیث قبل است.

۵- علامه مجلسی (ره) در کتاب بحار (ج ۱۳ ص ۸) نقل می‌کند که

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۲ از باب ۳۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۳ از باب ۳۳.

ابن خالد کابلی (ره) گفت: هنگامی که امام سجاد (علیه السلام) از دنیا رفت، به حضور امام باقر (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم قربانت گردم حتماً اخلاص و انس و الفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می شناسی!

امام باقر (علیه السلام) فرمود: آری راست می گوئی اینک منظورت چیست؟

عرض کردم: قربانت گردم، پدرت آن چنان صاحب این امر (حضرت مهدی «عج») را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی بینم دستش را می گیرم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد منظورت چیست؟

گفتم: می خواهم نام حضرتش را برایم بگوئی تا او را بنام بشناسم.

فرمود:

سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُّجْهِدٍ وَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي بِأَمْرٍ مَا كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لِيُحَدِّثَكَ وَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ أَنْ يَقَطِعُوا بَضْعَتَهُ.

«ای ابو خالد به خدا سوگند از من سؤال ناراحت کننده ای می پرسی، از

موضوعی می پرسی که به کسی از آن خبر نداده ام تا بتو خبر دهم، از مطالبی

سؤال می کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه (علیه السلام) او را می شناختند

حرص آن داشتند که او (حضرت مهدی) را قطعه قطعه کنند.»

۱- معمولاً در این گونه احادیث منظور از مردم (ناس) اکثریت مردم آن عصر که مخالفان امامان بودند می باشد.

این که می‌گوید اگر فرزندان فاطمه (علیهم السلام) او را می‌شناختند... دلالت دارد بر این که عده‌ای از آنها قصد ضرر رساندن به حضرت مهدی (عج) را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر (علیه السلام) آنحضرت را به نام یاد نکرد تا نامش پوشیده بماند و شناخته نشود و دستهای مخالفان به آنحضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدسش ضرری برسد...
 نتیجه اینکه: روایات قسم سوّم بیانگر این است که پوشاندن نام حضرت مهدی (عج) به خاطر امر تعبّدی خاص نیست، بلکه تنها بملاک تقیّه (با آن شرائطی که دارد)، می‌باشد.

۴- قسم چهارم از روایات:

پاره‌ای از روایات که در این مورد به ما رسیده دلالت دارند که خود ائمه اطهار (علیهم السلام) یا اصحابشان در موارد متعدّدی حضرت مهدی (عج) را بنام یاد کرده‌اند.
 بی آنکه ائمه (علیهم السلام) اصحاب خود را از این کار نهی کنند به این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می‌کند دقت کنید:

انَّ اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ بَعَثَ اِلَيَّ بَعْضَ مَنْ سَمَّاهُ، شَاةً مَذْبُوْحَةً وَقَالَ: هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ اِبْنِي مُحَمَّدٍ.

«حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) برای بعضی از افراد که نام آنها

را برده، گوسفند ذبح شده‌ای را فرستاد و فرمود: این گوسفند عقیقه^۱ فرزندم محمد (حضرت مهدی عج) است.^۲

این روایت دلالت دارد که ائمه (علیه‌السلام) صریحاً اسم حضرت مهدی (عج) را می‌بردند و ضمناً اجازه به دیگران نیز داده‌اند.

۲- مرحوم صدوق نقل می‌کند: ابوغانم خادم گفت:

وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (ع) مَوْلُودٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا وَعَرَّضَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ وَقَالَ هَذَا صَاحِبِكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ (عج).

: «برای امام عسکری (علیه‌السلام) فرزندی متولد شد، او را محمد نامید، روز

سوم او را به اصحاب خود نشان داده و فرمود: این نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم «عج» همین است.»^۳

این حدیث گرچه دلالت آشکار ندارد که ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

نام مبارک حضرت مهدی (عج) را برده‌اند، ولی اگر نام بردن

آنحضرت ممنوع بود ابوغانم خادم، نام او را بر زبان نمی‌آورد،

بلکه این حدیث «بطور اجمال» دلیل آن است که امام حسن عسکری

(علیه‌السلام) برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی

(عج) کرده است.

۳- مرحوم صدوق (ره) از مرحوم کلینی (ره) و او از اعلان بن

رازی (ره) و او از بعضی اصحاب نقل می‌کند: وقتی همسر حضرت

امام عسکری (علیه‌السلام) بار دارشد، امام حسن (علیه‌السلام) به او

۱- گوسفندی را که به عنوان حفظ نوزاد و طفل از گزند حوادث قربانی می‌کنند عقیقه می‌گویند (وسائل الشیعه ج ۱۱، صفحه ۴۸۹ - حدیث ۱۵، باب ۳۳).

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹ - حدیث ۱۶ از باب ۳۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۷ از باب ۳۳.

فرمود:

سَتَحْمِلِينَ وَلِدًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي.

: «بزودی پسری را حمل می‌کنی که نامش «محمد» است قائم بعد از من

اوست.»^۱

نقل این احادیث بطور اجمال گواه برجواز نام بردن آنحضرت

است.

۴- نیز مرحوم صدوق (ره) از ابن نصره (ره) و او از امام باقر

(علیه السلام) نقل می‌کند که جابر بن عبدالله انصاری (ره) گفت: در پیش

حضرت فاطمه زهراء (علیه السلام) صحیفه درخشانی یافتم که در آن

نام ائمه اطهار (علیه السلام) از فرزندانش مذکور بود، آنگاه جابر آنها

را به ردیف خواند تا گفت:

أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمِ أُمُّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا

نَرْجِسٌ:

: «ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکری، حجت خدا بر آفریده‌هایش

که قائم است، مادرش کنیز و نرجس نام داشت.»

نقل کردن همه راویان این روایات به اضافه جابر، دلیل آن است

که چنین نیست که نام بردن حضرت مهدی (عج) بطور کلی در همه

جا و همه حالات ممنوع می‌باشد.

۵- نیز مرحوم صدوق (ره) از ابن جارود (ره) و او از امام

باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: پدرم از پدرش نقل کرد که امام

علی (علیه السلام) روی منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم

خروج و قیام می‌کند سپس اوصاف و احوال حضرت قائم (عج) را تشریح کرد و آنگاه فرمود:

لَهُ اسْمَانِ، اسْمٌ يُخْفَى فَاَحْمَدُ وَ اَمَّا الَّذِي يُعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ.....

:«او دو نام دارد یک نامش پنهان است که عبارت از احمد می‌باشد، اما نام

دیگری که آشکار است محمد است.»^۱

این روایت دلالت دارد که تصریح بنام حضرت به گفتن محمد،

حتی بالای منبر جایز است.

۶- نیز مرحوم صدوق (ره) با اسناد بسیار از حسن بن محبوب (ره)

و او از ابن داود (ره) و او از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که

جابر (ره) گفت: بحضور حضرت فاطمه (علیها السلام) شرفیاب شده در

مقابل او لوح و صفحه‌ای دیدم که در آن نامهای اوصیاء از فرزندان

آن بانوی بزرگوار مذکور بود، شمردم ۱۲ نفر بودند که آخر آنها

حضرت قائم (عج) بود.

ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ اَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ

:«نام سه نفر از آنها محمد بود (یعنی امام پنجم و امام نهم و امام مهدی «عج») و

نام چهار نفر آنها علی بود (یعنی امام اول و چهارم و هشتم و دهم).»^۲

۷- نیز مرحوم صدوق (ره) از مفضل بن عمر (ره) نقل می‌کند که

گفت: به حضور امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم:

برای ما ائمه بعد از خود را معرفی بفرمائید، فرمود:

الْاِمَامُ بَعْدِي ابْنِي مُوسَى وَالْخَلْفُ الْمَأْمُولُ الْمُتَنْظَرُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۹ از باب ۴۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۲۰ از باب ۴۳.

بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى

«امام بعد از من فرزندان موسی (علیه السلام) است، جانشینی که مورد آرزو انتظار مردم است، او محمد فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی می باشد.»^۱

۸- علامه طبرسی (ره) در کتاب اعلام الوری از محمد بن عثمان عمری (ره) و او از پدرش نقل می کند، امام عسکری (علیه السلام) در خبری از پدرانش نقل می فرمود: بیان داشت: زمین هیچگاه خالی از حجت خدا بر مخلوقاتش نیست و کسی که از دنیا برود ولی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است، و این مطلب حق است همانگونه که روز حق است، شخصی از آنحضرت پرسید: امام و حجت بعد از تو کیست؟

فرمود:

إِنِّي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي فَمَنْ مَاتَ وَكَمْ يَعْرِفُهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً:

«پسرم محمد امام و حجت بعد از من است کسی که از دنیا برود ولی او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است.»^۲
و روایات دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علامه بزرگوار شیخ حرعاملی (ره):

محدث و دانشمند معروف شیخ حرعاملی صاحب کتاب

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۴۸۹ - باب ۳۳، حدیث ۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۴۸۹، باب ۳۳، حدیث ۱۹.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۱۲۱ □

وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف، مطلب بسیار خوبی گفته است آنجا که می‌گوید:

در باره تصریح بنام حضرت مهدی (عج) امر بنام بردن آنحضرت به طور عموم یا خصوص یا صراحت یا با اشاره ابتداءً و یا به عنوان تقریر و بیان کردن در روایات و زیارتها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میت و... جداً بسیار است.^۱

و در پاروقی (وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹۲) به نقل از شیخ حرّ عاملی (ره) آمده:

جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و... تصریح بنام حضرت مهدی (عج) کرده‌اند که از آنها علامه حلی (ره) و محقق (ره) و مقداد (ره) و سید مرتضی (ره) و شیخ مفید (ره) و ابن طاووس (ره) و... می‌باشند، ولی علمائی که نام بردن آنحضرت را حرام دانسته کم هستند، ما این مطالب را در رساله‌ی جداگانه‌ای بحث کرده‌ایم.

این بود آنچه که در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است.

شکی نیست که قول به حرمت نام بردن آنحضرت (عج) تعبداً، سخنی خالی از تحقیق است، گرچه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده‌اند، بلکه ظاهر آن است که: ممنوعیت نام بردن آنحضرت بستگی به وجود ملاک تقیه دارد، ولی در غیر موارد تقیه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۴۹۲.

ایرادی بر کلام علامه مجلسی (ره)

آنچه علامه مجلسی پس از ذکر پاره‌ای از روایات که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت تا هنگام ظهورش دارد^۱ می‌گوید:

قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصر (عج) مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آنها به آنکا برخی علل استنباط کرده و با استبعاد و همی اختصاص به این زمان داده‌اند جداً مردود است، چه آنکه دانستی که این اختصاص به آنکاء علل استنباط شده و استبعاد و همی نیست بلکه در روایات متعدد که کمتر از روایات دیگر نیست تصریح به عدم اختصاص جواز بردن نام آنحضرت به عصر غیبت صغری شده است، به اضافه روایاتی که به روشنی دلالت بر جواز و تصریح بنام آنحضرت دارند (که در قسم چهارم از روایات آنها را شناختی که از نظر عدد زیادتر و از نظر دلالت قوی تر از روایات دیگر بودند).

نتیجه بحثها:

کوتاه سخن آنکه: ممنوعیت و حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به خوف و ترس رسیدن ضرر به خود آنحضرت یا طبق میزانهای معتبری که در تقیه گفته شده دارد و در غیر مورد تقیه جایز

۱- علامه مجلسی (ره) این اخبار را در بحار ط جدید، جلد ۵۱، از صفحه ۳۱ به بعد آورده است.

است بچند دلیل:

۱- این مطلب (حرمت در موارد تقیه، جواز در غیر آن موارد) یگانه راه جمع بین روایات و حمل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقید می‌باشد، (به عبارت روشتر) روایات مطلق (بدون قید) یعنی همان قسم اول از روایات و قسم دوم نیز که خاطر نشان شد^۱ به وسیله قسم سوم که دلالت داشتند بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به موارد تقیه دارد، مقید می‌گردد نتیجه اینکه منظور از عدم جواز نام بردن، در قسم اول و دوم از روایات در مورد تقیه است.

و اگر این راه را نپذیریم (طبق دستور تعارض روایات) وقتی که قسم اول و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردند از اعتبار ساقط می‌شوند اگر گفتیم که هر یک از این اقسام به حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند.^۲

بنابر این که اسناد این روایات ظنی است (نه قطعی) قائل به تخییر (و انتخاب هر کدام از روایات) می‌شویم و در این صورت نیز حکم به جواز تصریح به نام حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

قوی‌ترین قرائن و علائم بر صحت راه جمعی که خاطر نشان ساختیم قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت را داشتند.

کاش میدانستم که قائل به حرمت نام حضرت قائم (عج) بطور

۱- با توجه به اینکه قسم دوم از روایات از جهت خوف، مطلق بودند.

۲- در صورت تساقط، اصل، عدم حرمت نام بردن است.

مطلق در همه شرائط و زمانها درباره این روایات قسم چهارم که جداً بسیار هستند چه می‌گویند؟ آیا طردونادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیاری از اصحاب ما بر طبق آن روایات است، آیا ممکن است که در مقام تعارض غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟ چنین نیست، بلکه هیچ راه حلی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۲- احادیث بسیاری از طرق اهل بیت (علیه السلام) و اهل تسنن وارد شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی (عج) همان اسم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کنیه حضرت مهدی (عج) نیز همان کنیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

و روشن است که این مطلب در قوه و ردیف نام بردن حضرت مهدی (عج) است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت را دارند آن است که این ممنوعیت باید طوری باشد که انسانهای مورد خطاب ندانند که اسم شریف آنحضرت چیست، نه اینکه محض تلفظ بنام آنحضرت ممنوع باشد.

مگر این که گفته شود: گرچه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند، نام حضرت مهدی (عج) چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفظ بنام امام (علیه السلام) را حرام می‌دانند نه دلالت بر آن را اگرچه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد (دقت کنید).

۳- قول به حرمت تلفظ بنام شریف آن حضرت بی آنکه موارد تقیه یا محذور دیگری باشد با قول به جواز تلفظ به لفظ کنائی که دلالت بر اسم می‌کند و یا مثل: «محمّد»، احتیاج به تعبّد به اسم کنایه مانند کدورتی در تلفظ اسم آنحضرت است با اینکه تلفظ به اسم او به کنایه مانند این که بگوئیم او هم نام رسولخدا (صلی الله علیه و آله) است یا با حرفی از هم جدا (محمّد) جایز است، با فرض این که در ظاهر حتماً هیچگونه محذوری در کار نیست، آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفظ به اسم در همه جا یا جواز تلفظ با آن با کنایه گرچه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تأیید گفتار خود قرار دهیم.

نیز این مطلب را تأیید می‌کند بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه (علیه السلام) دیگر غیر از امام قائم (عج) در مورد تقیه وارد شده‌اند، بنابر این حکم عدم جواز، اختصاص به اسم شریف آنحضرت ندارد.

مانند روایتی که مرحوم کلینی (ره) با اسناد زیاد از عنبسه نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَذِكْرَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ فَإِنَّ النَّاسَ لَيَسْتَشِيئُونَ أَبْغَضَ إِلَيْهِمْ مِنْ ذِكْرِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ.

«پرهیز کنید از بردن نام امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیه السلام) چه آنکه

چیزی برای مردم مانند ذکر نام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیهما السلام)

مبغوضتر نیست.^۱

عجیب این که مطابق با آنچه از مرحوم صدوق (ره) حکایت شده، ایشان بعد از اقرار به این که در روایت لوح^۲ تصریح بنام مهدی (عج) شده است گوید:

این حدیث با تصریح بنام آنحضرت وارد شده ولی نظر من آن است که از نام بردن او نهی شده است قبلاً دانستی که تصریح به نام شریف آنحضرت منحصر به روایت لوح بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنها تصریح به اسم شده بود نیست، با این حال چرا مرحوم صدوق (ره) قول به جواز را در غیر موارد تقیه اختیار نکرده، همان گونه که صاحب وسائل اختیار کرده است و این قول به جواز از بیان بسیاری از اصحاب ظاهر می شود.

شاید مرحوم صدوق عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است گرچه قول به عدم جواز موافق احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند.

خلاصه اینکه: جداً این احتیاط ضعیف است و رعایت آن واجب نیست.

کوتاه سخن اینکه: از همه مطالبی که خاطر نشان گردید، استفاده می شود که بردن نام شریف حضرت مهدی (عج) که عبارت از محمد فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) می باشد در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیه نیست جایز است.^۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۴۸۶.

۲- روایت ششم از قسم چهارم از روایاتی که قبلاً ذکر شد.

۳- این فصل ترجمه مقاله ای است از کتاب «القواعد الفقهیه» جلد سوم، صفحه ۱۲۴، تألیف استاد معظم آیت الله مکارم شیرازی.

پاسخ به بیست و هفت سؤال ۱۲۷ □

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمّه عالم بزرگ تشیع (علی بن عیسیٰ اربلی) نیز همین است چنانکه در کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۴۳۸، گوید: فتوای من این است که منع تلفظ بنام مهدی (عج) (محمد) از روی تقیه بوده است ولی اکنون اشکال ندارد. (وَاللَّهُ أَعْلَمُ).

فصل چهارم

انتظار، یا زمینه‌سازی

هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه‌سازی خوبی برای آن شده باشد، و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) (أَزْوَاحُنَا قَدَاءُ) که مهمترین و وسیعترین و عمیقترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان می‌باشد، از این قانون، مستثنی نیست بلکه بخاطر جهانی بودن و عمیق بودنش به طریق اولی باید برای آن زمینه‌سازی گردد.

مفهوم واقعی انتظار که در روایات ما به عنوان بالاترین عمل شمرده شده^۱ و آن «به شمشیر زدن در رکاب پیامبر (صلی الله علیه وآله)

۱- أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ (امام علی «ع») (کتاب منتخب الاثر).

بر فرق دشمن» تشبیه شده^۱ همین زمینه‌سازی است. وگرنه انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آنکه در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود هیچگاه بهترین عمل و همانند شمشیر زدن در رکاب پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نخواهد بود، چنانکه مفهوم واژه «عمل» و جنگیدن در رکاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) حاکی از حضور در صحنه و فعالیت عملی و کار و کوشش و زمینه‌سازی عینی است، نه نیت بدون عمل، و امید ذهنی بدون آثار عملی.

«انتظار» به معنی آینده‌نگری است، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، به راضی شدن از آینده بهتر است، همچون بیمار که انتظار صحت و سلامتی دارد یعنی امید آن دارد که از وضع موجود رهایی یابد و به وضع بهتری برسد، و پر واضح است، که چنین دگرگونی نیاز به زمینه‌سازی دارد.

در انقلابهای پیامبران (علیهم السلام) نیز زمینه‌سازی وجود داشت، و آنها در صورتی انقلاب را به ثمر می‌رساندند که در همه ابعاد زمینه‌سازی عملی شود وگرنه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می‌شد.^۲

و از آنجا که انقلاب مهدی (عج) جهانی و همه‌جانبه و دراز مدت است و همه انقلابهای خداپرستان تاریخ و پیامبران (علیهم السلام) در آن خلاصه می‌گردد، و هدف نهائی انقلابات مقدس بشری است،

۱- ... كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ (بخاری، جلد ۱۳).

۲- درباره فضیلت انتظار به کتاب اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۴۰ به بعد مراجعه نمایید.

حتماً نیاز به زمینه سازی وسیع تر و عمیقتر دارد، و به عبارت روشنتر وقتی در روایات اسلامی می خوانیم: در حکومت امام زمان (عج) علم و صنعت، عدالت، اخلاق، فکر و اندیشه، کشاورزی و دامداری و بطور کلی اقتصاد در همه زمینه ها زمینه سازی دراز مدت و عمیق و پردوام لازم دارد، چرا که بنابر اعجاز نیست، بلکه همانند انقلاب پیامبران (علیهم السلام) بنابر فکر و عمل و کار و سعی مردم در همه ابعاد است چنانکه انقلابهای بشر در طول تاریخ همیشه بر این اساس بوده است.

فی المثل وقتی در روایات می خوانیم: امام صادق (علیه السلام) فرمود: علم و دانش دارای ۲۷ شعبه است، تمام آنچه تا کنون از پیامبران به ما رسیده دو شعبه آن بیشتر نبوده و وقتی حضرت قائم (عج) ظهور کند آن دو را به ۲۷ شعبه می رساند.^۱

نتیجه می گیریم که برای چنین انقلاب دامنهدار و عمیقی، زمینه سازی پردامنه و عمیق لازم است، که بسیار بسیار از زمینه سازیهای دیگر انقلابها وسیعتر و پر دامنه دارتر است.

پاسخ به يك سؤال:

در اینجا این سؤال پیش می آید که: طبق روایات وقتی جهان، پر از ظلم و فساد شد آنگاه امام زمان (عج) ظهور می نماید و جهان را پر از عدل و داد می کند، این موضوع نه تنها زمینه سازی نیست بلکه درست به عکس در جهت خلاف انقلاب مهدی (عج) می باشد.

پاسخ اینکه: خود این موضوع (غرق شدن جهان در ظلم و فساد) یک نوع زمینه سازی است، چراکه نوع مردم از این ظلم و فساد، ناراضی شده و به ستوه می آیند و همین موضوع آنها را تشنه انقلاب می کند، و این خود زمینه فکری و معنوی ایجاد می نماید.

علاوه منافات ندارد که در کنار این ظلم و فساد جهانی، دوستان و هواداران آنحضرت تا با زمینه سازیهای مثبت و آینده ساز، در اندیشه خود و مردم مقدمه چینی برای انقلاب کنند، در حالی که مخالفان انقلاب سرگرم فساد و ظلم و غافل از همه جا هستند، گروههای بیدار مسلمان از فرصت استفاده کرده تا زمینه سازیهای مثبت بر روندکار خود بیفزایند، و رفته رفته جهان را که آتش زیر خاکستر است، ناگهان به نفع انقلاب، شعله ور سازند، چنانکه نمونه کوچک آن را در کشور اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با چشم خود دیدیم، ولی نظر به این که انقلاب جهانی مهدی (عج)، جهانی و بسیار وسیع و عمیق است، روشن است که زمینه سازی (بخصوص زمینه سازی فکری و فرهنگی) بیشتری در سطح کل جهان لازم دارد.

یازده عامل مهم زمینه سازی:

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است - منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر - و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه وآله) است و با توجه به اینکه طبق روایات عین همان انقلاب پیامبر

(صلی الله علیه وآله) است.^۱

منتهی در سطح وسیعتر و در جهت تکمیل آن در این جابه ذکر ده عامل زیر که در انقلاب عظیم الشان اسلام به رهبری پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقش مهم در زمینه سازی حکومت اسلامی داشت می پردازیم، تا با تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی، زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی (عج) گردیم، و مفهوم عینی و واقعی «انتظار» را تحقق بخشیم (با توجه به اینکه عوامل دیگری نیز هست ولی عوامل زیر مهمترین آنها است):

۱ - جاذبه قرآن و حقانیت اسلام:

همان گونه که در مثلها آمده «سرانجام حقیقت جای خود را باز می کند» تکیه بر حقائق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیات بخش و سازنده یکی از عوامل مهم پیروزی است.

در صدر اسلام، درستی و واقعیت هماهنگی دستورات اسلام با عقل و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هرگونه آلودگی و فقر و بدبختی و بی عدالتی خود بخود یک جاذبه قوی داشت که انسانها را به سوی خود می کشانید، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از این

۱- یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟

فرمود: یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله (ص) امرالجاهلیة و یستأنف الاسلام جدیداً. «همان روش پیامبر خدا (ص) را انجام می دهد، روشهای باطل را ویران می کند چنانکه پیامبر نمود و اسلام را نوسازی و تکمیل می نماید.» (بحار جلد ۵۲، صفحه ۳۵۲)

راه پیروزی‌های چشمگیر به دست آورد، تا آنجا که گاهی می‌شد سرسخت‌ترین دشمنان اسلام مانند ولید بن مُغیره وقتی چند آیه از آیات قرآن را که حکایت از قوانین اسلام می‌کند شنید دیوانه وار به مجلسی که از طرف دودمانش تشکیل شده بود آمد و گفت:

به خدا سوگند از محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار انسانها دارد، نه جن.

وَإِنَّ لَهُ حَلَاوَةً وَإِنَّ عَلَيْهِ لِطَلَاوَةٌ وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُثَمَّرٌ وَإِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُغْدَقٌ
وَإِنَّهُ يَغْلُوا وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ:

«گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی مخصوصی، بالای آن همه شاخه‌های درختان برومندش) پرثمر و پایین آن (مانند ریشه‌های درخت کهن) پرمايه است، گفتاری است که بر هرچیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شده.»

امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پرمايه و استوار و مقایسه علمی و منطقی آن بر سایر مکتبها، از نظر معنوی بزرگترین عامل حرکت و زمینه‌سازی برای یک حکومت عدل جهانی است، و به تنهایی کافی است که نیازهای مادی و معنوی انسانها را برآورد و آنها را در همه ابعاد مثبت انسانی به پیش ببرد.

براستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، قرآن به صحنه آید و حقائق نورانی آن به مردم برسد و پیاده گردد، ریشه‌دارترین زمینه برای آینده‌سازی و حکومت جهانی مهدی (عج) پدیدار خواهد شد.

۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن:

بدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسانتر کرده و بسیاری از راهها را نزدیکتر نموده و بسیاری از گرهها را در زمینه‌های گوناگون گشوده است و گاهی راه صدساله به وسیله علم و دانش یکشبه طی می‌شود.

برای پیشرفت و زمینه‌سازی برای حکومت آینده‌آل جهانی اسلام به رهبری امام مهدی (عج) یکی از راههای محکم، تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است، در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویتها و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود.

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده، در اینجا به دو گفتار ذیل از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) توجه کنید:

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَ دِعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ وَالْفَقِيهُ الْوَاحِدُ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ:

هر چیزی، اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است!

امام علی (علیه السلام) در عبارتی فرمود: قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد: نخست... به دانشمندی که دانش خود را به

کار اندازد.^۱

بنابر این باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم سازند.

۳- استقامت و پایداری و شجاعت:

در صدر اسلام، استقامت و پایداری و شهامت پرتوان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث، از عوامل پیروزی بود، اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی (عج) نیاز به صبر و پایداری است.

نمونه‌های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار است و نمونه‌های صبر و استقامت در جنگهای اسلامی به خوبی در روحیه مسلمانان آشکار است، آنها با کمترین نفر و کمترین ابزار جنگی پوزه بزرگترین ارتش دشمنان را بخاک مالیدند.

مثلاً جعفر طیار(ره) برادر امام علی (علیه‌السلام) در جنگ موته (جنگ با ابر قدرت روم) با این که دو دستش قطع شده بود و ۹۰ زخم به بدنش رسیده بود، پرچم را با دو بازوی بریده‌اش نگهداشته بود و همچنان می‌جنگید.^۲

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۴.

۲- بحار، ج ۲۱، ص ۵۴.

قرآن ۱۰۴ بار سخن از صبر و استقامت به میان آورده و در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

«ای کسانی که ایمان آوردید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.»

مسئلاً برای زمینه سازی برای یک حکومت جهانی اجرای این دستورات نیز لازم و ضروری است.

۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق:

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی، و رعایت حقوق جانی و مالی و عرضی و... که عالیترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دلها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است.

اخلاق پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در وصف پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) پاک و نازنین پیروی کن، او لقمه دنیا را با اطراف دندان می خورد (نه اینکه دهانش را پر کند) و دنیا را به چشم (دقیق) نمی نگریست، از جهت پهلو لاغر و از جهت شکم

گرسنه‌ترین اهل دنیا بود، مانند بردگان سیاه بر روی زمین می‌نشست و کفش خود را با دست خود اصلاح می‌کرد و لباس خود را با دست خود می‌دوخت احیاناً بر الاغ برهنه سوار می‌شد و از شدت تواضع و فروتنی دیگری را هم ردیف خودسوار می‌کرد.

یکی از همسرانش روزی پرده‌ای نسبتاً زیبا و دارای نقش و نگار بر در خانه آویخته بود، به آن بانو فرمود: بی‌درنگ این پرده رنگارنگ را از در خانه بردار، چراکه من با نگاه به این پرده به یاد دنیا و زینتهای آن می‌افتم...

اکنون مرا ببینید چگونه زندگی می‌کنم، بر این جامه پوشیده‌ام چندان وصله زده‌ام که از وصله‌کننده آن شرم دارم، روزی وصله‌کننده به من گفت: این پیراهن پاره را که دیگر وصله نمی‌خورد به دور اندازم، گفتم آهسته باش سبکباران زودتر به سر منزل مقصود می‌رسند!

براستی اگر همه شاخه‌های اخلاق اسلامی رعایت گردد بهترین زمینه‌سازی معنوی برای ظهور امام زمان (عج) خواهد بود.

۵- ایمان و توکل به خدا:

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش‌برنده و زمینه‌ساز و سوزاننده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می‌آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت‌کننده چنین

ایمان و توکل است.

پس از آنکه مکه به دست ارتش اسلام به رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) فتح شد، ابوسفیان کنار ارتش قوی اسلام قدم بر می داشت و می گفت:

كَيْتَ شِعْرِي بِمَاذَا غَلَبْتَنِي:

«کاش می دانستم که محمد (صلی الله علیه و آله) با چه وسیله ای بر من پیروز شد؟ ما که سازماندهی و تشکیلات و پول و جهاز جنگی و جمعیت داشتیم چطور مغلوب شدیم، ولی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دست خالی بر ما پیروز گردید.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) دست بردوش او گذارد و فرمود:

بِاللَّهِ غَلَبْتُكَ:

«من به کمک خدا بر تو پیروز شدم.»

آری ایمان و توکل به خدا است که اتحاد و انسجام و روحیه قوی می سازد و کارهای ناممکن را ممکن می کند و مشقت خالی را بر تانکها پیروز می گرداند به طور قطع می توان گفت که نقش ایمان و توکل بر جنگها به مراتب بیش از نقش وسائل و ابزار جنگی و تشکیلات است.

و ما نیز باید در سایه ایمان و توکل به خدا به پیش رویم و فکر آ و عملاً زمینه ساز آینده درخشان باشیم، چنانکه مسلمانان در صدر اسلام در پرتو ایمان و توکل به پیروزی های معجزه آمیز نائل شدند.

۶- تعاون و همکاری:

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پردامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و بهم پیوستگی هرچه بیشتر، زمینه ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیش برد هدفها دارد.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مسلمانان با هم همچون اعضاء یکدیگرند که اگر یک عضو بدرد آید عضوهای دیگر نیز تا آرام هستند.

اگر برآستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی می‌داشتند پیشرفت بی نظیری در زمینه‌های مختلف نصیبشان می‌شد.

۷- برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر:

پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر اساس علم و منطق با گروههای مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می‌کرد، امام صادق (علیه السلام) چهار هزار شاگرد در رشته‌های مختلف تربیت می‌نمود، و خود شخصاً با منکران خدا می‌نشست و به بحث و گفتگو می‌پرداخت. این بحثها و تجزیه و تحلیل‌های روشنگرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

۱- جابر جعفی گوید به امام باقر (ع) عرض کردم: فرج شما چه وقت است؟ سه بار فرمود: فرج ما تحقق نمی‌پذیرد تا غربال شوید و آزمایش گردید، تا آن وقتی که قلبها صاف شود. (بحار، جلد ۵۲، صفحه ۱۰۱)

قرآن می فرماید:

مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال و بحث و انتقاد دعوت کن!^۱

حکمت همان روشهای استدلالی و منطقی است. موعظه نیک عبارت از اندرزهایی است که جنبه عاطفی و احساسی دارد.

مجادله نیک بحثهای رو در رو و بر اساس انصاف و حسن نیت است.

علی (علیه السلام) فرمود: طرفداران پنج دین مختلف به صورت گروههای پنج نفری به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) برای بحث و مذاکره آمدند به ترتیب: گروه یهود، سپس گروه مسیحی، سپس گروه مادی، سپس گروه دوگانه پرست، سپس گروه مشرک، شروع به مناظره کردند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با کمال متانت سخن آنها را گوش داد و به پاسخ آنها پرداخت، و این مناظرات، سه روز بیشتر طول نکشید، که هر پنج گروه قانع شدند و به اسلام گرویدند، در پایان گفتند:

مَارَأَيْنَا مِثْلَ حُجَّتِكَ يَا مُحَمَّدًا، نَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ.

: «ای محمد (صلی الله علیه وآله) ما همچون حجت و استدلال تو هرگز

درجائی ندیده ایم، گواهی می دهیم که تو رسول خدا هستی.»^۲

۱- اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (سوره نحل، آیه ۱۲۵)

۲- مشروح این مناظره در کتاب احتجاج طبرسی، ج ۱، از صفحه ۱۶ تا ۲۴ آمده است.

آری اگر برای جذب تحصیل کرده‌ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه‌ای رفتار شود، نقش مؤثری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه سازی فکری حساب شده‌ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

۸- توجه به طبقه مستضعف:

نوعاً انقلابها بر دوش مستضعفین به پیش می‌رود، چراکه مستکبران و سرمایه‌داران از وضع موجود خود راضی‌اند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهند بود.

اسلام هیچگاه روی خوش به مستکبران و طاغوتیان نشان نداده است، چنانکه در آغاز، حامی پیش برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال (ره)، سلمان (ره)، جوبیر (ره)، خباب (ره) و عمار (ره)، سُمیه (ره) و... بوده‌اند.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به این گروه از افراد توجه خاصی داشت، حتی همه اموال همسرش خدیجه (علیهاالسلام) را در این راه مصرف نمود، و خود عملاً همچون مستضعفان می‌زیست و بیشتر با آنها محشور بود.

بهر حال توجه به مستضعفان، و تأمین نیازهای آنها، و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استعمار و استثمار و استثمار، یکی دیگر از عوامل زمینه ساز برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

در حالی که این سطور را می نویسم: اخبار می گوید: امام خمینی (مُدَّظِلُّهُ) فرمود: من یک لاک موی گودنشینان را به همه کاخ نشینان نمی دهم.

۹- اتحاد و انسجام مسلمانان:

بدون شک اتحاد نقش اعجاز آمیزی در پیشبرد اهداف دارد، جمعیت و اتحاد، قدرت را چندین صد برابر و هزار برابر و میلیون برابر می کند، مثل اتحاد همچون مثل سد عظیمی است که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمینهای بزرگ و روشنائی شهرهای زیاد می شود، یک چنین نیروئی بر اثر بهم پیوستن قدرتهای ناچیز دانه های باران بدست آمده است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يُشِيدُ بَعْضُهُ بَعْضًا

«افراد با ایمان، نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که

هرجزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگاه می دارد.»^۱

حال اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند، همچون دریای خروشان می خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفانها ایستادگی خواهند نمود.

برای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و

باید مسلمانان از هرگونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر دشمنان مشترک، با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند.

۱۰ - رهبر شایسته:

در اسلام به «ولایت» اهمیت فراوان داده شده است به گونه‌ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست، بلکه باید برنامه‌های اسلام تحت نظارت ولایت باشد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او بگرددش درمی‌آید، او نشان راه و پیشوا و جلودار امت است، و همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می‌برد.^۱

ولایت یعنی حکومت و سرپرستی دین و دنیای مردم، که بسیار مقام پر مسئولیت بزرگی است و تنها افراد شایسته و کامل می‌توانند عهده‌دار آن گردند.

همانگونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در پیشبرد داشت امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی (عج) و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتماً باید این خط حفظ گردد، تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبر شایسته که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر

۱- باید توجه داشت که بنابر این است که امور از روی طبیعی و خودجوش به پیش رود و گرنه اگر صحبت اعجاز باشد، امام حسین (ع) فرمود: سوگند به خداوند، خدا چیزی را نیافریده مگر اینکه به او فرمان داده از ما پیروی کند (بصائر الدرجات - بحار، جلد ۲۳، صفحه ۲۸۷) البته اگر مردم وظیفه خود را انجام دهند، دست خدا بالای سر آنها است و امدادهای غیبی به کمک آنها خواهد شتافت چنانکه قرآن می‌فرماید: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ**. (سوره محمد، آیه ۷)

می شود راه زمینه سازی صحیح را دریابند و با پشتگرمی معنوی خاصی آن را دنبال کنند و به عبارت روشتر، نائب و معاون به حق حضرت مهدی (عج) مسلماً به راه مهدی (عج) نزدیکتر و آگاهتر است، و رهنمودها و سرپرستی او می تواند نزدیکترین و حساب شده ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولی امام زمان (عج) باشد، با توجه به اینکه انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی تفاوتی بیرون می آورد، و وادار می کند که حضور فعال در صحنه داشته باشد.

به امید آنکه با به کار بستن این عوامل که در رأس عوامل دیگر است بتوانیم همچون مسلمانان صدر اسلام به پیش رویم و جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) سوق دهیم که خود در مسیر انقلاب، و تداوم انقلاب است که نهایت آن آینده درخشان و اهتزاز پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کل جهان خواهد شد، و همین امید به آینده روشن - نه مبهم و تاریک - خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل درآید و به نتیجه عینی برسد. باید توجه داشت که خود امام قائم (عج) نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال، اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهائی بخشد و بقدری در این مورد بی تاب است که حتی وقت خروج وارد مسجد الحرام می شود و بین مقام ابراهیم (علیه السلام) و کعبه دو رکعت نماز می خواند و پشت به حجرالاسود زده، سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و آنچنان گریه و تضرع می کند که به زمین می افتد و این است فرموده

خدا در قرآن:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ.

«آیا خدای شما کسی است که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاریها

را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد.» (یا معبودهای باطل)^۱

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: سوگند به خدا «مضطر» همان قائم

(مع) است.^۲

آری امام قائم «مع» این چنین بی تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب

جهانی است، تا جهان را از لوث آلودگیها و جنایات و ستمگریها

نجات بخشد.

۱۱ - لزوم برنامه ریزی:

می‌دانیم که مسأله مهدی موعود (مع) یک مسأله عادی و سطحی

و اقلیمی و احتمالی نیست، بلکه مسأله بسیار مهم جهانی و عمیق و

واقعی است که تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمانها در

رأس مسائل مهم عقیدتی و سیاسی است و در اسلام به عنوان یک

اصل استوار و خلل ناپذیر مطرح می‌باشد، و از آن به ثمره و نتیجه

قیام تمام پیامبران و رسولان و رهبران الهی یاد می‌گردد، و نهضت

جهانی حضرت مهدی (مع) با عنوان امید پیامبران و رسولان و

مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و...

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۲۶ (سوره نمل، آیه ۶۲).

۲- تفسیر نورالثقلین، جلد ۴، صفحه ۹۴، ذیل آیه ۶۲ نمل.

خوانده می شود.

حال که چنین است باید مسأله را جدی گرفت، در طول تاریخ در این باره حرف زیاد زده اند ولی برای وصول به این هدف باید همت کرده و آن هم همتی عمیق، همه جانبه در کل جهان، و همیشگی، و در عمل.

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مربوط به نهضت و ظهور امام زمان (عج) به دست می آید که مسأله وصول به این ظهور مسأله راحت طلبی نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی آید باید در راه آن عرقها و خونهما ریخته شود!

از طرفی این مسأله دارای ابعاد گوناگون است، مانند ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مکتبی، نظامی و خلاصه آمیخته با مسأله دین است، همانگونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه جانبه برای رشد در همه ابعاد است، مسأله قیام مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می شود دارای ابعاد گوناگون است.

بر همین اساس باید برای تحقق آن یک برنامه ریزی حساب شده و جامع در سطح کل جهان صورت گیرد.

با توجه به اهمیت فوق العاده آن باید در این برنامه ریزی، امور بسیار به طور عملی و جدی و حساب شده تعقیب شود که ما در اینجا امور نهنگانه زیر را که پایه های اصلی این برنامه ریزی است و

باید به همت مسلمانان تحقق یابد تا زمینه ساز ظهور گردد خاطر نشان می‌کنیم:

۱- هدفداری:

یکی از عوامل پیروزی، داشتن هدف است به ویژه هدفی عالی و تأمین‌کننده تمام ابعاد سعادت بشر - در مورد مصلح آینده حضرت مهدی «عج» تمام پیامبران و امامان و کتب آسمانی و ادیان حقیقی، خبر از ظهور او را در آخر الزمان داده‌اند، و این عقیده در اسلام جزء بافت و ارکان اسلام است، بر همین اساس، هدف مشخص و غیر مبهم است، و بروز نهضتها و قیامها برای رسیدن به این هدف، کورکورانه و مبهم نیست.

امام خمینی (قُدس سرّه) در یکی از سخنان خود که در روز نیمه شعبان ۱۳۶۰ شمسی ایراد نمود فرمود: باید خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت، من نمی‌دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی‌دانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که (مهدی موعود «عج») است، آن کسی که خداوند متعال ذخیره کرده است برای بشر....

آری این عنوان (مهدی موعود «عج») هدف دار بودن این عقیده را مشخص می‌کند، و هدف است که قیامها را خط و جهت داده و از سرنگونی در می‌آورد و به راه صاف و راست رهنمون می‌نماید، بنابراین باید در این برنامه‌ریزی به این هدف توجه گردد.

۲- توجه به جهانی بودن ظهور:

پایه دوم این برنامه ریزی این است که ظهور و امامت امام زمان «عج» مربوط به کل جهان است، و پس از ظهور اسلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان بدست با کفایت آنحضرت در سطح جهان حاکم و پیاده می شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً لِأَلِهِ إِلَّا اللَّهَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

«وقتی که قائم «عج» قیام کرد، هیچ نقطه‌ای از زمین نیست مگر این که آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) بلند است.»^۱
بنابر این در این برنامه ریزی باید همه جهان با انواع فرهنگ‌ها و سنتها و انحرافات و عقاید گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی همه فسادها و انحرافات همه جهان، که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسلامی می شود ارائه داد.

با توجه به این که جهان همچون حلقه‌های زنجیر در شتون مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تأثیرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارند، اگر ما نقطه‌ای را از انحراف بیرون آوردیم کافی نیست چرا که خواه ناخواه تأثیرات اطراف این نقطه، مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.

۳- جهش و انقلاب:

همان گونه که از نام انقلاب جهانی حضرت مهدی «عج» پیدا است باید برای وصول به این انقلاب به صورت انقلابی کارکرد، با میانه روی و محافظه کاری و خط لیبرالی نمی‌توان به این هدف بزرگ رسید، چراکه پرواضح است برای برنامه ریزی یک چنین انقلاب عظیمی که موانع بسیاری سر راه دارد، باید جهاد کرد، جهادی پی گیر و بزرگ، و تبدیل انحرافات عقلی و عملی و اخلاقی به اعتدال و صراط مستقیم، که یک تحوّل بی نظیر و عظیمی است که با میانه روی و محافظه کاری، به دست نمی‌آید.

بنابر این باید حرکت‌های این نهضت، اسلامی و مکتبی باشد، و از حرکت‌های غیر مکتبی چنین تحوّل میسر نیست.

چنانکه در روش انبیاء و پیامبران الهی (علیهم‌السلام) از جمله پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه وآله) به خوبی این انقلاب و جهش را در سطح محدوده خودشان می‌بینیم، البته چنانکه خواهیم گفت این مطلب به این معنا نیست که مادر این کار عجله کنیم و سطحی به پیش رویم. قابل توجه اینکه طبق بعضی از روایات، آنحضرت در روز عاشورا قیام می‌کند.^۱

و به فرموده امام صادق (علیه‌السلام) در شب ۲۳ ماه رمضان بنام آنحضرت ندا شود و روز عاشورا قیام کند.^۲

دقت در این نکته که در روایات اسلامی وارد شده در شب تولّد

۱- بحار، صفحه ۲۸۵، جلد ۵۲.

۲- اثبات‌الهدایة، جلد ۷، صفحه ۴۱۲.

امام زمان «عج» زیارت امام حسین (علیه السلام) را بخوانید با توجه به محتوای این زیارت و ارتباط این دو، نتیجه می‌گیریم، که مسأله راحت طلبی نیست بلکه مسأله قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سرحد شهادت و نفرت شدید از دشمن است و باید با چنین روشی خود را به امام زمان (عج) نزدیک کنیم، در اینجا نقل این روایت بجا است: امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَّةُ وَ جَرَدَ السَّيْفُ وَ كَمْ يَأْخُذُ مِنَ النَّاسِ وَ كَمْ يُعْطِيهِمُ إِلَّا بِالسَّيْفِ.

«وقتی قائم (عج) ما قیام کند تقیه برداشته شود و شمشیر بکشد و با مردم (متمرد) در داد و ستد جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد.»^۱

۴- پیشرفت عمیق و استوار

در برنامه ریزی لازم است، توجه کامل شود که در تمام ابعاد به طور صحیح و عمیق و استوار به پیش رفت و واحدهای این بنای عظیم را از اساس و شالوده درست و محکم و خلل ناپذیر ساخت و به همین ترتیب رگه‌های دیگر این بنا با استواری به پیش رود و گرنه کوچکترین طوفانی آن بنا را ویران خواهد کرد، بنابر این نباید در این کار عظیم، عجله کرد و به عبارت دیگر باید هرچه می‌توانیم بر کیفیت کار توجه کنیم، نه کمیت بدون کیفیت.

در اینجا بد نیست به یک فراز تاریخی عجیب «که می‌توان از آن درس نیکی گرفت گرچه از بیگانگان است» اشاره کنیم.

در جنگ جهانی دوم وقتی قوای متحدین (آلمان، ایتالیا، ژاپن) فرانسه را که جزء قوای متفقین (انگلیس و آمریکا و شوروی) بود شکست دادند، و در جولای سال ۱۹۴۰ میلادی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند، تنها ماند، در پاریس کنفرانس سرّی بین سه نفر از سران جنگ جهانی یعنی چرچیل (رهبر انگلستان) و هیتلر (رهبر آلمان) و موسولینی (رهبر ایتالیا) در قصر «فوتن بلوی» به وجود آمد. در این کنفرانس هیتلر به چرچیل گفت: حال که سرنوشت جنگ معلوم است و بزرگترین نیروی اروپا و متفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است، برای جلوگیری از کشتار بیشتر، بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضاء کند تا جنگ متوقف شود و صلح به جهان بازگردد.

چرچیل در جواب گفت: بسیار متأسفم که من نمی‌توانم چنین قراردادی را امضاء کنم، زیرا هنوز انگلستان شکست نخورده است و شما را فاتح نمی‌شناسم.

هیتلر و موسولینی از این گفتار چرچیل عصبانی می‌شوند، به تندی با او برخورد می‌کنند، چرچیل با خون‌سردی می‌گوید: عصبانی نشوید، انگلیس به شرط‌بندی، خیلی اعتقاد دارد، آیا حاضرید برای حل قضیه با هم شرط ببندیم؟ در این شرط هر که برنده شد باید بپذیرد که فتح با او است.

سران فاشیست (هیتلر و موسولینی) با خوشروئی این پیشنهاد را قبول کردند، در آن لحظه هر سه نفر در جلو استخر بزرگ کاخ نشسته بودند.

چرچیل گفت: آن ماهی بزرگ را در استخر می بینید هرکس آن ماهی را تصاحب کند برنده جنگ است، هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید به این سو و آن سوی استخر پرید و شروع به تیر اندازی های پیاپی به ماهی کرد ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و درمانده بر صندلی خود نشست، و به موسولینی گفت حالا نوبت تو است.

موسولینی لخت شد به استخر پرید، ساعتی تلاش و تفلأ کرد، او نیز بی نتیجه و درمانده بیرون آمد و بر صندلی خود نشست.

همین که نوبت به چرچیل رسید، صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی به دست گرفت، در حالی که با تبسم سیگار برگ خود را دود می کرد شروع به خالی کردن آن استخر نمود.

رهبر آلمان و ایتالیا که می خواستند ببینند نخست وزیر سالخورده و چاق و سنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیک جهت صید ماهی پیش خواهد گرفت، وقتی او را در چنین وضعی دیدند با تعجب پرسیدند: چه می کنی؟

چرچیل گفت: من عجله برای شکست ندارم با حوصله، این روش مطمئن خود را ادامه می دهم، سرانجام پس از تمام شدن آب استخر، بی آنکه صدمه ای به ماهی بخورد صید از من خواهد بود!

این واقعه عجیب گرچه از بیگانگان است ولی می توان از آن این درس را آموخت که: برای وصول به هدف - آنهم هدف بزرگ - نباید عجله کرد و سطحی به پیش رفت، بلکه باید برنامه ریزی عمیق و

اطمینان بخش هرچند دراز مدت و در عین حال با کمترین ضایعات کار را ادامه داد، و این کار نیاز به طرح‌های بسیار استوار و محکم خواهد داشت. البته تحقق یک چنین امر مهمی نیاز به طول زمان دارد، از این رو خداوند متعال به حضرت مهدی (عج) طول عمر عنایت فرموده است (دقت کنید) تا آمادگی در مردم جهان پیدا شود!^۱

۵- اخلاص

برای پیشروی و دست یازی به مقدمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد امور، و پیمودن پلّه‌ها و پشت سرگذشتن موانع مانند «اخلاص» نیست، اخلاص، در کارها روح و نشاط می‌بخشد، و به طور اتوماتیک بدون دردسر، چرخهای عظیم موتورهای انقلاب را به حرکت در می‌آورد، اخلاص انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن بدون منت که همان انتظار ظهور است سوق می‌دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است، شیطان و هوسهای نفسانی که ضررها و ضربات سختی بر رشد انسانها وارد می‌آورند از افراد مخلص دورند.^۲

آزاد اندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می‌آید، توکل به

۱- البته ناگفته نماند که امپریالیستها این برنامه‌های دراز مدت را به عنوان تاکتیکهای موزیانه خود در جهت منافع استعماری خودشان به کار می‌گیرند، مثلاً سالها قبل، يك فرد وجیه المله را در درون کشور تحت استعمار خود، به عنوان اینکه همصدا و همفکر با ملت است بطور سرّی نگه می‌دارند تا در آینده اگر سنگی به کاسه خورد، آن مهرة به ظاهر ملی را روی کار بیاورند تا بتوانند به وسیله او استعمارگری خود را ادامه دهند.

۲- سوره ص، آیه ۸۱.

خدا و اعتماد به نفس، و عزت و شرافت که هر یک عاملی برای دستیابی به مقدمات ظهور حضرت بقیه الله (عج) است در پرتو اخلاص، جان می گیرند و تحقق می یابند.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: هر بنده ای چهل روز در راه خدا مخلصانه قدم برداشت خداوند درد و درمان را به او نشان می دهد و ریشه های حکمت و دانش را در دلش استوار می نماید و زبانش را به آن گویا می سازد.^۱

امام صادق (علیه السلام) در سخنی فرمود:

إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامِ الْأَرْضِ وَ سُبَاعِهَا وَ طَيْرِ السَّمَاءِ.

«هرگاه مؤمنی کارها را تنها برای خدا انجام دهد، خدا همه چیز حتی جنبندهگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را از او می ترساند.»^۲
بنابر این در این برنامه ریزی باید اخلاص در کارها سرلوحه برنامه ها قرار گیرد.

۶- تخصص و تعهد:

تخصص و تعهد و به عبارت دیگر علم و ایمان، و توسعه دادن به این دو در همه ابعاد زندگی، بهترین زمینه ساز برای فراهم شدن ظهور امام زمان (عج) است، و این دو همچون دو بال پرنده اند که آن پرنده با آن دو بال به پرواز در می آید، اگر هیچیک از این دو نباشد،

۱- بحار، جلد ۷۰، صفحه ۲۴۳ و ۲۴۸.

۲- بحار، جلد ۷۰، صفحه ۲۴۳ و ۲۴۸.

پروازی نیست و اگر یکی باشد و دیگری نباشد باز نتیجه بخش نیست چراکه با یک بال نمی‌توان پرواز کرد.

تخصص بدون تعهد، مثالش در این شعر مثنوی مولوی آمده:
تسیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم، ناکس را بدست
تعهد بدون تخصص نیز در بسیاری اوقات بجای پیشرفت بر
مشکلات کار می‌افزاید و احیاناً خسارت جبران ناپذیری بر انسان
وارد می‌سازد و مثالش همچون ماشینی است که بدون چراغ در
بیابان هولناک و پرفراز و نشیبی حرکت می‌کند، که جز سقوط و
سرگردانی نتیجه‌ای ندارد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَتْ مَأْتِلُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُهُ.

«کسی که بدون علم و دانش کاری انجام می‌دهد، ضرر و زیان آن بیش از

نفع آن است.»^۱

از سخنان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است که فرمود: کمر مرا

دو گروه شکستند:

۱- دانشمندان منحرف.

۲- مردم نادان.^۲

قرآن مجید در یک آیه پیشروی و پیمودن درجات عالی و

پیروزی را در سایه تخصص و تعهد (علم و ایمان) هر دو دانسته و

می‌فرماید:

۱- مشکوة الانوار، صفحه ۱۳۵.

۲- مشکوة الانوار، صفحه ۱۳۵.

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ:

«خداوند از شما، آنان را که ایمان آوردند و تحصیل علم و دانش کردند چندین درجه بر دیگران برتری می بخشد.»^۱

باتوجه به اینکه علم و شناخت، انسان را به عوامل رشد و ترقی و دستورات حیاتبخش و سازنده مکتب حرکت آفرین و غنی اسلام آگاه می سازد، و تعهد و ایمان، آن عوامل را اجراء می نماید.

۷- مانع شناسی

اکثراً عوامل حرکت فراهم می شوند، ولی موانع سر راه، چرخهای آن عوامل را از حرکت باز می دارد، باید موانع را بشناسیم تا آنها را از سر راه برداریم، مثلاً انحطاط مذهبی و اخلاقی، عدم استفاده از علوم گوناگون و غفلت از وضع زمان، اختلاف و تفرق، کارهای اساسی و اصلی را فدای امور جزئی و فرعی کردن، مقدم داشتن منافع شخصی بر منافع عمومی و... از موانع سر راه است، حتماً به این جهت نیز باید در برنامه ریزی توجه گردد، همه پیامبران و اولیاء خدا (علیهم السلام) آرزو داشتند که به هدف برسند ولی موانع سر راه مانع وصول آنها به هدف عالیشان شد، شاید یک فلسفه اینکه خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را طولانی کرده این باشد که در این مدت موانع شناخته گردند و از سر راه برداشته شوند.

بر همین اساس است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ وَلَا تَزِيدُ سُرْعَةَ الْإِبْعَادِ.
«عمل و حرکت بدون بصیرت و شناخت مانند حرکت در غیر راه اصلی
است و سرعت در این راه جز دوری بیشتر از هدف، نتیجه دیگری ندارد.»^۱

۸- هشیاری و هوشمندی:

یک فرد با ایمان باید «کیس» و هوشیار باشد و بجای دو چشم، با چهار چشم اطراف خود را ببیند و کاملاً مراقب باشد، که از ناحیه دشمن غافلگیر نگردد، و به طور خلاصه مؤمن در این دنیا باید خود را همواره در جبهه مقدم جنگ با دشمن ببیند و مواظب باشد که اگر دشمن از در رفت، از پنجره وارد نشود، اگر در جبهه نظامی شکست خورد در جبهه اقتصادی پیروز نشود و...

به عنوان مثال: حکومت عثمانی یک حکومت مقتدر اسلامی بود، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نبود ولی بر اثر عدم هشیاری و بخاطر غفلت و غوطه‌ور شدن در امور گذرا و مادی، آنچنان غافلگیر شد که با یک پیش آمد یعنی جنگ جهانی دوم از هم پاشید و به چندین قسمت تجزیه شد و در نتیجه در مارس ۱۹۲۵ میلادی اسلام به معنی یک قدرت آشکار سیاسی و اجتماعی و کانون مشتعل از اندیشه‌ها و احساسهای نو و نیرومند زائیده از صحنه حوادث جهان رخت بر بست و از میدانهای گرم کار و پیکار به گوشه سرد و آرام خزید و رفته رفته راه سقوط و تفرق را پیش گرفته، نه تنها در جبهه نظامی و سیاسی شکست خورد بلکه اسلام جوشان

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۸، صفحه ۱۴.

و خروشان و حرکتزا و جنبش آفرین در میانشان به اسلام فرسوده و بی روح درآمد، دشمنان از فرصت استفاده کرده و به پیش تاختند.^۱

در این راه باید از عوامل بازدارنده و غافل کننده مانند سُنَّت گرائی و گذشته نگری غلط، شخصیت گرائی، پیشداوری و گم بودن، عجب و خودبینی، پیروی از هوس های نفسانی، تکیه بر حدس و گمان، وابستگی ها و... به شدت پرهیز کرد.

این مطلب مهم را رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در یک عبارت کوتاهی فرموده است:

وَكَوْلَا كَثِيرًا كَلَامِكُمْ وَ تَمْرِيجٍ فِي قُلُوبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا آزَى وَ سَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ.
«اگر زیاده روی در سخن شما (شعار تو خالی)، و هرزه چرانی در دل شما (پرکردن ذهن از امور واهی) نبود هرچه من می بینم شما هم می دیدید و هرچه من می شنوم شما هم می شنیدید.»^۲

۹- دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث:

در اینجا با توجه به مطالب یاد شده درباره امکانات مسلمانان فعلی دنیا به طور فشرده، سخنی به میان می آوریم که اگر برآستی این امکانات برای یک برنامه ریزی جامع و حساب شده در جهت اجرای اسلام که زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (عج) است بکار گرفته می شد چقدر مثمر ثمر و نتیجه بخش بود!

۱- شرح، در داستان باستان، ص ۳۹ تا ۱۰۵.

۲- المیزان، جلد ۵، صفحه ۲۹۲.

امکانات مسلمانان را از چند نظر می‌توان بررسی کرد:

الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد:

امروز حدود یک میلیارد نفر مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند و یک چهارم جمعیت کره زمین را تشکیل می‌دهند و حدود ۴۷ کشور مستقل دارند، و در بسیاری از کشورها هم دارای نیروی عظیم می‌باشند، مثلاً هندوستان یک کشور اسلامی نیست ولی دارای ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان است و در شوروی ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان وجود دارد و در سایر کشورها نیز تعدادشان بسیار زیاد است. اگر اینها متحد شوند، هیچ قدرتی در دنیا بدون جلب رضای اینها نمی‌تواند حاکم باشد، با توجه به اینکه اگر نفوس یک میلیارد مسلمان بوسیله عقیده به اسلام، مرتبط گردد چه قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد.

و با توجه به اینکه در دنیای امروز قدرتهائی که وجود دارد، یکی از آن قدرتها مارکسیست است که در کشورهای مارکسیستی هستند، که به زحمت جمعیتشان به ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ می‌رسند، اگر تحت این عنوان با هم متحد شوند، چه می‌توانند بکنند، با اینکه بین آنها نیز تفرقه شدید است، کمونیستهای چین، کمونیستهای شوروی را تکفیر می‌کنند و به عکس....

یکی از قدرتها، قدرت مسیحیت است، می‌گویند در دنیا بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مسیحی وجود دارد، اما مسیحی‌ها هم با هم اختلاف شدید دارند، نیروی عظیم پروتستان، اصلاً کاتولیکها را

قبول ندارند، به علاوه مکتبشان یک مکتب زاینده و حرکت بخش نیست، یهودیها در دنیا به ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ یا ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر می باشند که از تفرقه شدیدی برخوردارند.

بودائیهها زیاد هستند، ولی یک تیپ خاصی می باشند و داعیه اجتماعی و سیاسی ندارند، سیکها نیز چیزی نیستند، تنها قدرت عظیمی که تحت پوشش آئین حرکت آفرین اسلام بی بدیل و رقیب می ماند، مسلمانان هستند، اگر اینها یک جریان خوب اجتماعی برای خود درست کنند، از ساخت حساسترین اسلحه های اتمی و فضانوردها تا ساخت سوزن سنجاق برای خودشان امکان متخصص داشتن و تکنیک را ساختن وجود دارد....

بسیاری از همین مغزهای اسلامی، مراکز صنعتی اروپا و آمریکا را می گردانند، به آنجا رفته اند و مانده اند و فسیل شده اند.

و در مجامع بین المللی، مسلمانان ۴۵ - ۴۶ رأی مستقل دارند، که اگر هر نفرشان بتوانند یک رأی از کشورهای دیگر را به دست آوردند دارای ۹۰ رأی خواهند شد هیچ بلوکی در دنیا نیست که آنهمه رأی داشته باشد.

قدرتهای غیر اسلامی، به عنوان یک قدرت نیرومند وجه مشترکی ندارند که آنها را به هم پیوند دهد، ولی اسلام با عنوان «حَبْلُ اللَّهِ» (رابط دینی خدا) همه را به هم پیوند می دهد، و از قطرات باران سیل بنیان کن جاری می سازد.

ب - امکانات جغرافیایی دنیای اسلام:

اسلام دارای امکانات جغرافیایی عظیمی است که با هیچ قدرتی

در دنیا قابل مقایسه نمی‌باشد، خلیج فارس و تنگه هرمز، دو طرفش در دست مسلمانان است، دو طرف کانال سوئز، در دست مسلمانان است، یکطرف جبل الطارق در دست مسلمانان است، عبور از اقیانوس هند بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست، اقیانوسیّه در دست مسلمانان است، و در جنوب آفریقا مهمترین خط کشتیرانی دنیا وجود دارد.

اگر مسلمانان مایل نباشند، عبور در آن ممکن نیست، یکطرف دریای استراتژیکی مدیترانه در دست مسلمانان است، تنگه دارانل و بسفور هم در دست مسلمانان است و....

ج - امکانات اقتصادی دنیای اسلام:

وضع اقتصادی مسلمانان در حدی است که تنها در اوپک حداقل ۴۰٪ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تأمین می‌شود، و اگر این امر نباشد دنیا خاموش می‌گردد، قاره آفریقا (که ۷۰٪ آن مسلمانان هستند) انبار باروت اروپاست، اگر این انبار را ببندند اروپا خفه می‌شود و نمی‌تواند ادامه زندگی دهد.

مثلاً ژاپن یکپارچه به دنیای اسلام وابسته است و اگر دوماه رابطه‌اش را با دنیای اسلام قطع کند به یک جزیره سرد و خاموش تبدیل می‌شود.^۱

کوتاه سخن اینکه: دنیای اسلام بدون نیاز اقتصادی به دنیاهای دیگر می‌تواند ادامه زندگی دهد اما دنیاهای دیگر بدون نیاز به دنیای اسلام نمی‌توانند ادامه زندگی دهند.

ما با سران حکومت‌های اسلامی که خود را فروخته‌اند حرفی نداریم، با ملت‌های مسلمان حرف می‌زنیم، اگر برآستی آنها با نهضت خود و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و آنهمه امکانات را برای تحقق آرمان اسلامی به کار گیرند و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و برنامه ریزی‌های دقیق در جهت حکومت جهانی تحت رهبری یک مصلح عادل و عالم حرکت کنند، آن وقت است که دنیا آماده ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد شد و همه آن چیزهایی که ناممکن تصور می‌کردیم، ممکن می‌شود و تحقق می‌یابد.

به امید یک چنین تحول عظیم و به کارگیری امکانات دنیای اسلام تحت فرماندهی اسلام.

فصل پنجم

ویژگیهای یاران مهدی (علیه السلام)

مقدمه:

بر هیچکس پوشیده نیست که برای پیروزی انقلاب و شکست و نابودی حکومتهای جور و ستم نیاز به عوامل بسیاری است، که در رأس آنها حضور در صحنه و حمایت و تلاش خستگی ناپذیر، و آگاهی و تحمل رنجها و امید به آینده درخشان است و به عبارت دیگر یاران حضرت مهدی (عج) دارای این ویژگیها هستند.

ما وقتی که زندگی و مراحل دعوت پیامبران (علیهم السلام) را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم هرکجا آنها حامی و یاور داشتند و این حامیان و یاوران به طور آگاهانه و قاطع در صحنه بودند و با امید و توکل به خدا به پیش می‌رفتند، پیامبرشان - هرچند در بخشی از اهدافش - به پیروزی می‌رسید و در غیر این صورت شکست ظاهری نصیبش می‌شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چندین مسئله مبهم را در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) روشن و ثابت کرد، از جمله اینکه در شرائط فعلی دنیا هرچند غرق در گناه و فساد باشد، انقلاب و دگرگونی، نه تنها ممکن بلکه عملی است و دیگر اینکه باید دنبال کار را گرفت و امید به آینده داشت، از همه روشنتر اینکه باید حمایت و بسیج همه جانبه شود و با وحدت و تجمع یاران مخصوص، به این کار بزرگ یعنی آماده کردن جهان برای ظهور حضرت قائم (عج) دست زد.

با توجه به اینکه بهترین حکومت آن است که به طور طبیعی و خودجوش روی کار آید نه به طور تحمیلی و زور، آنانکه می گویند حکومت حضرت مهدی (عج) بدون معجزه امکان پذیر نیست گویا به این اشکال توجه ندارند که اگر بنا بر معجزه و اجبار - هرچند اجبار فکری - باشد آن حالت زیبای طبیعی و خودجوش خود را از دست می دهد و یک نوع حکومت تحمیلی می گردد.

البته ما منکر امدادهای غیبی نیستیم، وقتی مردانی با اخلاص و صداقت به پیش رفتند خداوند هم آنها را یاری می کند و به اهدافشان می رساند.^۱

بنابر این همان گونه که در بسیاری از روایات آمده^۲ حکومت حضرت مهدی (عج) همچون حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) است - منتها در سطح وسیعتر و عمیقتر - همانگونه که یاران

۱- إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ (محمد - ۷).

۲- بحار، جلد ۵۲، طبع جدید، صفحه ۳۵۲ (بصنع کما صنع رسول...).

آگاه و با استقامت آنحضرت در صدر اسلام شیران روز و پارسایان شب بودند و نقش مؤثر و مهم در تشکیل حکومت اسلامی را ایفاء کردند، حکومت حضرت حجت (عج) نیز از این قانون مستثنی نیست، و چنانکه در جای خود مشروحاً بیان شده معنای واقعی «انتظار» نیز آمادگی یاران و بسیج همه جانبه آنها در سطح وسیع مناسب با حکومت جهانی است.

ویژگیهای یاران آنحضرت در قرآن:

در قرآن این کتاب انسانساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه حضرت مهدی (عج) یک آیه است که بسیار امیدبخش و سازنده است، این آیه در حقیقت بیانگر حقائق و واقعیهائی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعقیب گردد، موانع سر راه را برمی دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد.

در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

«ای مؤمنان هرکس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱- هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

۲- در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.

۳- در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.

۴- به طور پی گیر در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.
۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.

این فضل خدا است که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.^۱

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده از جمله اینکه: این آیه در مورد یاران حضرت مهدی (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت، در مقابل مرتدین و کارشکنان می ایستند، و برای برقراری حکومت عدل امام قائم (عج) و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می کنند.^۲

و در عبارتی امام صادق (علیه السلام) فرمود: صاحب این امر (حضرت مهدی «عج») در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است.^۳

ویژگی اول:

به عشق آن یاران به خدا اشاره می کند، آنها که جز به خدا نمی اندیشند، در حدی که خداوند نیز آنها را دوست دارد، روشن است که چنین روحیه ای که در پرتو ایمان و توکل بدست می آید، بزرگترین عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجاز آمیز و شگفت انگیز است.

۱- یا ایها الدین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف...

۲- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۷ - مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.

۳- تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه ۴۹۷.

ویژگی دوم:

به پیوند اخلاقی و وحدت و یکپارچگی با مؤمنان اشاره می‌کند که نقش آن در پیشبرد کار بسیار مهم و چشمگیر است.

ویژگی سوم:

حاکمی از سازش ناپذیری مؤمنان در برابر کافران، و نه شرقی بودن و نه غربی بودن آنها است، که در پرتو آن هرگونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می‌گردد....

ویژگی چهارم:

جهاد و مبارزه پی‌گیر با کفار و دشمنان اسلام است.

بالاخره ویژگی پنجم:

که بسیار مهم است، قاطعیت و پایداری مؤمنان را بیان می‌کند که روح محافظه‌کاری و مجامله در آنها نیست، از عوامزدگی و محیط‌زدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آنها نمی‌هراسند، و با گامهای استوار در صراط مستقیم حرکت می‌کنند و یاوه‌های چپ و راست در حرکت آنها اثر ندارد.

و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده‌ای وجیه المله، آنها را سست و نگران نمی‌کند، آنها شرائط سخت حاضر را معیار قرار نمی‌دهند امید به آینده دارند، چراکه

خود آینده سازند و کمبودها آنها را سست و لرزان نمی‌کند.
در میان این ویژگیها هرچند همه در جای خود از اهمیت بسیار برخوردارند ولی این ویژگی پنجم از همه مهمتر به نظر می‌رسد.
ابوذر غفاری، آن مرد نستوه و قاطع را در تاریخ با این لقب: لَا يَخَافُ
فِي اللَّهِ كَوْمَةَ لَأِيْمٍ می‌خوانند، و خود می‌گوید: پیامبر خدا (صلی الله علیه
وآله) به من سفارش کرد که در راه خدا از یاوه سرائی، یاوه سرایان و
سرزنش سرزنش کنندگان نهراسم.^۱

وقتی که حجر بن عدی آن بزرگمرد، خدا با یارانش به فرمان
معاویه به شهادت رسیدند، امام حسین (علیه السلام) بزرگترین چهره
انقلابی تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه
بخصوص این ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت:

تو کسانی را کشته‌ای که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند،
گناه را بزرگ می‌شمردند وَلَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ كَوْمَةَ لَأِيْمٍ: «و در راه خدا از
ملامت، ملامت کننده‌گان نمی‌هراسیدند.»^۲

بسیاری هستند از یاوه سرائیهای رسانه‌های همگانی شرق و
غرب تحت تأثیر قرار می‌گیرند و خود را می‌بازند، ولی اگر دارای
این ویژگی بودند، هیچگونه تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند بلکه بیشتر
به راه خود ادامه می‌دهند.

پیشگویی پیامبر (صلی الله علیه وآله) از یاران اسلام در ایران:

۱- نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.

۲- نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.

در روایتی می خوانیم وقتی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد آیه مذکور سؤال می کنند پیامبر (صلی الله علیه وآله) دست خود را بر شانه سلمان (ره) زد و فرمود: «منظور از این یاران، هموطنان این شخص هستند». سپس فرمود:

لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ الْفَارِسِ.

«اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت.»^۱

اگر کوششهای پی گیر و نتیجه بخش ایرانیان را در طول تاریخ اسلام بررسی کنیم، بخصوص در قرن معاصر، و پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم (عج) به خوبی به حقانیت این پیشگوئی پی می بریم، بعلاوه این پیشگوئی اعجاز آمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن مردم جهان به سوی حکومت مهدی (عج) نقش مؤثر و اساسی دارند، و چنانکه از نشانه هایش پیداست، نسبت به آینده امیدبخش است.^۲

به هر حال همانگونه که در آخر آیه مذکور می خوانیم باید امید به فضل و لطف خدا داشت، فضل و رحمت خدا وسیع است، و حتماً شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد.

۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲ - در بعضی از روایات بجای دین «علم» آمده است (حلیه ابو نعیم اصفهانی، جلد ۶، صفحه ۶۴) - شرح بیشتر این مطلب را در کتاب «ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و...» تألیف نگارنده بخوانید.

۲- و طبق بعضی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان (عج) از عجم هستند. (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۲)

به این ترتیب نتیجه می‌گیریم که طرفداران جدی تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت قائم (عج) باید با کسب ویژگی‌هایی که در تفسیر آیه مذکور شد، در هر جا ستاد مقاومت و تلاش تشکیل دهند و بدانند که با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود حتماً خواهند رسید.

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و بطور ملموس موضوع را ترسیم می‌کنیم:

از شما می‌پرسم برآستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قرارداد اسلام تحت رهنمودهای پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و آتش، تحت نظر مردان صالح و آگاه خود همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم‌کم آنرا توسعه داده و به تهذیب و تکمیل آن پردازند چقدر به حکومت جهانی امام قائم (عج) نزدیک خواهند شد؟ امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه‌های عینی و ملموس، دنبال کار را بگیرد که مسلماً به نتیجه خواهد رسید.

تحلیل سخنی از امام سجاد (علیه السلام):

امام سجاد (علیه السلام) درباره منتظران و یاران حضرت مهدی (عج) به یکی از دوستانش بنام ابو‌خالد (ره) چنین فرمود:

مردمی که در زمان غیبت امام زمان (عج) به سر می‌برند و معتقد به امامت و رهبری آنحضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند، از مردم هر زمانی برترند، چراکه خداوند آنها را آنچنان از عقل و

فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان (عج) برای آنان همچون ظهور آنحضرت است، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند.^۱

در این روایت مردم منتظر ظهور امام زمان (عج) در زمان غیبت به عنوان «برترین مردم» همه زمانها خوانده شده اند و در پایان به عنوان «انسانهای خالص و شیعیان راستین» لقب گرفته اند به خاطر سه ویژگی: نخست: به خاطر آگاهی و شناخت به گونه ای که غیبت امام زمان (عج) را همچون حضور او دانسته و تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست به انتظار می نشینیم تا امام زمان (عج) ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

دوم: به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که در پیشاپیش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با دشمن می جنگیدند، بی تفاوت نیستند و تا آخرین حد توان در صحنه نبرد حضور دارند.

۱- قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ عَيَّبَتْهُ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُتَنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيِّبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الشَّاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتَنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةَ إِلَى اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا (كمال الدین و تمام النعمه، صفحه ۳۲۰).

سوّم: به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می خوانند:

اولاً دعوتشان به سوی خداست نه به سوی شرق و غرب، ثانیاً همواره آشکار و نهان کارشان هدایت و روشنگری است تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه و ویژگیهای یاران امام زمان (عج) را می شناسیم و در یک جمع بندی کوتاه چنین نتیجه می گیریم که اگر هواداران امام زمان (عج) دارای چنین ویژگیهایی باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم (عج) نزدیک می شود و قدمهای بزرگ و مؤثری برای ظهور آنحضرت برداشته خواهد شد.

حرکت انقلابی نه گام به گام:

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی (عج) باید مورد توجه قرار گیرد این که از روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) کاملاً استفاده می شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی (عج) پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی و اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی (عج) باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخوردار ننمود. اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجه فرمائید:

۱- پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: مردمی از مشرق زمین پیاخیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عج) شوند.^۱
تعبیر «خروج» که در فارسی معادل؛ نهضت و شورش و انقلاب است دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی (عج) است نه حرکت گام به گام.

ضمناً از این روایت استفاده می شود، یاران زمینه ساز برقراری حکومت مهدی (عج) در مشرق زمین هستند.

۲- شخصی از امام باقر (علیه السلام) پرسید: مردم گویند وقتی که حضرت مهدی (عج) قیام کرد کارها به طور طبیعی به پیش می رود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نمی شود؟

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند چنین نیست اگر چنین چیزی ممکن بود در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) صورت می گرفت، در صورتی که به دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پیشانی شکست، به خدا سوگند نهضت امام قائم (عج) تمام نمی شود مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خونها ریخته شود، پس دست به پیشانی مبارکش مالید.^۲

۳- امام باقر (علیه السلام) در ضمن گفتاری فرمود: وقتی قائم ما (عج) قیام کرد هر یک از شما به اندازه قوت چهل مرد نیرو پیدا می کند، و دلهای شما همچون پاره های آهن می شود که اگر به کوهها بزنند آنها را می شکافند...^۳

۱- يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قِيَاطُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ (کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶).

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۸.

۳- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۵ - نظیر این روایت - با کمی تفاوت از امام سجّاد (ع) نقل شده

۴- نیز فرمود: قیام حضرت مهدی (عج) از این جهت شباهت به لشکر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و گمراه کنندگان را به قتل می رساند و با شمشیر و ترساندن، پیروز می گردد، آنچنان پیروزی که هیچ پرچمی از او شکسته نمی شود.

روشن است که کلمه شمشیر، کنایه از جنگ با اسلحه است.

۵- روایاتی که درباره ویژگیهای منتظرین حضرت مهدی (عج) آمده نیز مطلب فوق را تأیید می کنند که در بسیاری از این روایات آمده: منتظرین همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می سازند.^۱

ضمناً لقب (قائم «عج») (قیام کننده) برای حضرت مهدی (عج) و اوصافی که در مورد او آمده مانند اینکه: حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: قائم «عج» در سن پیران ولی به صورت جوانان ظاهر می شود، بقدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند آنرا از ریشه می کند و اگر در میان کوهها فریاد بزند سنگهای سخت آن متلاشی می گردند.^۲

۶- در بعضی تعبیرات ائمه (علیه السلام) آمده:

که فرمود: اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العامة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوة الرجل منهم قوة اربعين رجلا و يكونون حکام الارض و سنامها...

«وقتی که قائم ما قیام کند خداوند متعال، پیروان ما را از آفات حفظ کند و قلب آنانرا همچون پاره آهن محکم سازد، و نیروی هر مردی از آنها را به اندازه نیروی چهل مرد کند، و آنها حاکمان و سران مردم روی زمین خواهند بود (بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۷).

۱- بحار، طبع قدیم، جلد ۱۳.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۴۱۹.

وَلَوْ مَرُّوا بِالْجِبَالِ مِنْ حَدِيدٍ لَيُخَطِّئُوها لَأَيَّكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: یعنی: «اگر این یاران به کوههایی از آهن عبور کنند، اسلحه‌هایشان همواره در کار است تا خداوند راضی شود.»^۱

اینها همه حاکی است که قیام مهدی (عج) یک حرکت عمیق انقلابی در کل جهان است و باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر ارتش عمومی و مجهز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه‌ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتواند او را به عنوان سرباز امام زمان (عج) خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجه کنید:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: (همراه ظهور قائم عج) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (وبه حضرت مهدی «عج» می‌پیوندند) ۱۵ نفر آنها از قوم موسی (علیه السلام) هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و حاکم به حق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف‌اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون (ره)، سلیمان (علیه السلام)، ابودجانة انصاری (ره)، مقداد (ره) و مالک اشتر (ره) اینها در خدمت امام زمان (عج) به عنوان یاران و فرماندهان آنحضرت به شمار می‌آیند.^۲

با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی (علیه السلام) که همه جا حامی موسی (علیه السلام) بودند و تسلیم

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲- ارشاد مفید، ص ۳۹۹ - اعلام الوری، ص ۴۳۲.

دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی (علیه السلام) خارج نشوند، چنانکه در قرآن (آیه ۵۹ سوره اعراف) اشاره‌ای به این گروه صالح و در خط حق و عدالت شده است، همان پانزده نفر مذکور در روایت فوق می‌باشد.

و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیت‌های یوشع بن نون (وصی حضرت موسی «عج») در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودجانه انصاری (ره) و مقداد (ره) و مالک اشتر (ره)، درمی‌یابیم که یاران راستین حضرت مهدی (عج) باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان (علیه السلام) و یاران دیگر:

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجه کنید:

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر:

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان (عج) نوشته شده که هنگام ظهور آنحضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (علیه السلام) هستند، اکنون بجاست که در این کتاب درباره این افراد خاص یک بررسی فشرده ای بکنیم برای روشن شدن مطلب نخست صحت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده سپس ویژگیهای این یاران را بیان می کنیم.

به طوریکه در کتب مربوطه مانند بحارالانوار (ط - قدیم، جلد ۱۳، و نیز چاپ جدید جلد ۵۲)، اثبات الهداة، جلد ۷، و منتخب الاثر و... آمده، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت قائم (عج)

به آنحضرت هنگام ظهور در مکه، «متواتر» است، یعنی به اندازه‌ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می‌کند که این حدیث صحیح است، و از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده است.

بنابر این نباید شکمی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین (علیهم‌السلام) نمود.

توضیح بیشتر اینکه: این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده و در مجموع به اصطلاح، تواتر معنوی بر صحت صدور آن از معصومین (علیهم‌السلام) داریم، اکنون با توضیحات کوتاه، ویژگیهای این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم (عج) را در امور ده‌گانه زیر بررسی می‌کنیم:

۱- امام در انتظار آنها بسر می‌برد:

هنگام ظهور امام قائم (عج) آنحضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه (کانون و مرکز توحید) کند و صدای دل‌آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی بنام «ذی طوی»^۱ در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می‌کند، تا اینکه آنها می‌آیند و به آنحضرت می‌پیوندند...^۲ و از آنجا همراه امام به کنار کعبه می‌روند...^۳

۱- ذی طوی در حدود يك فرسخی مکه در راه تنعیم قرار گرفته است (مجمع البحرین مادة طوی).

۲- این حدیث از امام باقر (ع) نقل شده (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷).

۳- اثبات‌الهدایة، جلد ۷، ص ۹۲.

۲- آنها از اطراف جهان جمع می‌شوند:

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه‌ها جمع شده و به امام قائم (عج) می‌پیوندند چنانکه در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) بیان شده:

يَجْمَعُ اللَّهُ مِنْ أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثَمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا:

«خداوند جمع می‌کند برای حضرت قائم (عج) از دورترین شهرها و کشورها افرادی به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ نفر مرد را.»^۱

۳- آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند:

هنگام ظهور نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین (علیه السلام) با امام قائم (عج) بیعت می‌کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند، چنانکه این مطلب را امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود.^۲

البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان (عج) ۳۱۳ نفرند، وگرنه به طور سریع بر یاران آنحضرت افزوده می‌شود به طوری که در همان آغاز به ۱۰/۰۰۰ نفر می‌رسند، چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَا يَخْرُجُ الْإِنْفِي أَوْلِيهِ قَوْمٌ وَمَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ - به همین مضمون در کتاب اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۷۶، نقل شده با این بیان که حضرت قائم (عج) کنار در حرم می‌ایستد و با فریاد، یارانش را می‌طلبد، خداوند در يك شب ۳۱۳ نفر یارانش را از دورترین نقاط زمین در آنجا به گرد هم می‌آورد.

۲- بحار، ج ۲، ص ۳۱۷ - أَوْلُ مَنْ بَايَعَ جِبْرِئِيلُ ثُمَّ ثَلَاثَمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا.

«امام زمان (عج) خروج و ظهور نمی‌کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ۱۰/۰۰۰ نفر نیستند.»^۱

۴- آنها جانبازان سلحشورند:

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان قائم (عج) جمع می‌شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه و جانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می‌دهند، چنانکه این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجّاد (علیه السلام) نقل شده است.^۲

۵- آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند:

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده‌اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشمنان چنین شکستی از اسلام نخورده بودند، و اصلاً تصور چنین شکستی را نمی‌کردند.

به علاوه، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می‌باشند، این ویژگیها حکایت از آن می‌کند

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳ - بحار، ط جدید، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲- بحار، ط جدید، جلد ۵۲، صفحه ۳۰۶.

که این افراد علاوه بر سلحشوری و شجاعت، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه‌ها را دارند و شایستگی آنها دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت: هنگام برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد، و در هر یک از این ایالتها و استانها از این مردان بزرگ رهبر آنجا گردند، اینک به اصل روایت توجه کنید:

عَنْ الصَّادِقِ (ع) وَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةً وَثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ الْبَدْرِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ...

: «امام صادق (علیه السلام) فرمود: گویا امام قائم (عج) را بر بالای منبر کوفه می‌نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد به تعداد جنگاوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته‌اند، این یاران پرچمداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند.»^۱

۶- آنها امت معدوده و همچون پاره‌های ابرهای متراکم هستند.

در قرآن می‌خوانیم: هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند.^۲

در تفسیر این آیه، امام باقر (علیه السلام) فرمود:

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۴۳۶.

۲- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ، الثَّلَاثِمِائَةَ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَاللَّهِ هُمْ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُرْعٌ كَقُرْعِ الْخَرِيفِ.

«منظور یاران قائم (عج) اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد!»

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می گوید: خدائی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند به آسانی می تواند یاران مهدی (عج) را در یک روز و یک ساعت برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب به منظور تأسیس حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع نماید.

تعبیر «أُمَّةٌ مَعْدُودَةٌ» و همچنین به پاره های ابر پائیزی که توده های آن جمع و متراکم می گردند، حاکی است که این ۳۱۳ نفر خود یک «أُمَّة» هستند و همچون توده های ابرهای متراکم، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می باشند.

۷- آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند:

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود (علیه السلام) که در آن آمده حضرت لوط (علیه السلام) به قوم سرکش و تبهکار خود

۱- نوالثقلین، جلد ۱، صفحه ۱۳۹، به نقل از روضة کافی و اثبات الهداة، جلد ۷، ص ۵۰ - بحار جلد، ۵۲، صفحه ۳۴۲.

گفت:

لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ: یعنی «(افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می‌دانستم که با شما پست فطرتان چه کنم)».

فرمود: منظور از «قوة» همان قائم «عج» است و منظور از «رکن شدید» (پشتیبان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند.^۱

آری حضرت لوط (علیه السلام) آرزو می‌کند که ای کاش مردانی مصمم، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم پیمانهای نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را تشکیل می‌دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

و طبق روایتی می‌خوانیم آنها همچون پاره‌های آهن «محکم و استوار» هستند.^۲

۸- چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر

امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران مخصوص «مُفَضَّلُ» (ره) فرمود:

وقتی که امام قائم (عج) از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره‌های

۱- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۸ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۰۰.

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۳.

ابر پائیزی به سوی او می شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می شوند که بر روی ابر حرکت می کنند - تا آنجا که فرمود:

این آیه «هرکجا باشید خداوند همه را حاضر می کند» (سوره بقره، آیه ۱۲۸) درباره آنها نازل شده است.^۱

یکی از اصحاب می گوید: در مسجد الحرام در مکه در حضور امام باقر (علیه السلام) بودم آنحضرت دستم را گرفت و فرمود: بزودی خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همین مسجد حاضر کند، مردم مکه می دانند که هنوز پدران و اجداد آنها خلق نشده اند، همراه آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده، سپس به دستور امام (علیه السلام) شخصی اعلام می کند:

این مهدی (عج) همچون داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) قضاوت می کند و گواهی نمی خواهد.^۲

و در ضمن روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که بر شمشیرهای آنها هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن کلید هزار کلمه دیگر است و آنحضرت، باد را در هر دره ای بفرستد که ندا کند: این مهدی (عج) است که قضاوت و حکومتش همچون قضاوت و حکومت داود (علیه السلام) است و گواهی از متخلفین نمی خواهد.^۳

و بالاخره امام باقر (علیه السلام) فرمود: امام قائم (عج) دارای ۳۱۳

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۴.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۰.

۳- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۱.

نفر یاور است که این افراد از نژاد «عجم» هستند، بعضی از آنها در روز بهر روی ابر سوار شده و راه می‌روند، و بنام و پدر و اوصاف و نسب معروفند^۱ و بعضی از آنها در بستر خود خوابیده‌اند و بدون وعده قبلی در مکه به حضور امام قائم (عج) شرفیاب می‌گردند.^۲ این روایات حاکی است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انسانی، افراد شایسته و شخصیت‌های ممتاز و قاطع و دلیر و دارای امکانات وسیع بوده و شایستگی آن را دارند که نخستین دسته گروندگان به آنحضرت باشند، هسته مرکزی حکومت حضرت قائم (عج) و سران ارتش انقلاب جهانی ایشان را تشکیل می‌دهند.

۹- دست خدا بالای سر امام (علیه السلام) و یارانش:

از آنجا که این مردان آزاده براستی به امام قائم (عج) می‌پیوندند تا در راه او هرگونه جانبازی لازم را بنمایند، خداوند نیز یار و یاور آنها است و با نیروهای غیبی آنها را کمک می‌کند.

چنانکه قرآن می‌فرماید:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.

«اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و گامهای شما را

استوار می‌دارد.»^۳

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: گویا صاحب شما (حضرت قائم «عج») را می‌بینم که همراه سیصد و اندی نفر در پشت کوفه به نجف مشرف

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۲ - بحار، ج ۲، ص ۳۷۰ - المجالس السنية، ج ۵، ص ۲۴.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۲.

۳- سوره محمد (ص)، آیه ۷.

شده، جبرئیل (علیه السلام) در طرف راست و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپ و اسرافیل (علیه السلام) در پیش روی او است، پرچم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) را بر افراشته و آن پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان متمایل نکند، مگر اینکه خداوند آنانرا به هلاکت می‌رساند.^۱

نیز در ضمن روایتی رسولخدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: هنگام خروج قائم (عج) منادی خدا از آسمان فریاد می‌زند: ای مردم، مدت ستمگران تمام شد، و کار بدست بهترین امت محمد (صلی الله علیه وآله) افتاد، روانه مکه شوید.^۲

به این ترتیب می‌بینیم دست خدا همراه مهدی (عج) و یارانش است، در این صورت پیروزی آنها حتمی است از طرفی در روایات می‌خوانیم خداوند خروج قائم (عج) را در یک شب سامان می‌بخشد.^۳

به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر (علیه السلام) این انقلاب نیاز به یاران قهرمان و رشید دارد، و باید در این راه خونها ریخته شود و عرقها در بدن جاری گردد.^۴

یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسولخدا را به دست گرفته و اسلحه‌های پیامبر (صلی الله علیه وآله) را با خود حمل می‌کنند، و به پیراهن خونی شده‌ای که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در

۱- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۱۳.

۲- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۱۳.

۳- اثبابة الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۱۴، يَصْلُحُ اللهُ أَمْرَهُ فِي كَلْبَةٍ.

۴- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۸.

جنگ اُحد در تن داشت به تن دارد.^۱

۱۰ - نقش زنان در انقلاب مهدی (عج):

جالب اینکه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده فرمود:

...وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً
يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قُرْعًا كَقُرْعِ الْخَرِيفِ.

«سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می آیند در میانشان ۵۰ نفر زن

هستند، در مکه اجتماع می کنند بی آنکه قبلاً وعده داده باشند آمدنشان همچون

ابره‌ای پائیزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند).^۲

شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر

و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور در

دامان پاک خود می پروراند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان

محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین

خود شهید پرور باشند، آتش انقلاب را شعله‌ور سازند، و در کنار

جبهه‌ها به پانسمان زخمی‌ها بپردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.

در روایات آمده پس از جنگ اُحد بدن حضرت علی (علیه السلام)

پر از زخم شد به طوری که ۶۰ مورد از بدن مولا علی (علیه السلام)

بریدگی سخت پیدا کرد، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دوزن بنام اُمّ

سلیم و ام عطیه (علیهما السلام) را مأمور مداوا و پانسمان زخمهای

بدن مبارک امام علی (علیه السلام) نمود، آنها طبق مأموریت به زخم

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۴۲ - ۳۰۱.

۲- همان مدرک، ص ۲۲۳.

بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند بقدری بدن حضرت علی (علیه السلام) پر از زخم شده که هر زخمی را می‌بندیم در کنارش زخم دیگری شکافته می‌شود.^۱

نیز در روایات آمده ۵۰ نفر از اصحاب (یاران خاص) حضرت قائم (عج) زن هستند.^۲

به این ترتیب: زنان نیز باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می‌توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب امام مهدی (عج) گردند، و در جبهه‌های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعال نمایند، و همچون زینب کبری (علیها السلام) مسئولیتهای سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. (به امید آن روز).

به این حدیث جالب نیز توجه کنید:

مفضل (ره) گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: همراه مهدی (عج) سیزده زن هست.

عرض کردم این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج) هستند؟ فرمود: اینها مجروحان را مداوا می‌کنند و از بیماران جنگی پرستاری می‌نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) همراه آنحضرت در جنگها این کارها را به عهده می‌گرفتند.^۳

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبة البیان منسوب به امام علی

۱- المیزان، جلد ۴، صفحه ۶۹، به نقل از اصول کافی.

۲- وَیُرْوَى أَنَّ خَمْسِينَ امْرَأَةً مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (عج) (المجالس السنية، ط، نجف جلد ۵، صفحه ۵۵۱).

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۷۱.

(علیه السلام) آمده نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر (عج) می‌رسد دو نفر بصری بنام علی و محارب، و شش نفر دیگر از ابدال بنام عبدالله هستند.^۱

و بالأخره در وصف یاران مهدی (عج) از امام صادق (علیه السلام) به این مضمون آمده: آنچه‌ان در برابر فرمانده کُل قوا خیردار ایستاده‌اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی‌خورند غذایشان تمام شده، در عین حال آثار سجده در پیشانی‌شان پیدا است، شیران روز و پارسایان شب هستند و قلبشان همچون پاره آهن محکم است.

همراه آنها پرچمی است که جبرئیل (علیه السلام) در جنگ بدر برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) آورد... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بردشمنان مسلط می‌کند از مکه بیرون نمی‌آید تا اینکه «حلقه‌ای» در اطرافش باشند، شخصی پرسید این حلقه از چند نفر تشکیل شده؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ۱۰/۰۰۰ نفر که جبرئیل (علیه السلام) در طرف راست و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام (علیه السلام) پرچم فتح را برافرازد و حرکت کند و در مشرق و مغرب کسی نماند جز اینکه «از روی عناد» بر آن پرچم لعنت کند.^۲

۱- الاوائل، ص ۳۳.

۲- گویا اشاره به شرقیهای طرفدار سیستم کمونیسم و غربیهای طرفدار کاپیتالیسم‌اند که با این پرچم مخالفت می‌کنند. (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۷ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۸).

نتیجه بحث و بررسی بیشتر:

از گفتار گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که یار و یاور آنهم یاران جانباز و مخلص و آگاه و متعهد از شرائط اولیّه ظهور حضرت مهدی «عج» است باید در همه نقاط جهان، افرادی از مرد و زن آماده شوند و خود را با یاران حقیقی (عج) تطبیق دهند، یارانی ممتاز و آگاه در همه زمینه‌ها، یارانی ایثارگر و رزمنده و دشمن برانداز. و باید علاقمندان به ظهور قائم (عج) چنین باشند و چنین یارانی در همه جا به وجود آورند تا زمینه خوبی برای نزدیک شدن ظهور گردند.

برای این که بیشتر به سلحشوری یاران مهدی (عج) پی ببریم، در پایان به این روایت نیز توجه کنید:

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

أَلْقَى الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِيُنَا
كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ وَ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ
بِكَفَّيْهِ.

«امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و مهدی (عج) ما خروج کند، هرکدام از دوستان ما از شیر، دلیرتر و از نیزه برآنتر شوند و دشمنان را پا مال کنند و با دست و چنگ بکشند.»^۱
به هر حال چنانکه از روایات استفاده می‌شود: فتح و پیروزی همراه امام قائم (عج) است و هرکجا که می‌رود فتح و پیروزی در

آنجا به دست می آید.^۱

سیرانجام در غرب و شرق به حمایت از آن حضرت
بر می خیزند.^۲

و طبق روایتی ۳۶۰ مرد کامل الهی در بین حجرالاسود و مقام
ابراهیم (علیه السلام) با امام قائم (علیه السلام) بیعت می کنند... و آنها
وزیران اویند که بار سنگین مسئولیتهای کشور جهانی را اداره
می نمایند.^۳

آنحضرت که در فتح روم دارای ۷۰/۰۰۰ سپاه است که
تکبیرگویان آنجا را فتح می کنند، غرّش تکبیر اول یک سوم روم را،
و غرّش دوم یک سوم دیگر روم را و غرّش سوم که همراه یورش
قهرمانانه است همه مردم را تحت پرچم امام قائم (عج) قرار می دهد،
اسلام و مسلمین سربلند و پیروز می شوند، و کفر و کافران ذلیل و
خوار می گردند، و تنها دین خالص حکومت خواهد کرد.^۴

صلیبها شکسته می شوند و خوکها نابود می گردند، عصر او عصر
پرهیزکاران است، یارانش پاک و خالص هستند و از آلودگیها
بدورند و در خط حق که خط آنحضرت و یارانش می باشد گام
بر می دارند و به عنوان «رجال الهی و وزیران آنحضرت» یاد شده اند.^۵

و به فرموده امام باقر (علیه السلام) ۷۰/۰۰۰ نفر از افراد راستین و

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۲ (تألیف علامه بزرگ سید محسن جبل عاملی (ره) - چاپ بیروت).

۲- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۹.

۳- المجالس السنیة، جلد ۵، صفحه ۷۱۱.

۴- المجالس السنیة، ص ۷۲۳ - ۷۲۴، ج ۵.

۵- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳ - ۷۳۴ - ۷۱۱.

خالص از اهل کوفه به حمایت امام زمان (عج) برمی خیزند.^۱

اوتاد، عصاب، ابدال، نُجباء، رفقاء و اعاجم؟

جالب این که در وصف یاران مهدی (عج) واژه‌هایی مانند: «اوتاد، عصاب، ابدال، نجباء، و رفقاء و اعاجم» آمده که با توجه به معانی این عناوین با ویژگی‌های یاران مهدی (عج) نیز آشنا تر می‌شویم.

در مورد «اوتاد»

قبلاً گفتیم که ایشان طبق روایات ۳۰ نفرند که همواره در خدمت به سر می‌برند، هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می‌گردد.^۲

با توجه به کلمه «اوتاد» که جمع «وتد» به معنی میخ است و با توجه به آیه ۷ سوره نبا قرآن که خداوند می‌فرماید: وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا: «ماکوهها را میخهای زمین قرار دادیم» (که زمین را نگهدارند و بوسیله آن، زمین از هم نپاشد) نتیجه می‌گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت آن حضرت بسر می‌برند.

در مورد «عصاب»:

طبق بعضی از روایات، اینها یاران مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آنحضرت خود را به مکه می‌رسانند و با او بیعت

۱- بحار، ط جدید، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۰.

۲- غیبت طوسی، ص ۱۰۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

می‌کنند.^۱

باتوجه به معنی «عصائب» که جمع عصبه به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، به دست می‌آوریم که یاران مهدی (عج) باید چنین باشند.

ناگفته نماند که در بعضی از روایات یاران مهدی (عج) با عنوان «اخیار» خوانده شده‌اند.^۲

در مورد «ابدال»:

اینها از یاران مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آنحضرت خود را به مکه می‌رسانند و با آنحضرت بیعت می‌کنند.^۳ معنی ابدال چنانکه مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: آنها جمعی از صالحان می‌باشند، که همواره در زمین هستند، وقتی یکی از آنها فوت کرد، خداوند بدل او شخص صالح دیگر را می‌گذارد، اینها ۴۰ یا ۷۰ نفر در شام هستند و یا ۳۰ نفر در جای دیگر.^۴

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۹ در مورد وفاداری مردم کوفه (که شامل نجف نیز خواهد شد) روایات دیگری نیز رسیده از جمله اینکه: ۵۰/۰۰۰ نفر از دلیران مردم کوفه مدافع خاص امام قائم (عج) در برابر دشمن هستند (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶)، و اینکه مقرر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) کوفه است (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۴) نیز حاکی است که مردم کوفه در پشتیبانی آنحضرت جدی و شجاع هستند. و امام باقر (علیه السلام) ضمن روایتی فرمود: خوشبخت ترین مردم نسبت به امام قائم (عج) مردم کوفه هستند. (اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۶۹).

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۳۸.

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۹.

۴- مجمع البحرین (ماده بدل).

بنابر این اینها مردان خالص و کامل و صالح روی زمین هستند. ضمناً ناگفته نماند که شخصی از حضرت رضا (علیه السلام) از ابدال پرسید، آنحضرت فرمود: ابدال، اوصیاء پیامبران هستند.^۱

در مورد «نجباء»:

طبق روایتی که از امام علی (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) نقل شده: اینها یاران مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند.^۲ نیز در روایتی آمده که اینها از کوفه هستند.^۳

با توجه به معنی «نجباء» که جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است، نیز به ویژگی دیگر یاران مهدی (عج) پی می‌بریم.

در مورد «رفقاء»

که یاران مهدی (عج) از کوفه هستند و خود را هنگام ظهور به مکه رسانده و با آنحضرت بیعت می‌کنند و همچون پاره‌های متراکم ابر پاییزی روان مکه می‌شوند.^۴

با توجه به اینکه ۵۰ نفر از ۳۱۳ نفر اهل کوفه هستند^۵ و با توجه به معنی «رفق» و «رفاقت» که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص مهدی (عج) نیز پی می‌بریم.

۱- سفینه البحار (ماده بدل).

۲- امام علی (علیه السلام) فرمود: الْأَبْدَالُ بِالشَّامِ وَ النَّجْبَاءُ بِمِصْرَ وَ الْقَضَائِبُ بِالْعِرَاقِ (مجمع البحرين ماده عصب).

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۴- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۹.

۵- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

در مورد «اعاجم»:

یعنی غیر عرب، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه‌هایش را در ایران، افغانستان و پاکستان و... می‌بینیم، امام زمان (عج) یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین‌ها می‌توانند هسته مرکزی ارتش نیرومند امام (علیه السلام) را در کشورهای عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه آن اقدام جدی کنند.^۱

با توجه به اینکه حکومت جهانی ارتش نیرومند و قوی و کامل می‌خواهد.

آنهم در اطراف امامی که غرق در اسلحه‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) است و حتی اسب و شتر و دلدل و براق و پرچم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) همراه اوست و مصحف مخصوص امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را در دست دارد.^۲

این نیز قابل توجه است که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: اصحاب مهدی (عج) جوانند و پیر در آنها یافت نمی‌شود، جز مثل سرمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین چیز در غذا، نمک است.^۳

۱- ضمناً ناگفته نماند که طبق بعضی روایات پس از ظهور آنحضرت جبرئیل (علیه السلام) و فرشتگان و نجباء جن و نقباء مردم با او بیعت می‌کنند (بحار، ج ۵۳، ص ۸ و ۹) به این ترتیب واژه «نقباء» که بمعنی مردان آگاه و متعهد است نیز بر یاران خاص امام افزوده می‌شود.

۲- بحار، ج ۵۳، ص ۳۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۷.

امدادهای غیبی به کمک انقلابیون:

از آنجا که مردان خدا به یاری حضرت قائم (عج) می شتابند و شب و روز برای برقراری حکومت جهانی تحت رهبری آنحضرت تلاش می کنند، خداوند نیز با امدادهای غیبی خود بهترین حمایت را از آنها خواهد کرد، چنانکه در قرآن کریم می فرماید:

«اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می کند، و قدمهای شما را

ثابت و استوار می دارد.» (سوره محمد آیه ۷)

اینک به این روایت که فشرده روایات بسیاری است توجه کنید: «هنگام ظهور امام قائم (عج) فرشته‌ای بالای سر آن حضرت فریاد می زند این مهدی (عج) خلیفه خدا است، پس از او پیروی کنید، مردم به سوی او سراسیمه می شوند، و او حکومت شرق و غرب را به دست می گیرد، خداوند او را به ۳/۰۰۰ فرشته کمک می نماید، اصحاب کهف از یاران او هستند، جبرئیل در پیشاپیش سپاهش، و میکائیل در کنار سپاهش می باشند، و حضرت مهدی (عج) صندوق سکینه را از غار انطاکیه بیرون آورد، و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و با آن با یهود، احتجاج و استدلال می کند و بسیاری از یهودیان مسلمان می شوند.»^۱

به این ترتیب می بینیم: بزرگترین امدادهای غیبی به کمک مهدی (عج) و یارانش می شتابند و همه سختیها و ناگواریها برای او و یارانش آسان می شوند.

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۱۰ به نقل از اسعاف الراغبین - در این باره مطالبی در بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۸، نیز آمده است.

ویژگیهای یاران مهدی «علیه السلام» ۱۹۷ □

چنانکه امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود:
يَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ: «همه مشکلات در برابر امام قائم (عج) تسلیم و رام
می‌گردد.»

و این موضوع باید مسلمین را قوی دل و محکم کند آنها
نهراسند و بدانند کمک خدا پشت سر آنهاست.

فصل ششم:

دیدار کنندگان امام (علیه السلام)، در غیبت کبری

در اینجا مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت به حضور حضرت قائم (عج) شرفیاب شده‌اند و به این سعادت عظمی رسیده‌اند بپردازم تا شاید رهگشائی برای روشندان پاک سیرت باشد و آنها نیز با ایجاد شرائط و التماس از این در خانه، به این سعادت نائل گردند و ناامید نشوند.^۱

۱- امام زمان (عج) به صابونی اجازه دیدار داد:

مردی صالح و خیر اندیش در بصره عطاری می‌کرد وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطر نشان می‌گردد:
عطّار می‌گوید: در مغازه نشسته بودم دو نفر برای خرید سدر و

۱- قسمتی از داستان این شرفیاب شدگان در کتاب دارالسلام مرجوم عراقی (ره) و اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی (ره)، ج ۷، از صفحه ۲۷۰ تا ۲۸۳ و نیز کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۸ به بعد و بحار، ج ۵۳، صفحه ۳۰۰ تا ۳۳۱ آمده است.

کافور به در دکان من آمدند از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصینهای بزرگوار می باشند (أثر النّجّابة ساطع البرّهان) از حال و دیار آنان پرسیدم آنها کتمان کردند، من هرچه اصرار می نمودم آنان نیز اصرار به پاسخ ندادن می کردند.

آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) دادم که خود را معرفی کنند چون دیدند من دست بردار نیستم گفتند ما از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسكري (عج) هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه با عظمت از دنیا رفته است صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آنحضرت هستند بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرّع و زاری کردم که حتماً باید مرا به آنحضرت برسانید.

یاران حضرت گفتند مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

عطار گفت: مرا نزدیک آنحضرت ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گرنه هیچ!؟

آنان از اقدام به این کار خودداری کردند ولی چون من با کمال پافشاری دست بردار نبودم آنگاه به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند.

بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای

عمان رسیدیم.

آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم، آنان متوجه شدند و گفتند: مترس! خدا را به حضرت حجّت (عج) قسم بده و رهسپار شوا من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها رفتم.

در وسطهای دریا بودیم، دیدم ابرها بهم درآمده و هوا صورت بارانی گرفت و شروع به باریدن کرد، اتفاقاً من همانروز صابون ریخته بودم و بر پشت بام مغازه به خاطر آنکه به وسیله تابش آفتاب خشک شود گذارده بودم همین که باران را دیدم خیال صابونها را نمودم و پریشان خاطر شدم، به محض این خیال مادی ناگهان پاهایم در آب فرورفت به کمک هنر شناوری بدست و پا و تضرع افتادم آن دو نفر به من توجه کرده و عجز و ذلت مرا مشاهده نمودند فوراً به عقب برگشته دست مرا گرفتند و از آب بیرون کشیدند و گفتند: این پیشآمد، اثر آن خاطره صابون بود، بار دیگر خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم ده تا تو را در آب حفظ کند، من نیز استغاثه نموده و چنین کردم مثل اول روی آب با آنان رهسپار شدم، وقتی که به ساحل رسیدیم، خیمه چادری را دیدم که همانند «شجره طور» نور از آن ساطع بود و آن فضا را روشن نموده بود.

همراهان گفتند: تمام مقصود در میان همین پرده است.

با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم یکی از همراهان پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد.

چادر را خوب دیدم و صدای آن بزرگوار را می شنیدم ولی وجود نازنینش را نمی دیدم، آن شخص درباره مشرف شدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد، آنجناب فرمود: رُدَّوهُ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صَابُونِي^۱: «به او اجازه ندهید و او را در عداد خدمه این درگاه ملک پاسبان نشمرید، زیرا او مردی صابون دوست و مادی است» یعنی او هنوز دل از تعلقات دنیای دنی خالی نکرده و لیاقت حضور در این درگاه را ندارد.

عطار ادامه می دهد: چون چنین شنیدم، ناامید گشتم و دندان طمع از دیدار آنحضرت کشیدم و دانستم که وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگیهای مادی و معنوی زدوده و صاف گردانم!

۲- علامه حلی (ره) در خدمت امام زمان (عج):

پیش از آنکه ملاقات عجیب عالم و محقق بزرگ جهان تشیع علامه حلی (ره) با امام زمان (عج) را شرح دهم، اجازه دهید مختصری از بیوگرافی این مرد خدا را به نظرتان برسانم:

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی (ره) معروف به (علامه حلی) از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هـ ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع تقلید عالیقدر، سلطان محمد خدابنده پادشاه مغول را شیعه کرد و

۱- دارالسلام عراقی، ص ۱۷۲ با توضیحاتی از نگارنده.

در این مسیر خدمت بسیار بزرگی به مذهب جعفری نمود.^۱ او در تمام علوم اسلامی، استاد ماهر بود و بیش از ۵۰۰ جلد کتاب تألیفات او را تخمین زده‌اند.

اینک توجه کنید که این مرد دینی چگونه مورد عنایت امام عصر (عج) قرار می‌گیرد:

او در حِلّه یکی از شهرهای عراق سکونت داشت، هر شب جمعه از حِلّه با وسایل آن زمان به کربلا می‌رفت (با اینکه بین این دو شهر بیش از ۱۰ فرسخ است) با این کیفیت که پنجشنبه سوار بر الاغ خود به راه می‌افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) می‌ماند بعد از ظهر روز جمعه به «حِلّه» مراجعت می‌کرد.

در یکی از روزها که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه شخصی به او رسید و همراه علامه با هم به کربلا می‌رفتند علامه با رفیق تازه‌اش شروع به صحبت کرد و مسائلی را بیان نمود از آنجا که به فرموده امام علی (علیه السلام): *الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ*: «شخصیت مرد در زیر زبانش نهفته است». علامه درک کرد که با مردی بزرگ و عالمی سترگ، هم صحبت شده است، هر مسئله مشکلی می‌پرسید، رفیق راهش جواب می‌داد به طوری که علامه که خود را یگانه دهر می‌دانست، از علم رفیق راهش متحیر ماند گرم صحبت بودند تا آنکه در مسئله‌ای، آن شخص بر خلاف فتوای علامه فتوا داد علامه

۱- چگونگی شیعه شدن شاه خداپنده بدست علامه در جلد دوم پندهای جاویدان (پندهائی از تاریخ) ص ۳۳۴ بخوانید.

دیدارکنندگان امام «علیه السلام» ۲۰۳ □

گفت: این فتوای شما برخلاف اصل و قاعده است دلیل هم که این قاعده را از بین ببرد نداریم.

آن شخص گفت: چرا دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی (ره) در کتاب تهذیب در وسط فلان صفحه آنرا نقل کرده است.

علامه گفت: چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده‌ام.

آن شخص گفت: کتاب تهذیبی که پیش تو هست در فلان صفحه و سطرش این حدیث مذکور است!!

علامه در دنیائی از حیرت فرورفت از این رو که این شخص ناشناس تمام علائم و خصوصیات نسخه منحصر به فرد کتاب تهذیب را که داشت گفت.

علامه درک کرد که در برابر استاد علامه‌ها قرار گرفته، لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله‌ای که برای خودش حل نشده بود، در این موقع تازیانه‌ای که در دست داشت به زمین افتاد، در همین حین این مسئله را از آن شخص پرسید که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان (عج) هست؟

آن شخص تازیانه را برداشته بود و به علامه می‌داد و دستش به دست علامه رسید گفت: چگونه نمی‌توان امام زمان را دید در صورتی که اینک دست او در دست تو است.

علامه چون متوجه شد، خود را به دست و پای امام زمان «عج» انداخت و آن چنان محو عشق آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید، پس از آنکه به حال خود آمد کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن

حدیث باهمان علائم از صفحه و سطر، تطبیق می‌کند، در حاشیه این کتاب در همان صفحه نوشت: این حدیثی است که مولایم امام زمان «ص» مرا به آن خبر داده است.

عده‌ای از علماء همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده‌اند.^۱ همین علامه شنید یکی از علماء بزرگ اهل تسنن کتابی در رد شیعه نوشته که عده‌ای را با آن گمراه نموده ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی‌دهد، علامه مدتها به طور ناشناس در پیش آن عالم سنی، شاگردی کرد تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیع بر آن رد بنویسد تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را در دسترسش قرار دهد، آن عالم، کتاب را در اختیار علامه نمی‌گذارد، سپس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علامه بدهد و گفت من نذر کرده‌ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند (تا بعداً به رد آن بپردازد). مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه‌ای نوشت، خسته شد و خواب او را گرفت در همین حال ناگهان دید مرد عربی وارد اتاق شد و گفت:

ای علامه! تو کاغذها را خط کشی کن، من برایت می‌نویسم. علامه بی‌درنگ مشغول خط کشی شد ولی در همین حال خوابش برد وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته

۱- دارالسلام، عراقی (ره)، ص ۱۷۱.

دیدارکنندگان امام «علیه السلام» ۲۰۵ □

و در آخر آن این جمله به چشم می خورد: كَتَبَهُ الْحُجَّةُ: این کتاب را حجّت (عج) نوشته است.^۱

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل

العجل ای حامی دین پیمبر العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم العجل

العجل ای وارث شمشیر حیدر العجل

شهبوارا زودتر بشتاب که از انبوه کفر

کشور ایمان شده یکسر مسخر العجل

تا یکی ما را بماند بر سر راه وصال

چشم حسرت روز و شب چون حلقه بر در العجل

مهدی آخر زمان، ای پادشاه انس و جان

خیز و میکن دفع دَجَّال بداختر العجل

از پی خونخواهی آل محمد (صلی الله علیه وآله) از نیام

برکش آن صمصام و بنشین بر تکاور العجل

۳- فریادرسی امام زمان (عج) در بحرین:

کشور «بحرین» که مدتی است اعلام استقلال کرد، در طول تاریخ، از نظر سیاسی و جغرافیائی و... در حال تغییر و تبدیل بوده و از نظر تاریخی یکی از کشورهای پر حادثه جهان بوده است.

این کشور که امروز از هشت جزیره تشکیل شده و از ناحیه شمال هم مرز با کشور «قطر» و از ناحیه جنوب هم مرز با کشور

۱- القباس از روضات الجنان، جلد دوم، صفحه ۲۸۲.

عربستان سعودی می باشد، دارای شهرهای بزرگ و تمدن اقتصادی خوبی است، در «مَنامه» که پایتخت این کشور می باشد، چهل هزار نفر ساکن هستند شهر عوالی در بحرین مرکز بزرگ نفتی آن کشور است، و طبق آثار باستانی کشف شده، این کشور بیش از ۱/۰۰۰ سال قبل از میلاد تا کنون دارای ثروت‌های سرشاری بوده و هر زمان از نظر اقتصادی، درخشش داشته است.^۱

مادر اینجا کاری به ریشه تاریخی این کشور و تغییر و تبدیل سیاسی آن و اینکه چگونه و چه وقت جزو کشورهای اسلامی قرار گرفت و چه وقت جزء ایران بوده و چند سال تحت الحمايه انگلیس و یادیگران بود نداریم به هر حال چنانکه از کتب تاریخی استفاده می شود این کشور از نظرات مختلف دیار شگفتیها و قصه‌ها بوده، و مردم آن همواره در سایه ثروت سرشار آن از نعمت‌های الهی برخوردار بوده‌اند.

این مختصری از دورنمای این کشور تازه مستقل بود، ولی آنچه که در اینجا منظور است، داستان مردم بحرین در حدود ۳۰۰ سال قبل یعنی در زمان سلطنت خاندان «صفویه» در ایران می باشد.

در این زمان مردم بحرین، به نیکی و پاکی مشهور بودند شدت علاقه اکثر مردم بحرین به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و اخلاص آنان در این مسیر به اندازه‌ای است که شیخ بهائی برای پدرش در ضمن نامه‌ای نوشت:

اگر دنیا می خواهی به هند برو و اگر آخرت می خواهی به بحرین

۱- المنجد فی الاعلام، صفحه ۸۰ ماده «بحرین».

نزد ما بیا و اگر نه دنیا می خواهی و نه آخرت در میان عجم بمان، از این/رو شیخ حسین بن عبدالصّمد پدر بزرگوار شیخ بهائی در بحرین توقف کرد تا به جوار رحمت پروردگار شتافت و اینک قبر او در یکی از روستاهای بحرین معروف بوده و مزار او مورد توجه ساکنان اطراف آن قریه است.

در اواخر حکومت سلسله شاهان صفوی در ایران دستهای استعمار، کشور آباد و غنی بحرین را به سوی خود برد، و آن را تحت الحمايه بیگانگان قرارداد، در این دوران دری به تخته خورد و حوادثی پیش آمد و اوضاع سیاسی اقتضاء کرد که والی و فرماندار بحرین، شخصی ستمکار و دست نشانده بیگانگان شد که به دشمنی با امام علی (علیه السلام) و علاقمندان امام علی (علیه السلام) معروف بود، اتفاقاً او معاون و وزیری داشت که از رئیس خود هم بیشتر با امام علی (علیه السلام) و دودمان و شیعیانش دشمن بود، این دو نفر همواره موجب مزاحمت و آزار سکنه بحرین شده و آنانرا که به ولا و دوستی اهل بیت (علیهم السلام) مشهور بودند با عوامل مختلف تحت شکنجه و آزار قرار می دادند، این روش ادامه داشت و لحظه به لحظه شدیدتر می شد، تا آنکه وزیر، نقشه ای بسیار مرموز و خائنانانه طرح کرد و به خیال خام خود خواست در وقت خود آن نقشه را پیاده کند و برضد مردم شیعه بحرین به کار اندازد و به طور کلی سلب آزادی از آنان کند ولی اینک ببینید چگونه این نقشه را ایفاء کرد؟ و چگونه نقشه اش نقش بر آب گشت؟

درخت انار شهادت می دهد.

وزیر که نقشه خود را با موفقیت کامل در مرحله نتیجه گیری رسانده بود با کمال خورسندی در حالی که در دستش اناری بود نزد فرماندار آمد و گفت: این انار را بگیرد و ببیند که حتی به وسیله این انار، درخت انار شهادت داده است که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) جانشین آن جناب ابوبکر است بعد عمر، بعد عثمان و در مرحله چهارم علی (علیه السلام) می باشد.

فرماندار خیلی دقیق انار را واریسی کرد، دید روی پوست آن دور تا دور، این کلمات نقش بسته است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خَلَفَاءُ
رَسُولِ اللَّهِ.

ملاحظه کرد که به قلم خلقت و طبیعت این کلمات نگاشته شده و به هیچ وجه ممکن نیست که ساختگی باشد، رو به وزیر کرد و با لحن جدی گفت: این مطلب از دلیلهای روشن و واضحی است که ما را به بطلان مذهب رافضی ها (شیعه ها) رهنمون می شود.

وزیر گفت آری همان گونه است که شما فرمودید ولی افسوس که این طائفه «شیعه ها» بر اثر تعصب زیاد به مذهب خود به آسانی زیر بار این دلیل واضح نمی روند، به نظر من بهتر این است که آنان را حاضر کنید و در یک مجلس باشکوهی در ملا عام این انار را به ایشان نشان دهید، اگر بدین وسیله به حقانیت مذهب تسنن پی بردند و به آن گرایش پیدا کردند، زهی موفقیت! و معلوم است که در

۱- منظور از فرماندار در اینجا، امیر و رهبر بحرین است.

این صورت شما به ثواب و پاداش خوب و بسیاری رسیده‌ای و اگر امتناع ورزیدند و با مشاهده این برهان قاطع، باز از گمراهی خود دست برنداشتند، آنان را به انتخاب یکی از سه چیز مجبور کنید: یا بسان یهود و نصاری به ما «جزیه» بدهند و در برابر ما ذلیل و خوار باشند و یا پاسخ قانع کننده این دلیل روشن را بدهند و یا آنکه مردان آنان را به قتل برسانید و زنان و فرزندانشان را اسیر بنمائیم و اموالشان را به غارت ببریم.

فرماندار که با دقت، گفتار وزیر را گوش می‌داد، گفت: پیشنهاد خوبی کردی و باید چنین کرد، به دنبال این پذیرش دستور داد علماء و سادات و نیکان مردم بحرین در مجلس باشکوهی به گردهم آیند تا آن انار کذائی را به آنان نشان داده و از آنها پاسخ بخواهد.

مجلس تشکیل شد وزیر و عده‌ای از شخصیتها در حضور فرماندار قرار گرفتند، در همین هنگام فرماندار انار را به بزرگان شیعه نشان داد و گفت: ببینید درخت انار چگونه شهادت بر حقانیت مذهب ما داده است، باید یا پاسخ این دلیل را بیاورید و یا جزیه داده و ذلیل و خوار زندگی کنید و یا آماده قتل و غارت باشید! بزرگان بحرین که در ظاهر دلیل قانع کننده‌ای بر بطلان دلیل انار نداشتند و خود را در فشار و بن بست سخت می‌دیدند با خواهش و تمنا سه روز مهلت خواستند، فرماندار نیز سه روز به آنها مهلت داد تا شیعیان پاسخ آن دلیل را بیاورند و گرنه خود را برای اطاعت او به امر فرماندار حاضر نمایند، به این ترتیب تا اینجا هنوز نقشه وزیر

در مسیر خود قرار گرفته و از اینکه به مرحلهٔ اجراء و نتیجه گیری
برسد، نزدیک بود.

مشورت و راه حل:

شیعیان و تربیت شدگان مذهب جعفری به خوبی فرموده رئیس
مذهب خود امام صادق (علیه السلام) را درک کرده بودند که لا طَهِیرَ
كَالْمُشَاوِرَةِ: «هیچ یاری چون مشورت و از فکر همدیگر استمداد جستن
نیست.»

اینان همگی در یک مجلس به گرد هم آمدند، پراکنده نشدند که
بگویند بادا، باد هرچه شد که شد، در این باره به فکر راه حل افتادند
و هرکسی چیزی گفت تا سرانجام گروهی گفتند: این مطلب، راه
حلی جز توسل به امام عصر (عج) که در پشت پردهٔ غیبت است و
چون خورشیدی در پشت ابرها است و به ما روشنی و نشاط
بخشیده ندارد، باید از آن دادخواهی و استدعا کرد تا به داد ما
برسد.

در میان تمام جمعیت خود، ده نفر از زاهدین و شایستگان را
انتخاب کردند و در میان آن ده نفر سه نفر را که از نظر تقوی و عمل
نیک، لیاقت ملاقات با امام زمان (عج) را داشتند برگزیدند، تا هر یک
شبی را در این سه شب به بیابان بروند و مشغول عبادت و تضرع و
زاری گردد و متوسل به امام عصر (عج) شده و از آنجناب تمنا کند
بلکه عنایت خاصهٔ آن بزرگوار دردها را درمان بخشد.

به این ترتیب در شب اول یکی از آن سه نفر به بیابان رفت و

مشغول تضرع و زاری گردید ولی آن شب صبح شد و او نتیجه نگرفت، شب دوم، یکی دیگر از آن سه نفر رفت این شب هم بسان شب اول بی نتیجه به پایان رسید، تا شب سوم شد که آخرین مهلت بود و شیعیان درجوش و خروش بودند تا سومین نفر به نام «محمد بن عیسی (ره)» در آن شب به بیابان رفت، تضرع و زاری را به آخرین درجه رسانید، در شب تاریک با سر و پای برهنه و حالتی خاص به امام زمان (عج) استغاثه کرد، با تضرع و زاری توأم با اخلاص کامل، عرض می کرد ای ولی عصر (عج) به فریاد ما شیعیان برس!...

زمان دقیقه به دقیقه می گذشت لحظات آخر شب فرا رسیده بود، توسل محمد بن عیسی (ره) به درجه نهائی رسیده بود هنگام سحرناگاه شنید در بیابان شخصی به او گفت:

ای محمد بن عیسی این چه حالتی است که تو پیدا کرده ای و در این شب تاریک به این بیابان خلوت آمده ای؟

محمد بن عیسی (ره): ای مردا به من کاری نداشته باش، من برای امر بزرگی به اینجا آمده ام و آن را جز برای امام زمان (عج) هرگز اظهار نمی کنم و از آن بزرگوار فقط می خواهم که به داد من و بداد یک مشت شیعه برسد!

هنوز گفتار محمد بن عیسی (ره) تمام نشده بود که از جانب همان مرد، شنید که: یا محمد بن عیسی انا صاحب الامر: ای محمد من همانم که او را طلب می کنی، حاجت خود را بگو تا برآورم.

محمد گفت: اگر تو امام زمان من هستی، حاجت مرا می دانی، نیازی به اظهار آن نیست.

امام فرمود: آری تو به اینجا آمده‌ای تا پاسخ انار کذائی را از من بگیری و شیعیان را از این مهلکه نجات دهی.

محمد بن عیسی گوید: تا درک کردم که او حضرت ولی عصر (عج) است به سوی او شتافتم بر زانویش سر نهادم، دست بر دامن پرمهرش زدم و عرض کردم ای سرور ما توپناه ما هستی به داد ما برس ای دادرس پریشان احوالان.

آنجا که پرده‌ها کنار می‌رود!

آری برای هر نقشه خائنانه روزی هست که پرده بردار پرده بردارد و صورت نازیبای زیر پرده را نشان دهد، عاقل آن است که دورانیش باشد و همواره درصدد باشد تا قبل از آنکه پرده‌ها برداشته شود، زیر پرده‌ها را اصلاح نماید، قائم آل محمد (عج) گوشه‌ای از پرده‌ها را بالا زد طاق‌ت نیآورد به سئوال بنده‌ای دل‌داده چون محمد بن عیسی (ره) توجه نکند رو به او کرد و فرمود:

ای محمد بن عیسی! وزیر فرماندار درخت اناری را در حیاط خانه خود نشانده است آن درخت چون به ثمر رسید، او قالبی را با گِل به شکل اناری درست کرد و آن قالب را (که تو خالی بود) به دو نصف کرد و در دیوار داخل آن دو نصف قالب همان کلمات^۱ را به صورت برجسته نوشت، آنگاه آن دو نصف قالب را روی یکی از انارهای کوچک درخت گذارد و آنها را محکم بست، آن انار در میان آن دو نصف قالب بزرگ شد تا توی قالب را پر کرد و در نتیجه

۱- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خُلَفَاءُ رَسُولِ اللَّهِ.

آن نوشته‌های برجسته دیواره داخلی دو نصف قالب، روی پوست انار قرار گرفت، رفته رفته توأم با رشد انار، آن کلمات بر پوست انار به طور طبیعی نقش بست، فردا که روز موعود هست هنگامی که نزد فرماندار رفتید به پیش او برو و بگو من جواب دلیل انار را دارم ولی این جواب را جز در خانه وزیر اظهار نمی‌کنم، فرماندار خواه ناخواه می‌پذیرد، چون به خانه وزیر رفتید، از طرف دست راست خانه وزیر، بالاخانه‌ای هست بگو جواب را نمی‌گوئیم مگر در این بالاخانه، در این هنگام، وزیر خود را در بن بست می‌بیند و اصرار می‌کند که به بالاخانه نروید، توهم اصرار تمام کن، بناچار وزیر قبول می‌کند هنگامی که به بالاخانه رفتید نگذار تا وزیر تنها برود وقتی داخل بالاخانه شدید، روزنه‌ای را می‌بینی و در میان آن کیسه سفیدی را می‌نگری با عجله تمام آن کیسه را بردار، و در میان آن قالب نامبرده را که از گل ساخته شده و با آن نقشه خائنانه وزیر، طراحی گشته بیرون بیاور، نزد فرماندار بگذار و به او بگو که این انار به وسیله این قالب به این صورت درآمده است، در نتیجه فرماندار از حيله و خیانت وزیر مطلع شده و حقانیت شما و بطلان عقائد آنان آشکار می‌گردد.

ای محمد بن عیسی! به فرماندار بگو که ما برای تصدیق گفتار خود علامت دیگری داریم و آن آنکه جوف انار از خاکستر و دود پر است، اگر قبول نداری، این انار را بشکن!

در این هنگام وزیر، انار را برداشته و می‌شکند خاکستر و دود آن بیرون آمده و ریش و صورت وزیر را فرامی‌گیرد (این هم علاوه بر

روسیاهی معنوی وزیر روسیاهی ظاهری او).

محمد بن عیسی بسیار خوشحال شد، به دست و پای امام (علیه السلام) افتاد و تشکر کرد و به سوی رفقای خود با کمال خوشحالی مراجعت نمود، هنگام صبح مردم بحرین در مجلس فرماندار حاضر شدند، وقت پاسخ گوئی شیعه از دلیل انار اعلام شد، محمد بن عیسی (ره) آنچه را که امام عصر (عج) به او دستور داده بود یکی پس از دیگری انجام داد تا آخرین مرحله که در نزد فرماندار و وزیر انار راشکست و خاکستر و دود میان انار به صورت وزیر پاشید.

فرماندار که سخت مجذوب و تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت: ای محمد بن عیسی! این پاسخ را چه کسی به تو یاد داد؟
محمد بن عیسی (ره) گفت: امام و حجّت زمان (عج) به من آموخت.

فرماندار گفت: امام زمان کیست؟

محمد بن عیسی (ره) گفت: امام زمان ما (عج) از جانب خداوند، حجّت روی زمین است و دوازدهمین امام ما می باشد (آنگاه اسامی همه ائمه «علیهم السلام» را یکی پس از دیگری شمرده تا به صاحب الامر (عج) ارواحنا فداه می رسد).

گواهی فرماندار

با اینکه فرماندار در عقیده باطل خود سخت استقامت می ورزید، و سرسخت با شیعیان مبارزه کرد، و حتی حاضر بود که

رهبران و ائمه آنان را به فحش بکشد اما اینک در برابر حادثه‌ای عجیب قرار گرفته است، اینک خود را در مقابل قدرت عظیم می‌بیند.

عجز سراسر او را فراگرفت، ناگزیر سرفرود آورد، ورق قلبش برگشت سخن قلب به وسیله زبانش اظهار شد:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْخَلِيفَةَ بَعْدَهُ
بِإِذْنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ:

«گواهی به یگانگی خداوند می‌دهم، گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و رسول خدا است، جانشین بلافصل بعد از او امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) می‌باشد.» سپس ائمه پس از امام علی (علیه السلام) را یکی پس از دیگری تا امام زمان (عج) اسم برد و اعتراف به امامت آنها نمود.

آنگاه دستور داد تا آن وزیر خائن و دسیسه‌گر را اعدام کردند، تا همواره خاطره بطلان باطل و احقاق حق تجلی کند، سپس از اهل بحرین عذرخواهی کرد و به آنان احسان نمود.

به این ترتیب به قول معروف «پایان شب سیه سپید است»، این واقعه چون درخششی بود که در تاریخ شیعه دلهای دلدادگان را تا روز قیامت سفید کرد.^۱

۱- اقتباس از اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۳۷۵، به نقل از بحار الانوار و نجم الثاقب، صفحه ۳۱۴. این داستان اینک هم در میان مردم بحرین مشهور است مرقد پاک محمد بن عیسی همواره مزار و مورد احترام اهالی آنجا است که شکوه این مرقد لحظه به لحظه با یادآوری خاطره داستان فوق بیشتر می‌گردد.

۴- شفای بیمار

داستان اسماعیل هرقلی (ره) نیز عجیب است که به زخم و درد شدید و طولانی گرفتار شده بود و تمام دکترهای آن زمان او را جواب کردند، سرانجام با توسل به امام قائم (عج) در سامره و کنار قبر امام حسن عسکری (علیه السلام) و در سرداب معروف بالاخره به نتیجه رسید و امام قائم (عج) او را شفا دادند.^۱

۵- تشرّف یکی از فرزندان حضرت آیه الله اراکی (دامت برکاته)

مرجع عالیقدر آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (دامت برکاته) عالم زاهد و سلمان عصر که قبلاً در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت می خواند برای یکی از علماء حضرت حجة الاسلام شیخ محمد رازی نقل می کند که اکنون از زبان آقای رازی بشنوید:

آیه الله اراکی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ (مجرى قمری) برای اینجانب نقل فرمود که دخترم، که همسر حجة الاسلام حاج سید آقای اراکی است می خواست مشرف به مکه شود ترس داشت از تراحم حجاج، که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد، من به او گفتم این ذکر را مداومت کن، **يَا حَفِیْظُ يَا عَلِیْمُ** و مشرف شد و بعد از مراجعت به من گفت: آن ذکر را مداومت نمودم و در موقع طواف، با ازدحام مردم مخصوصاً سودانی ها روبرو شدم. ترسیدم که من در اینجا محرمی ندارم تا مواظب من باشد که به من تنه نزنند و مرا نیاندازند یک وقت دیدم کسی به من گفت: توسل به امام زمان «عج»

۱- مشروح این ماجرا در کشف الغته، ج ۳، ص ۳۹۸ به بعد آمده است.

پیدا کن.

من گفتم: امام زمان (عج) گفت: همین آقا که جلوی تو می رود، امام زمان (عج) است.

من دیدم آقای بزرگواری در جلومن است و اطراف او به قدر یک متر تقریباً حریم است و خالی است و احدی جرئت ورود به این حریم را ندارد به من گفته شد در این حریم وارد شو، پشت سر آقا من فوراً قدم به حریم گذارده به طوری که دستم به پشت آقا می رسید و دست بر پشت آقا گذارده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم قربانت بروم، ای امام زمان (عج) به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت و اینکه دست یا بدن کسی به من بخورد انجام دادم و تعجب می کردم که چطور از این همه جمعیت کسی وارد حریم نمی شود و در هر مرتبه که خواستم طواف کنم به همین کیفیت بود منتهی به صورتهای دیگر!

۶- محبت امام زمان (علیه السلام) به شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد قبول شیعه و اهل تسنن بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود و در همه رشته های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می آمد: روزی در خانه بود، شخصی به حضورش آمد و پرسید زنی

حامله فوت کرده ولی بچه در رحمش زنده است، آیا او را همانطور دفن کنیم، یا شکمش را شکافته و بچه‌اش را بیرون آوریم؟
شیخ مفید (ره) گفت: همانگونه دفنش کنید، آن شخص برگشت و در وسط راه دید سواری به او نزدیک شد و گفت:
شیخ مفید (ره) فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچه را بیرون آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدتی جریان را برای شیخ مفید نقل کردند، شیخ متوجه شد که من کسی را نفرستاده بودم، معلوم است که آن سوار صاحب الامر (عج) بوده است، اکنون که در احکام اشتباه می‌کنم خوب است دیگر فتوا ندهم، در خانه‌اش را بست و از خانه بیرون نیامد.

ساعاتی نگذشت که از طرف امام زمان (عج) توقیعی (نوشته‌ای) به خدمت شیخ مفید گذاشته شد، که ای شیخ، برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد، و نمی‌گذاریم که در خطاء و اشتباه بمانی، آنگاه در مسند فتوا نشست.^۱

می‌نویسند: وقتی که شیخ مفید (ره) در سن ۸۵ سالگی در سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ قمری از دنیا رفت، آنچنان جمعیت از شیعه و سنی برای تشییع جنازه‌اش اجتماع کردند که تا آن روز بی نظیر بود و همه از شدت ناراحتی گریه می‌کردند^۲ وی را در حرم کاظمین (علیه السلام) دفن کردند.

۱- قصص العلماء، صفحه ۳۹۹.

۲- قاموس الرجال، جلد ۸، صفحه ۳۶۴.

چندین بار از جانب امام زمان (عج) برای این مرد بزرگوار، نوشته‌ای بخط شریف آن حضرت «عج» صادر شد، در آغاز یکی از آنها آمده: لِلْأَخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ... سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِينَا بِالْيَقِينِ....: «به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولی خالص در راه ما و دارای یقین به ما...».

و در توقیع دیگری آمده: سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ وَالِدَّاعِي إِلَيْهِ بِكَلِمَةِ الصُّدُقِ....: «سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان راستین...»^۱.

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت، با خط شریف امام زمان (عج) بر روی قبرش نوشته شده بود:

لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّمَا
يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غَيَّبْتَ فِي جَدَثِ الثُّرَى
فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ
وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا
تَلَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومٌ

:«خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل محمد (علیه السلام) روز مصیبت بزرگی است.

اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی، علم و توحید همراه تو اقامت کرد.
قائم مهدی (عج) خوشحال می شود هر وقت که درسها و علوم تو را برایش

۱- مشروح این دو توقیع در احتجاج طبرسی (ره)، ج ۲، ص ۳۲۲، به بعد آمده است در مورد توقیعات دیگر به بحار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ تا ۱۹۸ مراجعه شود.

می خوانند (کتابهای تو را طالبان، مورد مطالعه و بحث قرار می دهند)».

بالاخره در ضمن یکی از نامه‌ها (توقیعات) به شیخ مفید (ره) می نویسد:

ما به مناجاتهای تو توجه داریم، خداوند تو را به خاطر آن وسیله (و موفقیتی) که به تو از دوستانش بخشید حفظ کند و از توطئه دشمنان نگهدارد.^۱

گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید (ره):

در ضمن یکی از توقیعات یعنی نامه امام «عج» به شیخ مفید (ره) آمده:

ماگرچه در مکانهای دور از ظالمان، به سر می بریم، خداوند متعال (فعلاً) صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است، چنین خواسته^۲ ما به ماجرای زندگی شما کاملاً اطلاع داریم و از اخبار و آزاری که از ناحیه دشمنان به شما می رسد با خبریم، چنانکه با گذشتگان صالح چنین می شد... ولی ما شما را فراموش نمی کنیم و توجه کامل به شما داریم و گرنه سخت در فشار (دشمن) قرار می گرفتید، یا دشمن شما را نابود می کرد، تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنید...^۳

امام در ضمن توقیع دیگر برای شیخ مفید چنین می نویسد:

۱- احتجاج طبرسی (ره)، ج ۳، ص ۳۲۴.

۲- این جمله حاکی است که تا دنیا در دست رهبران فاسق است، امام (عج) پنهان است و باید دنیا را از دست رهبران فاسق گرفت تا زمینه سازی ظهور امام (عج) فراهم گردد.

۳- احتجاج طبرسی (ره)، جلد ۲، صفحه ۳۲۲.

کسی که از برادران دینیت، تقوا پیشه کند و از خدا بترسد و آنچه که بر عهده‌اش است به مستحقش واگذار نماید از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتفاق با صدق قلب، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی‌افتد، و سعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکونگهبان است، و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده محمد (صلی الله علیه وآله) و دودمان پاکش باد.

این نامه در آغاز شوال سال ۴۱۲ هجری قمری از ناحیه مقدسه امام عصر (عج) برای شیخ مفید صادر شده است.^۱

این گفتار حاکی است که پنهان شدن امام قائم (عج) بخاطر عدم پذیرش جامعه است، اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند به ملاقات امام (علیه السلام) خواهند رسید.

ضمناً ناگفته نماند که تویح (نامه) امام عصر (عج) برای بعضی از علمای دیگر نیز صادر شده از جمله برای «علی بن حسین بن موسی بن بابویه، معروف به «ابن بابویه» (پدر بزرگوار شیخ صدوق (ره)) که در قم در قسمت شمال اول خیابان چهارمردان مدفون است و حرم و بارگاه دارد، وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده است و به گفته ابن ندیم وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشته است، در سال ۳۲۹ به دیار ابدی مسکن گزید.

برگ سبزی از نگارنده، خطاب به امام زمان (عج)

بیا بیا که دل عاشقان برفت از دست

بیا بیا که چه بسیار غم به قلب نشست

بیا که فصل دراز خزان و غم تاکی؟

بکش تو از دل جانکاه، تیرها با شست

تو ای عزیز خداوند و سرور ثقلین.

تو ای نواده آن کو به آسمانها رفت

عنایت و کرمی کن به چاکران درت

اگرچه لایق آن نیست غافل و سرمست

بیا بیا که غمت کشت پیر و جوان

نجاتشان بده جانان، زدست مردم پست

بیا بیا که چه اندازه افتخار بود

محمدی به حضورت شود غلام دست^۱

۱- سروده نگارنده در عید نوروز سال ۱۳۵۱ شمسی - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن منتظر فرج هستیم، زیرا این روز از روزهای ما است (إنباء الهداة، ج ۷، ص ۱۴۲).

فصل هفتم

حکومت درخشان امام مهدی (علیه السلام)

ما نمی‌توانیم درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم (عج) را آنطور که هست نشان دهیم، ولی شاید با ذکر چند ویژگی از ویژگیهای این حکومت در همه زمینه‌ها، دورنمایی از این نظام بهشتی و سراسر عدل آن را توصیف نموده و در معرض دید خوانندگان قرار دهیم.

به طور کلی همانگونه که ائمه (علیهم السلام) و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا**
: «خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌کند» و این آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند: خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران ستمگر زنده می‌گرداند.^۱

۱- سوره حدید، آیه ۱۷.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۶۳ - ۱۳۰.

با مقایسه زمین خشک و مرده با زمین پر از گیاه و گل و میوه و سبزه و آب و مقایسه آن با حکومت مهدی (عج) بدست می آوریم که حکومت جهانی آنحضرت تا چه اندازه‌ای از عدل و صفا و امنیت و شادمانی در همه زمینها برخوردار است.^۱

اکنون برای آشنائی بیشتر با این دوران سراسر درخشان که خداوند به آن سوگند یاد کرده^۲ به ویژگیهای زیر که نمایانگر دورنمایی از آنست توجه کنیم، تا زمینه ساز این ویژگیها باشیم:

۱- توحید سراسری در همه زمینها:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم (عج) قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی شود مگر اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد - ولی کار بجائی می رسد - که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت، پنهان شده باشد، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در شکم من کافر است مرا بشکن و او را بکش.^۳
و در عبارت دیگر فرمود: قائم (عج) همه دین را در همه عالم آشکار می سازد.^۴

امام باقر (علیه السلام) فرمود: امام قائم (عج) هر منافق شکاکی را به قتل می رساند.^۵

۱- ویژگیهای این زمان در کتاب بحار، ج ۵۳، از صفحه ۱ تا ۳۸ آمده است.
۲- وَالْعَصْرِ (آیه ۱، سوره عصر) که یکی از تفاسیر آن سوگند به عصر درخشان حکومت حضرت مهدی (عج) است.
۳- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۴.
۴- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲، ص ۱۱۰.
۵- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲، ص ۱۱۰.

نیز فرمود: حکومت‌های باطل نابود گردد، حکومتش شرق و غرب را فراگیرد، دین خدا به وسیله قائم (عج) زنده گردد و بدعتها و باطلها نابود شود.^۱

امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی به مفضل فرمود:
به خدا سوگند، اختلاف از میان ادیان برداشته می‌شود و همه دینها به صورت یک دین درمی‌آید چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:
تنها دین در نزد خدا اسلام است^۲ به این ترتیب وحدت جهانی معنوی پدید می‌آید.

و به این ترتیب می‌بینیم توحید در حکومت و سیاست و دین و قانون و در یک کلمه توحید در تمام زمینه‌ها که شالوده اساسی یک حکومت درخشان است، در حکومت مهدی (عج) تحت رهنمودهای آن بزرگمرد الهی پدیدار می‌شود، به عبارت دیگر، نفوس مردم، تکامل و رشد می‌یابد که در این صورت پایه نخستین حکومت عدل جهانی برقرار شده است، آنها در سطح کل جهان، چنانکه در ذیل روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: در تمام نقاط مشرق و مغرب کسی باقی نمی‌ماند جز اینکه معتقد به یکتائی خدا است.^۳

۱- منتخب الاثر، صفحه ۴۷۱ - ۴۷۳ - امام بر اساس دلیل و منطق با مردم برخورد می‌کند و حجت را بر آنها تمام می‌نماید، امام باقر (ع) در این باره فرمود: امام قائم (عج) به یارانش می‌فرماید:

مردم مکه، به سوی من نمی‌آیند، ولی من می‌فرستم سراغ آنها، و به آنچه که شایسته من است بر آنها استدلال می‌کنم (بحار، جلد ۵۲، طبع جدید، صفحه ۳۰۷).

۲- بحار، طبع قدیم، جلد ۱۳، صفحه ۲۰۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۶.

و چنانکه امام باقر (علیه السلام) فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ
كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ:

«وقتی که قائم (عج) ما قیام کرد، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان
می‌گذارد و به وسیله آن عقلا و اندیشه‌هایشان را به کمک هم گرفته و کامل
می‌سازد.»^۱

در اینجا اضافه می‌کنیم که آنحضرت اسلام را مو به مو و با کمال
قاطعیت اجراء می‌کند، زناکار محصن را سنگسار می‌نماید، و مانع
زکات را گردن می‌زند.^۲

۲- پیشرفت عجیب علوم

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش
بسرزائی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل
را رفع می‌کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی (عج) یکی از امور،
پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه‌ها است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اصول علم و دانش دارای ۲۷ حرف
(رشته) است، تمام پیامبران آنچه برای مردم تا حال آورده‌اند دو
حرف بوده، وقتی که قائم (عج) ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر علوم را
نیز آشکار می‌سازد و در میان مردم رواج می‌دهد و ضمیمه آن دو
حرف می‌کند تا ۲۷ حرف تکمیل گردد.^۳

۱- اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۵.

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

حکومت درخشان امام مهدی «علیه السلام» ۲۲۷ □

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و... نیز پدید خواهد آمد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ:

«مؤمن در عصر حکومت مهدی (عج) در مغرب سکونت دارد، برادرش را

که در مشرق است می بیند.»^۱

خود امام قائم (عج) نیز همچون علی (علیه السلام) اعلام می کند:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا:

«قبل از آنکه از میان شما بروم هرگونه سؤال دارید از من پرسید چراکه

سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است.»^۲

اینها نمونه‌هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت و رشد

همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی مهدی (علیه السلام)

می کند.

۳- پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات:

در تعبیری از ائمه معصومین (علیه السلام) رسیده که وَلَا يَبْقَى فِي

الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعَمَّرُهُ: «در همه زمین جای خرابی نماند بلکه همه را آباد

خواهد ساخت.»^۳

و در عبارتی آمده پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: در آن زمان زمین

کبِد و اشیاء گرانقیمت خود را بیرون می فرستد و ثروت بی حساب

۱- منتخب الاثر، صفحه ۴۸۳ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۶.

۲- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۲۷۲.

۳- اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰ - کشف الغمّه، جلد ۳، ص ۳۷۶.

در میان مردم پخش می شود.^۱
و دامداری نیز در این عصر به طور چشمگیر پیشرفت می کند.^۲

۴- برادری و صفا و صمیمیت:

در آن زمان نه تنها مردم در جهت ظاهر و مادی پیشرفت عجیبی می کنند بلکه از لحاظ معنوی نیز که بسیار مهم و هدف اصلی است رشد شایانی دارند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامِلَةُ وَ آتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ
لَا يَمْنَعُهُ.

«وقتی که قائم (عج) قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوریکه هرکس دست به جیب برادرش کرده به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی دارد.»^۳

کوتاه سخن اینکه یک اقتصاد سالم ضد طبقاتی بر اساس عدل و مساوات اسلامی برقرار می گردد.^۴

۵- امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت:

در جهان مفاهیم، واژه‌هایی بهتر از عدالت و برکت و امنیت و وفور نعمت نداریم.

۱- منتخب الاثر، صفحه ۱۶۸.

۲- المجالس السنیة، جلد ۵، صفحه ۷۰۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۳ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۴- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۵.

در حکومت درخشان حضرت مهدی (عج) تمام این مفاهیم به نحو احسن محقق می‌گردد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: در آن زمان اگر پیرزنی از مشرق به مغرب برود کسی به او کار ندارد.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم (عج) قیام کرد، داوری به عدالت می‌کند و ظلم و جور از میان می‌رود، و راهها امن می‌شود، زمین برکتهای خود را آشکار می‌سازد، و هر حقی به صاحبش برمی‌گردد، و همه مردم معتقد به اسلام می‌شوند.^۲

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در ضمن روایتی فرمود:
تَنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يُنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا (کنوزها - خ
ل) وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئًا وَالْمَالُ يَوْمئِذٍ كَدَّوْسٍ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي
أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ.

«آنچنان در میان امت من وفور نعمت می‌شود که مثل آن هرگز نبوده است، زمین گنجها و میوه‌های خود را آشکار می‌سازد و از آنها چیزی گنج نکند، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر دست و پا افتاده باشد، شخص می‌آید و می‌گوید: ای مهدی (عج) از اموال به من بده امام به او می‌فرماید: بگیر.»^۳
و در عبارت دیگر فرمود: خداوند باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد و از زمین چیزی از گیاه نماند مگر این که سبز گردد.^۴

حضرت رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود: قائم (عج) وقتی که

۱- المجالس السنیة، جلد ۵، صفحه ۷۰۶.

۲- المجالس السنیة، جلد ۵، صفحه ۱۱۰ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۶۵.

۳- کشف الغمّه، صفحه ۳۸۲ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۲.

۴- کشف الغمّه، صفحه ۳۷۶ و ۳۹۰.

ظهور کرد نورش جهان را روشن می‌کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می‌دهد، هیچکس به کسی ظلم نمی‌کند، زمین برای او در نور دیده می‌شود (یعنی به هر جای زمین برود فوری و آسان است) سایه ندارد و...

باز نقل شده که در سال قیام آنحضرت بیست و چهار بار باران بیارد که آثار و برکات آن دیده شود.^۱

جالب اینکه: وفور نعمت و به عبارت دیگر اقتصاد خوب و خودکفائی در حدی است که مردم بی نیاز می‌شوند و کسی برای صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی‌کند، چراکه همه مردم خودکفا و بی نیازند.^۲

علاوه بر این پیشرفتها، پیشرفتهای دیگری نیز در شهرسازی و راه سازی و نوسازی و توسعه نهضت سوادآموزی و پیشرفت قضائی و در یک کلمه پیشرفت در همه زمینه‌ها به وجود می‌آید.^۳ کوتاه سخن آنکه: یک نهضت به تمام معنی پر از صفا و صمیمیت در دنیا به وجود خواهد آمد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم (عج) ما قیام کند سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، یعنی عدل و داد (در سراسر زمین را تا آنجا که طبیعت زمین پذیرا باشد) اجرا خواهد شد.^۴

۱- کشف الغمّه، صفحه ۳۵۶ و ۴۴۶-اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۲- بحار، ط قدیم، ج ۱۳- کشف الغمّه، جلد ۳، ص ۳۶۵.

۳- اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۱۱ و بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴- نور الثقلین، ذیل آیه ۸۶، زمر.

۶- توجه کامل به اماکن مقدسه و توسعه شهرها و بهداشت:
از آنجا که اماکن مقدسه مانند مسجد و... پایگاه مرکزی برای عبادت و تعلیم و تعلم در جهت تکامل نفوس است، امام قائم (عج) در این جهت نیز توجه خاص دارد، به طوری که امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی قائم (عج) ما ظهور کرد در پشت کوفه، مسجدی می سازد که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو نهر کربلا متصل می گردد.^۱

ایجاد مسجد بزرگی در پشت کوفه (صحرای نجف) در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که مضمونش چنین است:

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: گویا حسنی^۲ را (در کوفه) با حسینی (ظاهراً منظور امام قائم است) می بینم که حسنی با یارانش با حسینی بیعت می کنند و در اطراف آن حضرت هستند، تا در جمعه دوم مردم گویند نماز پشت سر امام قائم (عج) مساوی با نماز پشت سر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است اما با کثرت جمعیت در مسجد کوفه جا نمی شود، امام «عج» به پشت کوفه رفته و خط مسجد بزرگی را می کشد که آن مسجد هزار در دارد، تا مصلائی بزرگ و فراگیر برای همه جمعیت باشد.^۳

در نوسازی و شهرسازی، خانه های کوفه به خانه های کربلا

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۹ و بحار، ط جدید، ج ۵۲، ص ۳۳۰ و کشف الغم، جلد ۳، صفحه ۳۶۱.

۲- منظور، «سید حسنی» است که شرح قیام او را قبلاً ذکر کردیم.

۳- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.

متصل می شود.^۱

کوتاه سخن اینکه: آن چنان شرائط زندگی سالم در تمام ابعادش در زمان حکومت امام عصر (عج) فراهم خواهد شد که به فرموده امام صادق (علیه السلام) یک مرد در این عصر چنان عمر طولانی می کند که دارای هزار فرزند می شود.^۲

امام باقر (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم «عج» قیام کرد به کوفه می رود چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید. هر مسجدی که در زمین مُشْرِف (برخانه های مردم) باشد،^۳ ویران می کند، راهها را وسیع می نماید، به این ترتیب می بینیم حتی اگر مسجد هدف غیر اسلامی داشت ویران می شود.

آری هر مانعی که در راهها است از میان برمی دارد و عوامل ناپاکی و کثیفی و حتی ناودانهائی که موجب این کثافتها می شوند از بین می برد، هر بدعتی را نابود و هر سنت نیکی را احیاء می سازد، قسطنطنیه (واقع در ترکیه) و کوههای گیلان و چین را فتح می کند...^۴ جالب این که در این عصر درخشان، امکانات یک فرد صالح و مؤمن، پرنده را از هوا فرود می آورد و آن را ذبح کرده و می پزد و

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

۲- اعلام الوری، ص ۴۳۴.

۳- گویا منظور چهار مسجدی است که دشمنان اهلیت (علیهم السلام) هر یک از آن را برای تشویق به نام یکی از دشمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین (علیه السلام) ساختند که عبارتند از «مسجد ثقیف» (بنام مغیره بن شعبه ثقفی) و مسجد اشعث (بنام اشعث بن قیس سرکرده منافقین) و مسجد جریر بنام جریر بن عبدالله مخالف امام علی «علیه السلام» و مسجد سماک (بنام سماک بن مغزمه اسدی که از فراریان جنگ صفین است) - تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۵۰.

۴- اعلام الوری، صفحه ۴۳۲ - بحار الانوار، جلد ۵۲، طبع جدید، صفحه ۳۳۹.

می خورد.^۱

در میان این امور، آنچه که بسیار مهم است و امور دیگر مقدمه و وسیله آن است، تکمیل نفوس و بالا بردن سطح معلومات و معنویات است، که هدف تمام پیامبران و اولیاء خدا همین بوده است (البته در پرتو تکمیل نفوس، سایر مواهب مادی نیز به دست می آید).
ما وقتی که آیه ۵، سوره قصص (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...) را که در مورد حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد تحت مطالعه قرار می دهیم، واژه مستضعف را در روایات امامان می نگریم می بینیم بیشتر روایات، مستضعف را به معنی کم عقل و کم سواد، هدایت نشده، بی خبر از قرآن و ناتوانی در فکر و شناخت گرفته اند.^۲

امام باقر (علیه السلام) در معنی مستضعف فرمود:
الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا، لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةَ الْكُفْرِ وَكَمْ يَهْتَدُوا فَيَدْخُلُوا فِي الْإِيمَانِ فَلَيْسَ هُمْ مِنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ:

«آنانکه چاره ای ندارند و به راه هدف، هدایت نمی یابند، توانائی تشخیص تزویر کفر را ندارند، و راهی به هدایت نبرده اند تا ایمان آورند، آنها نه کافر و نه مؤمن هستند»^۳

نتیجه می گیریم: که اهم هدف امام قائم (عج) تکمیل نفوس و آگاه کردن مردم و خط دادن به آنها و هدایت کامل معنوی و علمی آنها و نجات دادن آنها از استضعاف در جهت معنی و فکر و اندیشه است،

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۴۶.

۲- این روایات در معانی الاخبار، صفحه ۲۰۰ به بعد آمده.

۳- معانی الاخبار، صفحه ۲۰۳.

در اینجا سخن را کوتاه کرده و آن را با اشعار ذیل و چند سخن از بزرگان پایان می‌بریم:

سراسر سخن آن آرامگه جنات موعودی

بعینه چون بهشت کردگار آن ساحت غبرا

نه دردی هست و نه رنجی نه آلامی نه اسقامی

نه سودای تنی افزون شود نه کاهش صفرا

هزاران گل شکفته گردد از آسیب گل چینان

به صدشادی کنار گل کشد صد عند لیب آوا

چریدی و چمیدی درامان ز آسیب صیادان

غزال کوهی و آهوی دشتی، شادر در صحرا

وبالآخره به فرموده امام صادق (علیه السلام)

فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَخَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ.

«ای خوشا به سعادت آنکس که امام مهدی (عج) را درک کند و از یاورانش شود، و ای، وای از هرجهت وای بر کسی که با او مبارزه و مخالفت کند، و از فرمانش سرپیچی نماید و در وصف دشمنانش قرار گیرد.»^۱

و به قول ابن عباس (ره) صحابی معروف پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و مفسر بزرگ فطوبی لِمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ: «خوشابه سعادت کسی که زمان ظهور قائم (عج) را درک کند.»^۲

و به فرموده امام علی (علیه السلام): آيَةُ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱.

حکومت درخشان امام مهدی «علیه السلام» ۲۳۵ □

اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: «می خواهیم بر آنانکه در زمین مستضعف شمرده شدند منت نهیم و آنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم.» (فصل، آیه ۵) در مورد آل محمد (صلی الله علیه وآله) است که مهدی (عج) آنها پس از رنج و سختی آنها، نهضت کند و به آنها عزت بخشد و دشمنان آنان را خوار نماید.^۱

دولت کریمه:

یکی از دعاهائی که شبهای ماه مبارک رمضان می خوانیم، دعای افتتاح است، این دعا را حضرت ولی عصر (عج) به محمد بن عثمان (دومین نائب خاص از نواب اربعه) تعلیم داده و او منتشر نموده است.

سید بن طاووس (ره) در اقبال خود در ذکر اسناد دعاهای ماه رمضان، دعای افتتاح را پس از ذکر یک سلسله از ناقلین به احمد بن عثمان می رساند که محمد بن عثمان (ره) آنرا از امام زمان (عج) گرفته است.

علامه مجلسی (ره) در زادالمعاد نیز همین سند را نقل کرده و آنرا سندی معتبر می داند و می گوید: امام زمان (عج) آنرا برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده استغفار می کنند.

نکته اینکه: در این دعای شریف به طور جامع به ویژگیهای حکومت مهدی (عج) که به عنوان «دولت کریمه» خوانده شده اشاره شده است توجه عمیق به معنی این دعا برای منتظران مهدی (عج)

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰.

لازم است.

دولت کریمه عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند، و توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می‌کند.

حضرت رضا (علیه السلام) در انتظار رسیدن چنین حکومتی دو آیه از قرآن را ذکر فرمود:

۱- وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ: «شما در انتظار بمانید، من هم در انتظارم.» (هود - ۹۳)

۲- فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ: «شما منتظر باشید من با شما منتظر هستم.» (اعراف - ۷۱)

گرچه آیه اولی از قول حضرت هود (علیه السلام) و آیه دومی از قول حضرت شعیب (علیه السلام) به قوم خود است، ولی حضرت رضا (علیه السلام) تأویل فرمودند به ظهور امام زمان (علیه السلام) که همه باید در انتظارش باشیم، و فرمود: این انتظار نیکو انتظاری است (توضیح بیشتر در کتاب بیان حقیقت که در شرح همین دعای شریفه است).

توجه امام (علیه السلام) به مکه، کوفه و قم

یکی از شئون یک حکومت جهانی، ویا فراهم آوردن مقدمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، بخصوص از نظر معنوی است.

این مراکز همچون پایگاه و هسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد.

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز به خصوص اسم برده شده:

۱- مکه. ۲- کوفه. ۳- قم که اینها در پیشبرد نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) اثر به سزائی دارند.

ما در اینجا با رعایت اختصار، شرحی درباره این سه مرکز ذکر می کنیم، تا رهنمودی برای مسلمین و آینده سازان منتظران حضرت مهدی (عج) باشد و روز بروز بر رونق این سه مرکز در ابعاد مختلف بیفزایند:

۱ - مکه مرکز اولین جرقه های انقلاب جهانی مهدی (عج):
در روایات می خوانیم: حضرت مهدی (عج) در مکه کنار کعبه
ظهور و خروج می کند.^۱

هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند و صدایش را بلند می نماید که:
هان ای مردم جهان، کسی که می خواهد به آدم (علیه السلام) و
شیث (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به
ابراهیم (علیه السلام) و اسماعیل (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که
می خواهد به موسی (علیه السلام) و یوشع (علیه السلام) بنگرد به من
بنگرد، کسی که می خواهد به عیسی (علیه السلام) و شمعون (علیه السلام)
بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمد (صلی الله علیه وآله) و
امیر مؤمنان (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به
حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که
می خواهد به امامان (علیهم السلام) از فرزندان حسین (علیه السلام) بنگرد
به من بنگرد و به ندای من پاسخ مثبت دهید، من از آنچه که آنها
خبر داده اند و آنچه که خبر نداده اند به شما خبر می دهم.^۲

خلاصه این روایت این است که تمام صفات پیامبران بزرگ و
رسولان و اوصیاء آنها در وجود من جمع است، من غیر از آنچه آنها
آورده اند، شما را به زیادت از آن آشنا می کنم، و اهداف آنها را
تکمیل می نمایم.

شما پیرو هر دینی هستید، گمشده شما در وجود من است به گرد

۱- کشف الغمّه، ج ۳، صفحه ۱۲۹.

۲- بحار، ج ۵۳، ص ۹.

توجه امام «علیه السلام» به مکه، کوفه و قم ۲۳۹ □

من جمع شوید که به هدف کامل زندگی خود خواهید رسید.
امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه وَ آذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَيَّ
النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.^۱

:«و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج
اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند.»
فرمود: منظور خروج قائم (عج) و دعوت او از مردم به سوی
رهبری خود است.^۲

ناگفته نماند امام باقر (علیه السلام) در این حدیث یکی از مصادیق
روشن این دعوت عمومی را بیان می فرماید، که در آن وقت این
دعوت به صورت کامل جامه عمل می پوشد و تحقق عینی می یابد.
موضوع دیگر اینکه: یاران امام زمان (عج) پس از ظهور در مکه
(چنانکه قبلاً گفتیم) به آنحضرت می پیوندند که از جمله آنها ۳۱۳ نفر
یاران خاص هستند و سرانجام ۱۰/۰۰۰ نفر شده و به سوی مدینه
رهسپار می شوند...^۳

موضوع دیگر اینکه: امام زمان (عج) مسجدالحرام را خراب کرده
به اصل خود برمی گرداند و همچنین، مقام حضرت ابراهیم
(علیه السلام) را به جای اصلی خود برمی گرداند.

در این مورد امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی که قائم (عج) قیام
کند، مسجدالحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد،
مقام ابراهیم (علیه السلام) را به محل اصلی خود می گذارد، دستهای

۱- سوره توبه، آیه ۳.

۲- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۹۹.

۳- اعلام الوری، صفحه ۴۳۱.

□ ۲۴۰ امام زمان (علیه السلام)

کلید داران (خائن...) را قطع کرده و در کعبه آویزان می‌نماید و بر آنها می‌نویسد اینها دزدان کعبه هستند.^۱

و ۳/۰۰۰ نفر از خائنان و چپاولگران مکه را در شش نوبت به قتل می‌رساند.^۲

از این مطالب نتیجه می‌گیریم که نخستین جرقه‌های انقلاب جهانی آنحضرت در مکه بروز می‌کند. و به این ترتیب می‌بینیم آنحضرت مسائل تشریفاتی و تزئینی و فرعی را از بین برده، و مردم را به ابعاد اصلی حج که مهمترین آن، بُعد سیاسی و عبادی آن است متوجه می‌سازد.

با توجه به اینکه در اسلام، بُعد سیاسی نیز عبادت است. و این یک درس بزرگی است برای طرفداران مهدی (عج) که مکه این مرکز استراتژیکی و مهم دنیای اسلام را به صورت کانون آتشفشان عدالت و معنویت و اتحاد بر ضد استکبار جهانی درآورند. و آنرا آماده ظهور امام عصر (عج) کنند و از زیر یوغ استکبار، خارج نمایند.

در اینجا سخن را رها کرده و به گفتار پر مغز امام خمینی که در پیامب مهم خود به مسلمانان در آستانه برگزاری کنگره عظیم جهانی حج سال ۱۳۶۳ (چهارم شهریور مطابق ۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۴) ابلاغ فرموده اشاره می‌کنیم.

...ابعاد مختلف این فریضه الهی عظیم سرنوشت ساز «حج» به

۱- اعلام الوری، صفحه ۴۳۱ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۳۵ - ۱۱۸.

۲- اعلام الوری، صفحه ۴۳۱.

توجه امام (علیه السلام) به مکه، کوفه و قم ۲۴۱ □

واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه کشورهای اسلامی و کج فهمی‌های بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است، کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف و آن را از حکومت طاغوت بدتر می‌دانند...

...از همه ابعاد حج، مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگل است، بیشتر از هر زمان، موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند...

روزی که ولی الله اعظم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر و از ستمگران پشتیبانی می‌نمایند!

...مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه، نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود...

...اگر در این کنگره جهانی که همه اقشار ملت‌های مظلوم اسلامی از هر قشر و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر ولی با

۱- جالب اینکه در روایات آمده اولین دسته‌ای که با پیام امام زمان (عج) مخالفت می‌کنند، علما هستند (ظاهراً همین دسته از علمای درباری باشند).

روش واحد و لباس مشابه، دور از هر آرایش و آرایش اجتماع نموده‌اند، مسائل اسلامی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان، از هر فرقه حل نشود حکومت‌های مستکبر و زورگو نیز جایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منقطه‌ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری بدست نخواهیم آورد...

بیتی که برای قیام، تأسیس آن هم قیام ناس و لِلنَّاسِ، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف بزرگ انجام داد، مجرد کلید دارای بیت و سقایت حجاج و عمارت مسجد الحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست، ساده بودن بیت و مسجد همچون زمان ابراهیم (علیه السلام) و صدر اسلام و بهم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آرایش و وافدین بی پیرایش هزاران مرتبه بالاتر از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است می باشد.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ^۱

گوئی این آیه در عصر ما نازل شده و گویای حال ما است، در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجاج و به عمارت و

۱- آیا سیراب کردن حجاج و آباد کردن مسجد الحرام را همانند عمل کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه او جهاد کرده است؟ (این هردو) هرگز نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند (توبه، آیه ۱۹).

توجه امام «علیه السلام» به مکه، کوفه و قم ۲۴۳ □

تزیین مسجد الحرام و غفلت از ایمان به خدا و روز قیامت و کناره گیری از جهاد فی سبیل الله را شعار خود قرار داده اند و کسانی که به این آیه عمل کنند آنها را ظالم می خوانند.

و آیه ۳، سوره توبه و آذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ... درست بر خلاف رفتار آخوندهای درباری و تأمین کننده منافع شیطان بزرگ آمریکا است... که فتوا می دهند حج باید از این مسائل بدور باشد...

مسأله، مسأله حضور در محضر است و شاهد جمال محبوب گوئی گوینده از خود در این محضر بی خود شده و جواب دعوت را تکرار می کند، و دنباله آن سلب شریک به معنی مطلق آن می نماید.

باید متوجه باشند که حج آنها حج ابراهیمی (علیه السلام) أبوالانبياء صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ باشد و حَجِّ مُحَمَّدِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْأُمَّةَ أَكْثَرَ الضُّبْحِجِّ وَأَقَلَّ الْحَبِجِّ (چقدر ناله کن زیاد است ولی حاجی حقیقی کم است)...

از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم.^۱

روح الله الموسوی الخميني (ره)

نتیجه اینکه: مسلمانان دوستدار حضرت قائم (عج) باید به مکه و کعبه و حج، اهمیت فراوان بدهند و فلسفه حج را درک کنند و اجرا نمایند و بدانند که عرفات مرکز شناخت و مشعر مرکز شعور و منی

۱- نقل فرازهائی از پیام حضرت امام (ره) از روزنامه اطلاعات، شماره ۷۳۸۷، پنجشنبه ۸ شهریور ماه صفحه ۳ که بمناسبت ایام حج بیان فرمودند.

مرکز عشق و قربانی و ترور شیاطین تجسم یافته است در این صورت کمک بزرگی به فراهم شدن اسباب کار در مورد ظهور آن حضرت کرده‌اند.

در اینجا این مطلب را با سخنی از وصیت امام علی (علیه السلام) به دو فرزندش امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) پایان می‌بریم.

اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ كَمْ تَنْظُرُوا.

«خدا را، خدا را، در مورد خانه پروردگارتان (کعبه) آنرا تا زنده هستید خلوت نکنید، زیرا اگر این خانه ترک شود، کرامت و عزت خود را (از طرف خدا و مردم) از دست خواهید داد.»^۱

آری باید مسلمانان با طرح جامع ایجاد شورای اسلامی اداره امور حج، با موج عظیم میلیونی همه ساله مسلمانان را خط بدهند و نتایج سودمندی از این مرکز عبادی سیاسی بگیرند، و بدانند که مراسم حج تنها بُعد عبادی آن نیست و گرنه امام حسین (علیه السلام) روز هشتم ذی الحجّه حج را رها نمی‌کرد و به سوی جهاد نمی‌رفت. ناگفته نماند که مدینه نیز از مراکز مهم در رابطه با حکومت حضرت مهدی (عج) است که آنحضرت با یاران خود از مکه به مدینه آمده و در آنجا جمعیت‌های زیادی به آن حضرت می‌پیوندند و عده‌ای از مخالفان سرکوب می‌شوند (از اینکه مدینه را مستقلاً ذکر نکردیم چون آنرا جزء حجاز و در قلمرو مکه به حساب آوردیم). اینک به این روایت توجه کنید:

توجه امام (علیه السلام) به مکه، کوفه و قم ۲۴۵ □

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مکه، حرم خدا و حرم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و حرم امام علی (علیه السلام) است و یک نماز در مکه معادل با ۱۰۰/۰۰۰ نماز است، اتفاق یک درهم در مکه معادل با اتفاق ۱۰۰/۰۰۰ درهم است، مدینه حرم خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام) است و یک نماز در آن معادل با ۱/۰۰۰ نماز و اتفاق یکدرهم در آن معادل اتفاق ۱/۰۰۰ درهم است.^۱

روایات دیگری نیز در شأن و مقام مدینه آمده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

۲- کوفه مقرّ حکومت حضرت مهدی (عج):

قبلاً گفتیم، امام قائم (عج) پس از ظهور از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می شوند و مقر حکومت آنحضرت کوفه است یعنی همان محلی که مقرّ حکومت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: گوئی قائم (عج) را می بینم در نجف کوفه که از مکه به آنجا آمده در حالی که ۵/۰۰۰ فرشته که جبرئیل (علیه السلام) در طرف راستش و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپش و مردم با ایمان در حضورش هستند، و آنحضرت لشکرها را در شهرها گروه گروه پراکنده می کند.^۲

۱- تهذیب، شیخ طوسی.

۲- اعلام الوری، صفحه ۴۳۰.

در کوفه حدود ۱۰/۰۰۰ نفر که «بتریه» نام دارند، جلو آنحضرت را می‌گیرند و به او می‌گویند از همانجا که آمده‌ای برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه (علیهم السلام) نداریم، با آنها جنگ می‌کند و همه آنها را به هلاکت می‌رساند، و آن گاه وارد کوفه شده و هر منافق شکاک را می‌کشد، و کاخ‌های عظیم را ویران می‌سازد، و جنگ افروزان را به قتل می‌رساند تا خداوند خشنود گردد.^۱

آنحضرت در کوفه به توسعه راهها و خیابانها و شهرها و مساجد می‌پردازد بیست و هفت نفر که اصحاب کهف و یوشع (علیه السلام) و سلمان (ره) و ابودجانة (ره) و مقداد (ره) و مالک اشتر (ره) در میانشان است در نجف به آنحضرت می‌پیوندند و در صف یاران آنحضرت قرار می‌گیرند.

بالآخره آنچنان در جهت ظاهر و باطن مردم به طور سریع و وسیع کار را به پیش می‌برد که خداوند سراسر زمین را به نور الهی روشن می‌کند و دیگر مردم نیازی به نور خورشید ندارند، ظلمت و تاریکی (ظلم و فساد) از بین می‌رود، یک نفر مرد در زندگی خود آنقدر عمر می‌کند که دارای ۱/۰۰۰ فرزند می‌شود...^۲

موضوع دیگر توسعه دادن به شهر کوفه است که خانه‌های کوفه به رود کربلا متصل می‌شود، و مسجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می‌شود که ۱/۰۰۰ در دارد.

و بیت کوفه به حدی می‌شود که اگر مردی در کوفه سوار بر استر

۱- اعلام الوری، صفحه ۴۳۲.

۲- اعلام الوری، صفحه ۴۳۳ - ۴۴۴.

توجه امام «علیه السلام» به مکه، کوفه و قم ۲۴۷ □

راهوار بشود تا خود را به نماز جمعه برساند، نماز جمعه را درک نمی‌کند در صورتی که آن مرد در کوفه سکونت دارد.^۱

به این ترتیب می‌بینیم کوفه (که عبارت دیگر آن شامل نجف و عراق است) پایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، همان جایی که در طول تاریخ پایگاه مردان بزرگ چون ادریس (علیه السلام) و نوح (علیه السلام) و ابراهیم (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) و امام علی (علیه السلام) و امامان دیگر بوده است.

که در روایات آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود: کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر حضرت نوح (علیه السلام) و ابراهیم (علیه السلام) و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصی و قبر سرور اوصیاء حضرت امام علی (علیه السلام) در کوفه است.^۲

قبر مردان بزرگی همچون مسلم (علیه السلام) نماینده اول امام حسین (علیه السلام) و قبر هانی (ره) و مختار (ره) نیز در کوفه است.

و حضرت امام علی (علیه السلام) در تفسیر آیه ۵۰ سوره مؤمنون: وَآوَيْنَا هُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَتَعِينٍ (ما حضرت عیسی «علیه السلام» و مادرش مریم (علیها السلام) را پناه دادیم در مکانی بلند و خوب) فرمود: منظور از این مکان (رَبْوَةٍ) کوفه است و منظور از «قَرَار» مسجد است و منظور از «تَعِين» فرات است.^۳

۱- ارشاد اهل قبله الی ما ورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار.

۲- ارشاد اهل قبله الی ماورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار، (هم اکنون نجف اشرف به کوفه متصل شده است).

پیامبر (ص) فرمود: عصای موسی (ع) و انگشتر سلیمان و محل اصلی جوشیدن آب در طوفان نوح و محل تجمع پیامبران در مسجد کوفه بوده است. (تهذیب، ج ۳، ص ۳۵۲).

۳- ارشاد اهل قبله، صفحه ۳۰.

موضوع دیگر این که مهمترین مسجد، پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه قرار گرفته است.

در روایات آمده حضرت ادریس (علیه السلام) پیامبر در این مکان (که اکنون مسجد سهله است) خیاطی می کرد، و حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آنجا به سوی عمالقه بیرون رفت و...

امام صادق (علیه السلام) فرمود: گویا می بینم، حضرت قائم (عج) را در مسجد سهله همراه خانواده خود، سپس فرمود: هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر اینکه در این مسجد نماز خواند...

یکی از یاران بنام ابو بصیر (ره) عرض کرد: آیا امام قائم (عج) همواره و همیشه در این مسجد خواهد بود؟
فرمود: آری.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است.^۱

او عرض کرد: (امامان) بعد از قائم (عج) چطور؟
حضرت فرمود: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد.^۲

از این حدیث استفاده می شود که در دوران رجعت، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند.

۱-...أَمَّا إِنَّهُ (مسجد سهله) مَنَزَلٌ صَاحِبُنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ (تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۵۲).

۲- ارشاد اهل القبلة، صفحه ۷۲، تا ۷۶ به نقل از بحار.

توجه امام «علیه السلام» به مکه، کوفه و قم ۲۴۹ □

در مورد فضائل و مقدس بودن سرزمین کوفه روایات بسیار به ما رسیده است، و همچنین در مورد اهل کوفه امام صادق (علیه السلام) در این مورد فرمود: مؤمنین کوفه حجت مردم سایر بلاد هستند، و نیز خداوند قم و اهلش را حجت بر سایر مردم قرارداد.

و یک قسمت از روایات حاکی است که هیچکس قصد سوء به کوفه نداشت مگر اینکه به هلاکت رسید، کوفه محل امن است و خداوند بلا را از آن رفع نموده است.

و در روایتی که مرحوم صدوق (ره) در کتاب معانی الاخبار نقل می کند امام کاظم (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می فرمود: خداوند چهار سرزمین را اختیار و امتیاز بخشید چنانکه در قرآن فرمود:

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ:

«سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر با امن.»

(منظور از تین، مدینه است و منظور از زیتون، بیت المقدس است و منظور از طور سینین، کوفه است و منظور از شهر با امن مکه می باشد.)^۱

و در موضوع دفع و رفع بلا از این شهر روایات بسیار است از جمله در نهج البلاغه آمده که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «گوئی ترا می بینم ای کوفه، که همچون چرم بازار عکاظ که مالش داده و کشیده می شود، محل تاخت و تاز حوادث و حمله قرار می گیری، من به طور حتم می بینم که هر ستمگری به تو نظر سوئی داشت، خدا او را گرفتار می سازد»

۱- ارشاد اهل قبله، صفحه ۲۹.

و یا به قتل می‌رساند.^۱

همانگونه که علی (علیه السلام) فرمود: همانطور شد، کسانی که قصد خیانت به این شهر داشتند، همه ذلیل و به هلاکت رسیدند.

جنایتکار معروف «زیاد» جذام گرفت، شکم حجاج پر از مار شد، عمر بن هبیره و پسرش یوسف به برص مبتلا شدند، عبیدالله بن زیاد و مُصعب و ابوالسرایا به قتل رسیدند.^۲

شرکت کنندگان در خون حضرت مسلم (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) هریک به دست مختار (ره) مفتضحانه به درک واصل شدند.

به هر حال این شهر پر سابقه و مقدس و درکنارش حوزه عملیه نجف اشرف و قبر مقدس علی (علیه السلام)، این شهر حماسه‌ها و خاطره‌ها، پایگاه مرکزی حکومت مهدی (عج) قرار می‌گیرد، و با توجه به موقعیت استراتژیکی سرزمین عراق و اتصال آن به سوریه و فلسطین و سپس سرزمین حجاز، و از یک طرف به ترکیه و شوروی و ایران و... مرکز بسیار مناسبی در جهان اسلام برای مرکز حکومت جهانی اسلام و برای مرکزیت حکومت جهانی است، نتیجه این که: طرفداران امام قائم (عج) باید عراق را از لوٹ طاغوتیان پاک سازند، و حوزه علمیه نجف را توسعه دهند و زمینه ساز خوبی برای ورود امام قائم (عج) باشند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۷.

۲- منهاج البراعه، جلد ۴، صفحه ۲۶۶.

توجه امام «علیه السلام» به مکه، کوفه و قم ۲۵۱ □

۳- قم آشیانه اهل بیت (علیهم السلام) و مرکز نشر اسلام:

در مورد قم و فضیلت این سرزمین نیز، مطالب بسیاری گفته شده است از جمله:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) حرمی است و آن مدینه است و برای علی (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و بزودی بانوئی از فرزندان من در آن سرزمین دفن شود که نامش فاطمه (علیها السلام) است، هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود.

امام صادق (علیه السلام) این سخن را قبل از تولد امام کاظم (علیه السلام) فرمود.^۱

و نیز در ضمن گفتاری فرمود: مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حق ما هستند، آنگاه امام صادق (علیه السلام) سرش را به سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده.

موضوع دیگر در قم وجود حوزه علمیه مقدسه قم است، که توسط آن، اسلام به جهان منتشر شده و می شود.

و همچنین حدود ۴۴۴ امامزاده در این شهر مدفون هستند و اصحاب ائمه (علیهم السلام) و علماء و مراجع و شهدای بزرگ که هر یک بر رونق و صفای معنوی این شهر افزوده است، تا آنجا که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: دری از بهشت در قم گشوده

۱- انوارالمشعین، صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲.

می شود.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می شود، و حجت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد.^۲

قم چندین نام دارد از جمله نامهای آن «مَجْمَعُ أَنْصَارِ الْقَائِمِ (عج)» محل تجمع یاران امام زمان «عج» و «مَأْوَى لِلْفَاطِمِيِّينَ» (پناهگاه منصوبین به فاطمه زهراء «علیها السلام») و بلدالائمه - و بلد شیعة الائمة «علیهم السلام» (شهر امامان «ع» و شهر پیروان امامان) مَقَصِّمُ الْجَبَّارِينَ مُذَابُ الْجَبَّارِينَ: شکننده ستمگران جبار، و خورد کننده آنها و... که همه این نامها از روایات گرفته شده است.^۳

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود: مردی از قم برمی خیزد و مردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی همراه او هستند همچون پاره آهن، طوفانهای تند حوادث آنها را از پای در نمی آورد، و از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و توکلشان بر خدا است و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است.^۴

و بالأخره امام صادق (علیه السلام) فرمود: اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل کوفه اوتاد (مردان استوار) ما

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳- در این باره به ج ۱۴، بحار، ط قدیم، ص ۳۳۷ تا ۳۴۱ رجوع شود.

۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

توجه امام (علیه السلام) به مکه، کوفه و قم ۲۵۳ □

هستند.^۱

سابقه درخشان قم و ورود حضرت رضا (علیه السلام) به قم و دوستی مردم قم با امامان معصوم (علیهم السلام) در هر زمان و حوزه علمی قم و مراجع بزرگ تقلید و علماء برجسته که از قم برخاسته‌اند، قبر منور حضرت معصومه (علیها السلام) در قم همه و همه بر شکوه این مرکز می‌افزاید، و هم اکنون که از نشانه‌هایش پیداست زمینه سازی فرهنگی و معنوی و سیاسی و غیره که از ناحیه ساکنان و علماء قم برای قیام جهانی مهدی (عج) می‌شود در جای دیگر سراغ نداریم.

حضرت ولی عصر (عج) به این مرکز توجه خاص دارد، و وجود مسجد جمکران در قم (که چند سالی نمی‌گذرد مرکز قم خواهد شد) به دستور امام زمان (عج) به یک شخص صالح به نام حسن بن مثله (ره) ساخته شده، که وی می‌گوید: در شب هفده ماه رمضان سال ۳۹۳ هجری قمری در سرای خود خوابیده بودم، ناگاه گروهی از مردم، نصف شب به سرای من آمده و مرا بیدار کردند و گفتند برخیز امام زمان (عج) ترا خواسته، برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی که اینک مسجد است رفتیم، دیدم امام زمان (عج) با گروهی روی تختی نشسته و فرمود: برو به حسن مسلم (ره) بگو چند سالی است این زمین را زراعت می‌کنی و ما خراب می‌کنیم دیگر اجازه نداری در این سرزمین زراعت کنی، این زمین شریفی است خداوند این سرزمین را برگزیده است و اگر دیگر بار اینجا را کشت

فصل هشتم

خودسازی و پاکسازی در عصر غیبت مهدی (علیه السلام)

با مطالعه این کتاب نتیجه می‌گیریم که:
باید مسلمانان، هشیار و بیدار باشند و فراموش نکنند. و بدانند
که انگیزه غیبت آنحضرت چه بوده و فوائد آن چیست؟
انتظار یعنی چه؟
یاران خاص مهدی (عج) باید دارای چه ویژگیها و شرایطی
باشند.

امکانات دنیای اسلام بسیار وسیع است و با به‌کارگیری صحیح
آن می‌توان به حکومت جهانی رسید.
برای تحقق چنین طرحی نیاز به برنامه ریزی جامع و جهاد و
مبارزه خستگی ناپذیر و پی‌گیر و هشیاری است.
هدف، مشخص است، نه کور، بنابراین این گامها به سوی روشنائی
برداشته می‌شود.

توجه به اماکن مقدسه و شهرهای پر اهمیت و صدور انقلاب به این سرزمینها و بالأخره آمادگی فرهنگی و اقتصادی و رزمی و تشکیل ارتشهای میلیونی و راه اندازی نهضت‌های جهانی در همه سرزمینها همچون صدر اسلام که هر فرد مسلمان یک سرباز جانباز حکومت اسلامی باشد.

اتحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه‌ها، با توجه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین تقوی و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می‌دهد، باید از مهمترین برنامه‌ها باشد.

علمای اخلاق می‌گویند: مراحل تکامل، چهار پایه دارد: ۱- کشف و شناخت، ۲- استخراج و عمل، ۳- فردسازی، ۴- جامعه سازی.

براستی که درست گفته‌اند، اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که مادر مسیر انتظار هستیم.

خلاصه و جمع بندی کتاب در یک کلمه، آمادگی و تلاش پی‌گیر در تمام ابعاد اسلامی است، توجه به تاریخ اسلام و معانی آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) ما را در این جهت کمک بسزائی می‌کند، چنانکه گفتیم: مهمترین هدف امام قائم (عج) پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز بدست خواهد آمد.

خودسازی و پاکسازی

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ سَرَّانُ يَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هُنَيْئاً لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.

«کسی که دوست دارد تا از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور

باشد، و حتماً باید کارهایش براساس تقوی و پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین

کسی منتظر امام (علیه السلام) است، و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا

باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است.»^۱

علماء اخلاق می گویند: انسان وقتی که صبح از خواب

برمی خیزد تا شب که می خوابد باید چهارچیز را حفظ کند:

۱- مشارطه، ۲- مراقبه، ۳- محاسبه، ۴- محاکمه.

یعنی نخست متعهد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود، دوم

مواظب باشد که این حالت ادامه یابد سوم در آخر کار خود را به

حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد، چهارم در

صورت بدهکاری، نفس خود را به محاکمه بکشد و باز خواست

نماید و به جبران بدهکاری پردازد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا می خواهید شما را به

زرنگ ترین زرنگها و احمق ترین احمقها خبر دهم؟

یاران عرض کردند: آری.

فرمود: زیرکترین زیرکها کسی است که خود را برای بعد از مرگ

به حساب بکشد، و احمقترین احمقها کسی است که از هوای نفس

پیروی کند و آرزوی امان و رحمت الهی را داشته باشد.^۱
امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه‌ای فرمود: آیا در قیامت نفوس انسانها حتی به مقدار خردل (ذره) مورد بازخواست نیستند؟^۲

قرآن در سوره نساء آیه ۲ می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا:**
«خداوند حتماً مراقب کارهای شما است.» و در روایات آمده:
**إِنَّهُ يَنْشُرُ الْعَبْدَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ مِنْ حَرَكَاتِهِ وَإِنْ صَغُرَتْ ثَلَاثَةٌ دَوَائِرٍ، الْأَوَّلُ
وَالثَّانِي، وَالثَّلَاثُ (لِمَنْ):**

«هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت خصوصیات آن گشوده می‌شود:

۱- چرا؟، ۲- چگونه؟، ۳- برای چه کس؟^۳

یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهائی آن چیست؟

بنابر این باید منتظران حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و سنگ اول است.

باید توجه داشت که اعمال ما را در هر ماه یک روز یا چند روز به خدمت امام زمان (عج) می‌برند و آن حضرت آنها را می‌بیند^۴ بسیار باید توجه داشت که مبدا ما مورد نفرین امام (علیه السلام) گردیم.

۱- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.

۲- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.

۳- احیاء العلوم و مهجة البيضاء.

۴- اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۱۹.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامَتِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ
مَاتَ عَارِفًا بِإِمَامَتِهِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِئْتَاطِهِ.

: «کسی که بمیرد ولی شناخت به امامت (حضرت قائم علیه السلام) داشته باشد، دیر و زود شدن ظهورش، به او ضرر نمی‌رساند، و کسی که شناخت به امامت او نداشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم (عج) در میان خیمه او است.»^۱

بنابر این ما هم اکنون می‌توانیم با خودسازی، از یاران نزدیک امام قائم (عج) باشیم.

بعضی از علمای بزرگ برای درجه عالی انتظار با استفاده از روایات، دوازده نشانه ذکر کرده و نشانه دوازدهم را چنین شرح می‌دهد.

از علامات انتظار مهیا بودن برای ورود محبوب است و مهیا بودن به چند چیز است:

۱- عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن حضرت

۲- متصف شدن به صفات نیک اخلاقی و دوری از هر گونه

آلودگی اخلاقی.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن توخانه و پس میهمان طلب

۳- مواظبت در اطاعات و انجام واجبات و مستحبات و ترک

محرّمات و مکروهات.

۴- تهیه سلاح.

۵- مرابطه و مرزداری.

۶- مواظبت در خواندن عهدنامه بزرگ و کوچک (که در کتاب زادالمعاد مذکور است).^۱

ظلم نکردن و اعانت به ظلم نکردن و هشیاری و توجه و شناخت به نیرنگ بازان و توطئه گران نیز از جمله اموری است که باید به آن توجه داشت.

رعایت حقوق برادران:

از مهمترین امور در زندگی محبان و منتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران و مسلمانان است.

در این باره بهتر است پای سخن پرمغز و دلنشین حضرت امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) بنشینیم:

امام باقر (علیه السلام) به جابر جعفی (ره) فرمود: ای جابر آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم کافی است؟ سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و اطاعت از خداوند کند، شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن، اهل نماز و روزه بودن، احترام به پدر و مادر کردن، مهربانی کردن به همسایگان مستمند و بدهکار و یتیمان، راستگو بودن، آنها تلاوت قرآن می‌کنند، و زبانشان را کنترل می‌نمایند، و برای خویشان در

۱- نورالابصار فی فضیلة الانتظار تألیف سید ابوالقاسم دهکردی، صفحه ۶۷.

همه چیز امین هستند...

ای جابر! مَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ: «به ولایت و دوستی ماجز از راه عمل و پرهیزکاری نمی توانی برسی.»^۱

امام باقر (علیه السلام) روزی به یکی از یارانش بنام سعید بن حسن (ره) فرمود: آیا در میان شما این روش هست که کسی از شما به حضور برادر دینی اش برود دست در جیب او کند و به اندازه احتیاج خود از آن، پول بردارد و صاحب پول از آن جلوگیری نکند؟ سعید عرض کرد: نه چنین کسی را سراغ ندارم.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: بنابراین این اخوت و برادری در کار نیست.

سعید عرض کرد: آیا در این صورت ما در هلاکت هستیم؟ امام (علیه السلام) فرمود: عقل این مردم هنوز تکمیل نشده است^۲ (یعنی تکلیف به حساب اختلاف درجات عقل مختلف می شود).

امام صادق (علیه السلام) در ضمن گفتاری می فرماید:
مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ، إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ إِشْتَدَّ وَرَعَهُ وَعَمِلَ لِحَالِقِهِ وَرَجَاؤًا بِهِ فَهَوْلَاءِ أَصْحَابِي.

«سوگند به خدا چقدر پیروان جعفر از شما کم شده اند، بدانید که یاران من کسانی هستند که در پاکی و پرهیزکاری محکم باشند، و کارهایشان را برای خدا انجام دهند و امید به پاداش خدا داشته باشند، اینها اصحاب و یاران من هستند.»^۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴ (باب الطاعة والتقوى).

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴ (باب حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ).

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۷.

در مورد حقوق برادران دینی به حدیث جالب و جامع ذیل که امام صادق (علیه‌السلام) برای یکی از یارانش (معلی بن خنیس) در موارد هفتگانه زیر شرح داده‌اند توجه کنید:

مُعلی بن خنیس (ره) می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم حق مسلمان بر مسلمان چیست؟

فرمود: هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را تباه کند از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره (طاعت و بندگی) ندارد.

عرض کردم آنها چیست؟

فرمود: من بر تو نگرانم، می‌ترسم آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی.

عرض کردم: لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (نیروئی جز از خدا نیست) فرمود: آسانترین آنها این است که:

۱- آنها را برای برادر مسلمانان دوست بداری که برای خود دوست می‌داری، و نپسندی برای او آنچه را که برای خود نمی‌پسندی.

۲- از خشمگین کردن برادر مسلمانان (یا از خشم) دوری کنی، و آنچه را که مورد رضایتش است انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی.

۳- باجان و مال و زبان و دست و پای خود او را یاری کنی.

۴- چشم و راهنما و آئینه او باشی.

۵- تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه و تو

پوشیده نباشی و او برهنه.

۶- اگر دارای خدمتکار باشی و برادر مسلمانان خدمتکار نداشته باشی، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباسهای او را بشویدی و غذایش را آماده کنی و فرشش را بگسترانند.

۷- او را از مسئولیتهای سوگندهایش رها سازی، دعوتش را اجابت کنی، در بیماری او را عیادت نمائی، بر جنازه اش حاضر شوی، اگر دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجت او شتاب کنی، تأخیر در روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع نیازش پردازی، سپس امام صادق (علیه السلام) گفتارشان را با این جملات پایان دادند:

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلَا يَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَلَا يَتِهِ بِوَلَايَتِكَ:

«وقتی که چنین کردی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.»^۱

در اینجا این فصل را با حدیث عرفانی ذیل پایان می‌بریم:
حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) به خدا عرض کرد:
پروردگارا آیا کسی را مثل من گرامی داشته‌ای آنجا که سخن خود را به من شنوانده‌ای؟

خداوند فرمود: بدانکه برای من بندگان هستی که در آخر الزمان می‌آیند، آنها به من از نسبت به تو نزدیکترند، زیرا من با تو با واسطه بودن ۷۰/۰۰۰ پرده حجاب سخن می‌گویم ولی هرگاه (بنده من در

۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۹ - در این باره روایات جالب دیگری نیز آمده که در این کتاب از صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۴ ذکر شده است.

آخرالزمان) روزه بگیرد، و بر اثر روزه لباسهایش سفید و رنگش زرد گردد این ۷۰/۰۰۰ پرده را هنگام افطار آنها برمی‌دارم (و این چنین به آنها نزدیک می‌شوم)!

روزی که سر از پرده برون خواهی کرد

دانم که زمانه را زبون خواهی کرد

گر زیب و جمال از این فزون خواهی کرد

یارب چه جگرها است که خون خواهی کرد

نتیجه اینکه: علاقمندان و یاران امام مهدی (عج) باید کاملاً خود

را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسئول بدانند، و

همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند، و از انحرافات دوری

جسته و پناه به خداوند ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل

نمایند، تا شایستگی سربازی آنحضرت را پیدا کنند.

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله):

یاران و منتظران مهدی (عج) به خصوص باید به امر به معروف و

نهی از منکر و جهاد و مبارزه با انحرافات و دشمنان و آگاهی از

جریانات جهان، اهمیت خاصی بدهند و همواره در صحنه حضور

داشته باشند.

بدانند که بزرگترین و مهمترین عامل نهضت امام حسین

(علیه السلام) عامل امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

و بدانند که در بررسی جهاد و جنگهای پیامبر اسلام (صلی الله علیه

۱- تفسیر روح البیان بر سونئی، ذیل آیه ۳، سوره مؤمن.

و آله) چنین به دست می آید که در طول تاریخ بشر هیچکس و هیچ ژنرالی مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با دشمن نجنگیده است (منظور وسعت و دامنه جنگ نیست بلکه منظور اشتغال به کار جنگ است).

در این بررسی می بینیم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدود ۷/۵ سال کار جنگی (در ده سالی که در مدینه بود) در این مدت ۶۴ یا ۶۵ فعالیت جنگی دارد که اگر بر روزها تقسیم کنیم هر ۴۵ روز یا پنججاه روز یک لشکر کشی می کند.

عثمان بن مظعون که انزوا و عبادت در گوشه و کنار کوهها را اختیار کرده بود، به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: دلم می خواهد بیابان گرد باشم، و کنار کوهها به عبادت مشغول شوم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوَةُ وَالْجِهَادُ: «چنین نکن، سیاحت و بیابانگردی امت من جنگ و جهاد است.»^۱

و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که جنگجویی را تجهیز کند هر چند به این اندازه که نخعی در سوراخ سوزن او کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.^۲

و نیز فرمود: نگهبانی یک شب در راه خداوند، بهتر است از عبادت هزار شب، که روزش را انسان روزه بگیرد.^۳

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۱۰.

۲- عن النبی (ص) مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا بِسِلْكِ أَوْ إِبْرَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ (مستدرک الوسائل، جلد ۲، ص ۲۴۵).

۳- حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلَهَا وَ يُصَامُ نَهَارَهَا (نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۵۵).

علاقمندان و یاوران مهدی (عج) هیچگاه نباید خدا و محمد (صلی الله علیه و آله) و آلش (علیهم السلام) و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) را فراموش کنند، بلکه باید همواره آنها را در نظر داشته باشند.

در گفتاری پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن یاد خدا نکنند و درود بر پیامبرش نفرستند آن مجلس حتماً، مایه حسرت، وزر و وبال (مایه سنگینی برگردن) آنها خواهد شد.^۱

ایستادگی در سختیها و آزمایشها:

به این نکته مهم باید توجه داشت که در زمان غیبت و در آستانه ظهور امام قائم (عج) مردم مسلمان در سخت‌ترین آزمایشها قرار می‌گیرند و زیر و رو می‌شوند، در چنین وضعی، نگهداری آتش در کف دست آسانتر است از حفظ ایمان.

در این مورد یکی از یاران امام باقر (علیه السلام) بنام جابر جعفی (ره) از امام باقر (علیه السلام) پرسید: فرج شما چه وقت است؟
امام باقر (علیه السلام) فرمود:

هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ لَا تَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ.

«هیئات هیئات، فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم

۱- ما من قوم اجتمعوا في مجلس فلم يذكروا اسم الله عز وجل ولم يصلوا على نبيهم الا كان ذلك المجلس حسرة ووبالاً عليهم (نورالقلین، جلد ۴، صفحه ۳۰۱).

غربال شوید تا این که کدورتها برود و صافی و صفا بماند.^۱
یعنی وقتی مسلمانان با هم با کمال صفا و اتحاد و صمیمیت
زندگی کردند، به فرج امامان خواهند رسید.

همین مطلب را امام صادق (علیه السلام) نیز به شکل دیگر فرمود،
شخصی از آن حضرت پرسید آن آزمایشها چیست؟

امام صادق (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود:
وَلَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ:

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی زیان مالی و جانی و کمبود
میوهها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده استقامت کنندگان را.»^۲

سپس فرمود: ترس از زمامداران (فاسق)... است، گرسنگی به
خاطر گرانی است، زیان مالی از کساد تجارت و کم رونقی آن
است، و زیان جانی به مرگهای سریع است، و کمبود میوهها بر اثر
نقص کشاورزی و کمبود برکت در میوهها است، آنگاه فرمود:
بشارت باد به استقامت کنندگان به نزدیک شدن ظهور قائم (مع).^۳

البته بسیاری هم هستند که طاقت این آزمایش را نداشته و از این
غربال امتحان بیرون می‌افتند چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:
سَتَخْرُجُ مِنَ الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ:

«به زودی افراد بسیاری از غربال خارج شوند.»^۴

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۲۴.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۳- کشف الغم، ج ۳، ص ۳۵۹ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۷.

۴- بحار الانوار، جلد ۵۲، طبع جدید، صفحه ۳۴۸.

معرفت امام (علیه‌السلام) و پیروی از آن حضرت:
باید قبل از قیام مهدی (عج) او را شناخت و از او پیروی کرد
چنانکه:

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: خوشا به سعادت آن فردی که قائم (عج) ما را قبل از قیامش شناخته و به او اقتداء کرده است، دوست او را دوست داشته و از دشمن او بیزاری بجوید، و امامان قبل از او را نیز ولی و سرپرست خود بشناسد، این چنین افرادی دوستان من هستند و دوستی و مهر مرا به خود جلب کرده‌اند و گرامی‌ترین امت من نزد من هستند.^۱
چنانکه امام قائم (عج) در فرازی از تویح خود به شیخ مفید که قبلاً ذکر شد می‌فرماید:

«ما حتماً به اخبار شما آگاهی کامل داشته، و هیچ مطلب کوچکی از اخبار شما از ما پنهان نیست، وگرنه آنچنان در سختی قرار می‌گرفتید که دشمنان شما، شما را تارو مارو می‌کردند.»^۲

بنابر این باید ماهمواره به یاد امام عصر (عج) باشیم و به او اقتدا کنیم، او نیز حتماً به یاد ما هست، و ما را یاری خواهد کرد.

امام باقر (علیه‌السلام) یا امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:
لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيُّمَةَ كُلَّهُمْ وَامَامَ زَمَانِهِ
وَيُرِدُّ إِلَيْهِ وَيُسَلِّمُ لَهُ ثُمَّ قَالَ: كَيْفَ يَعْرِفُ الْآخِرُ وَهُمْ يَجْهَلُ الْأَوَّلَ:

۱- غیبت شیخ طوسی (ره)، صفحه ۲۷۵.

۲- احتجاج طبرسی (ره)، جلد ۲، صفحه ۳۲۳.

«مؤمن نیست مگر کسی که خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همه امامان (علیهم السلام) و امام زمانش را بشناسد و به او مراجعه کرده و تسلیم فرمان او باشد - سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را بشناسد، ولی نسبت به امام اول (حضرت علی) جاهل باشد.»^۱

آری امامان، همه از یک نور و یک ریشه‌اند و همه معلّمان قرآن و اسلامند و باید به همه معتقد بود و شناخت و معرفت واقعی به همین است به اضافه تسلیم بودن در برابر اوامر آنها و عمل به فرموده‌های آنها و الگو قرار دادن روش و منش آنان!

درست است که پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد امام قائم (عج) ظهور می‌کند، اما این مربوط به مخالفان امام (علیه السلام) و گنهکاران دور از امام (علیه السلام) است.

اما شیعیان و علاقمندان به امام (علیه السلام) هر قدر گنهکار باشند به همین اندازه ظهور امام (علیه السلام) به تأخیر می‌افتد چنانکه در فرازی از توفیق امام زمان (عج) به شیخ مفید (ره) آمده:

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیقشان دهد - همگان در پیمانی که با ما داشتند، متحد می‌شدند، هرگز برکت دیدار ما از آنها تأخیر نمی‌افتاد، و هر چه زودتر سعادت دیدار ما را با معرفت کامل پیدا می‌کردند، ولی آنچه باعث این دوری و سلب این توفیق دیدار شده خبرهایی است که از اعمال ناپسند آنان به ما می‌رسد.»^۲

۱- اصول کافی، ج ۱، (کتاب الحجّة باب معرفة الامام والردّ الیه حدیث ۲).

۲- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۵.

مسئله رهبری:

یکی از مسائل مهم در زمان غیبت، مسئله رهبری و توجه به تشکیل حکومت‌های صالح در کشورهای اسلامی است رهبر صالح است که می‌تواند چرخ‌های انقلاب را به حرکت درآورد، و اسلام را به طور صحیح اجرا نماید و در پرتو آن قوانین اسلام زنده شوند تا زمینه‌سازی سازنده‌ای برای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) به وجود آید.

در این باره حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: در حکم خدا و اسلام بر مسلمانان واجب و لازم است که هیچ کاری انجام ندهند و قدمی پیش و پس نگذارند، قبل از آنکه امامی را برگزینند، امامی عقیف و خوب و پارسا که احکام قضاوت و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را خوب بشناسد، اموالشان را جمع کند و حج و نماز جمعه‌شان را برپا دارد، و مالیات‌های اسلامی را بستاند.^۱

از سوی دیگر امامان ما، ما را با تأکید از قبول رهبران ناشایست بر حذر داشته‌اند، امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: خداوند فرموده است: «حتماً آنان را که امامان ستمگر انتخاب می‌کنند کیفر می‌کنم، گرچه خود نیکوکار و پارسا باشند، ولی مردمی را که امامت عادلان را برگزینند می‌بخشم گرچه خود ستمگر باشند.»^۲

۱- الحیاء، جلد ۲، صفحه ۳۹۵.

۲- الحیاء، جلد ۲، ص ۳۹۶.

امام کاظم (علیه السلام) در گفتگوی خود با صفوان شتردار در پایان فرمود:

فَمَنْ أَحَبَّ بَقَائَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَهُوَ كَانَ وَرِدِ النَّارِ:

«کسی که مانندن رهبران ناشایست را دوست بدارد جزء آنها است و کسی که جزء آنها باشد، در میان آتش دوزخ خواهد بود.»

قرآن در سوره هود آیه ۱۱۳ می فرماید:

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ: «تکیه بر ستمگران نکنید (و به آنها وابسته نشوید) که موجب می شود آتش شما را فراگیرد و در آن حال جز خدا هیچکس سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی شوید.»

آری وابستگی و تکیه بر ظالمان است که همه چیز انسان را برباد می دهد، استقلال فرهنگی و اقتصادی و نظامی و سیاسی را از انسان می گیرد و انسان را برده می سازد، چنانکه قرنهای مستضعفین در طول تاریخ به این موضوع گرفتارند، باید به فکر باشند و خود را از این گرفتاری نجات بخشند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«وقتی که روز قیامت می شود، منادی ندا می دهد که کجا هستند ستمکاران، و کجا هستند یاران ستمکاران و کسانی که خود را شبیه آنها ساخته اند؟ حتی کسانی که برای آنها قلمی تراشیده اند، و یا دواتی از آنها را ليقه کرده اند (یعنی پنبه ابریشمی یا پارچه به دوات آنها گذارده اند) همه آنها را در تابوتی از آهن قرار

می‌دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می‌شوند.^۱

سرنوشت غم‌انگیز اندلس و امپراطوری عظیم اسلامی عثمانی که در مدت کوتاهی از مسلمانان گرفته شد و قطعه قطعه گردید و... همه و همه بر اثر اعانت به ظالمان و یا وابستگی به آنها بوده است.

به هر حال منتظران و یاران مهدی (عج) باید در این جهت حتماً خود و جامعه خود را بسازند و استقلال همه جانبه بیابند، تا در وقت خروج آن حضرت آنها را در اختیار امام (علیه‌السلام) بگذارند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: ظالم و یاور ظالم و راضی به کار ظالم هر سه شرکت در ظلم دارند.^۲

روزی آنحضرت به یکی از یارانش بنام «عذافر» فرمود: به من خبر رسیده تو برای ابویوب و ربیع (دو نفر از ظالمان آن عصر) کار می‌کنی؟ آیا در این فکر هستی که روز قیامت به عنوان اعوان الظَّلمه (یاران ظالم) مورد خطاب گردی، در این وقت حالت چگونه است؟ عذافر از گفتار امام (علیه‌السلام) به سختی نگران شد و از شدت ناراحتی مشت به خود کوبید و در سکوت غمبار فرو رفت وقتی امام (علیه‌السلام) این حالت را از او دید، به او فرمود: ای عذافر تو را از آن ترسانیدم که خداوند مرا از آن ترسانیده است.

فرزند عذافر می‌گوید: پدرم از غصه و ناراحتی پس از چند روز از دنیا رفت.^۳

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۱.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.

آری مسلمانان پاکدل از سخن امامشان این چنین تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و از خوف خدا به لرزه درمی‌آمدند.

ابویعفر گوید: در حضور امام صادق (علیه السلام) بودم، در این هنگام یکی از اصحاب وارد شد از آنحضرت پرسید: گاهی فشار زندگی باعث می‌شود که دستگاه ظلم عباسی مرا به بنائی ساختمان یا پاک کردن نهر و یا اصلاح کلنگ و تیشه دعوت می‌کند، من هم برای تأمین رزق و روزی قبول می‌کنم آیا جایز است؟

فرمود: من دوست ندارم طنابی از آنها را گره بزنی یا سرمشکی از آنها را ببندی و در برابر، همه مدینه را به من بدهند.

نه حتی خطی برای آنها با قلم بکشی، بدانکه کمک کنندگان ظالمان در روز قیامت در میان خیمه‌ای از آتش هستند، تا خداوند بین بندگان قضاوت نماید.^۱

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که تازیانه‌ای را در کنار حاکم ستمگر حمل کند (به عنوان فرمان بردار او) خداوند آن تازیانه را در روز قیامت به صورت مار و افعی از آتش در می‌آورد که طول آن هفتاد ذرع است، آنگاه خداوند آن مار را در آتش جهنم، مسلط بر او می‌کند تا او را عذاب دهد.^۲

منتظران مهدی (عج) باید بدانند که از هدفهای اصلی امام قائم (عج) ریشه کن کردن ظلم است بنابراین نه خود ظالم باشند و نه به هیچ عنوان کمک به ظلم کنند خواه آن ظالم در محدوده خاص باشد

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۹.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۰ - در این باره روایات دیگر که جمعا ۱۷ حدیث می‌شود نقل شده که در وسائل الشیعه، ج ۱۲ از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲ ذکر شده است.

و یا ظالمی بصورت ابرقدرت باشد.

این امور است که زمینه‌های سازنده برای ظهور آن حضرت را دید می‌آورد و نباید از آن غفلت نمود.

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن

از امور اصلی و هر روزه‌ای که حتماً باید منتظران مهدی (عج) به آن اهمیت دهند، انس گرفتن با قرآن و عمل به آن است.^۱ در مورد شناختن مفاهیم قرآن و اجرای آن، مگر نه این است که قرآن و عترت (علیهم‌السلام) در کنار هم هستند، امام زمان «عج» قرین قرآن است، اگر خدای نکرده قرآن مهجور گردد، درست بر عکس راه امام (علیه‌السلام) قدم برداشته شده است، اگر آیات عذاب، آیات رحمت، آیات عبرت، آیات سیاسی، آیات عبادی، آیات تذکر و... را با کمال دقت توجه کنند و هر روز بخوانند و معانی آنرا در ذهن خود ترسیم نمایند، خواهند فهمید که با این کار چقدر سریع و آگاه به سوی فرج امام (علیه‌السلام) گام برداشته اند.

در اینجا برای این که هم از قرآن استفاده کرده باشیم و هم طرز استفاده را دریابیم و هم از دستورات محکم قرآن در جهت زمینه سازی برای حکومت صالحان مطلبی بدانیم به دو فراز زیر از قرآن

۱- حضرت علی (علیه‌السلام) در وصیت خود به امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) می‌فرماید: خدا را، خدا را در مورد قرآن مواظب باشید مبادا دیگران از شما پیشی گیرند (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: اگر شنیدید کسی در مساجد، شعر می‌خواند (که جنبه اسلامی و سازندگی ندارد) به او بگوئید: فَضَّ اللَّهُ فَكَانَ إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ: «خدا دهانت را بشکند، همانا مساجد برای آموزش قرآن بوجود آمده است» (تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹)

توجه کنید:

در آیه ۷۵ سوره نساء می خوانیم:

مَالِكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا اجْعَلْ لَنَا مِنْ
لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.

«چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین از مردان و زنان و کودکان،
پیکار و مبارزه (با مستکبران) نمی کنید و در راه نجات مستضعفین که می گویند
خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگر است بیرون ببر و برای ما از
طرف خودت سرپرست و یار و یاور قرار بده، اقدام نمی نمائید؟»

این آیه به ما می گوید: نباید بی تفاوت باشیم برای خدا و
نجات مستضعفین پیکار کنیم، مستضعفانی که خدا پرستند و دنبال
رهبر شایسته اند و از ستم و ستمگران ناخشنودند، چنین افراد را
باید کمک کرد و نجات داد.

تعبیر به «مَالِكُمْ» (چرا) یکنوع استفهام انکاری است، حاکی است
که حتماً باید مسلمانان در راه نجات مستضعفان، نه تنها بپا خیزند
بلکه باید پیکار کنند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با بیانات جذاب و پرمحتوای خود
شاگردان مکتب اسلام را به گونه ای ساخته بود که در مبارزه با
دشمن کارشان چنان اوج گرفت، که طبق روایات هفت نفر از فقرای
انصار به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و عرض کردند بر
اثر تهیدستی، وسیله ای برای شرکت در جهاد نداریم، شما
وسيله ای از شمشیر و نیزه و مرکب در اختیار ما بگذارید تا در جهاد

شرکت کنیم، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چون وسیله در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد، آنها به قدری ناراحت شدند که اشک در چشم‌هایشان حلقه زده بود، و کم کم به گریه تبدیل شد و سخت گریستند و بعدها بنام «بگائون» (گریه کنندگان) معروف شدند.

آیه ۹۲ سوره توبه در وصف این افراد مخلص نازل شد:

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّاتُ حَمِلَتْهُمْ قُلَّتْ لِأَجْدُمَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَ
أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ.

:«و نیز اشکالی نیست بر آنها که نزد تو (پیامبر «صلی الله علیه و آله») آمدند که

آنها را به مرکبی برای میدان جهاد سوار کنی، گفתי مرکبی که شما را بر آن سوار کنم ندارم از نزد تو بازگشتند در حالی که چشمانشان اشکبار بود از اینرو که چیزی را نداشتند تا در راه خدا انفاق کنند.»

آری این چنین تعلیمات قرآن که دو نمونه‌اش را ذکر کردیم، اثر می‌بخشد فرزندان و شاگردان قرآن باید این چنین تربیت گردند تا منتظر واقعی امام زمان (عج) شوند، پس باید با قرآن مأنوس بود و این درسها را از آن آموخت.^۱

زنان باید احساس مسئولیت کنند:

در این مسیر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، باید نقش سازنده داشته باشند، بدانند که آنها نیز موظفند دوش بدوش مردان برای زمینه‌سازی ظهور امام قائم (عج) و برای خودسازی و

۱- مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۶۰، ذیل آیه فوق.

۲- توجه به نهج البلاغه نیز که می‌توان گفت يك كتاب انقلابی و برای زمینه سازی تحریر شده، باید مورد توجه قرار گیرد.

پاکسازی محیط و قهرمان پروری که آنهم زمینه سازی است، تلاش عمیق و پی گیر و خستگی ناپذیر بنمایند.

وقتی که در جنگ احد بسیاری از مسلمانان کشته شدند و شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) سخت مجروح گردیدند شایع شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز شهید شده، زنان مسلمان به خصوص خیلی ناراحت شدند، از خانه ها بیرون آمدند و به تحقیق پرداختند.

یکی از این زنان از انصار (مسلمانان مدینه) بود از مدینه بیرون آمده و سراسیمه به سوی احد رهسپار شد، در راه مردی را دید که از جبهه برمی گردد، از او پرسید: آیا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آسیبی وارد شده است؟

آن مرد بجای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر! پدر شما کشته شده است، زن تکان ملامی خورد، باز طولی نکشید پرسید: آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله) سالم است؟

آن مرد دوباره پاسخ سؤال زن را نداد و بجای آن گفت: ای خواهر برادر شما نیز کشته شده است، زن تکان مختصری عارضش شد، ولی بار دیگر به حال آمد و پرسشش را تکرار کرد، مرد برای بار سوم گفت: ای خواهر شوهر شما کشته شده است، زن باز تکانی خورد، اما این بار با خشم و گستاخی گفت: من نمی خواهم بدانم چه کسانی از من کشته شده اند، فعلاً احتیاجی به اینها ندارم، خواهش می کنم بگوئید پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چگونه است؟ آن مرد در جواب گفت: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در کمال سلامتی

است، ناگهان صورت زن از خوشحالی برافروخته شد و با حالی
سهرشار از عشق به اسلام، قاطعانه گفت: «بنابر این قربانی ما هدر نشده
است.»^۱

یعنی اگر من سه قربانی (پدر و برادر و شوهرم) را در راه خدا داده‌ام به
هدر نرفته چرا که رهبر عزیز اسلام پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله)
زنده است و همین افتخار مرا بس.

این چنین زنان قهرمان در صدر اسلام بسیار بودند هم اکنون نیز
باید زنان مسلمان این چنین نقش گویا و زاینده و بالنده داشته باشند
و بدانند که گردش چرخ انقلابها (که بدون آن به فرج امام زمان «عج» نزدیک
نخواهیم شد) نیمی بدوش زنان است و زن باید خود را درک کند و
بداند مسئولیتی بس سنگین دارد و قبلاً نیز در این باره سخن گفتیم.
الگوی زنان مسلمان باید افرادی مانند خدیجه کبری (علیها‌السلام)
و فاطمه زهراء (علیها‌السلام) و زینب (علیها‌السلام) باشد، زینب (علیها
السلام) در شرائط سخت نهضت امام حسین (علیه‌السلام) سه کار مهم را
به عهده گرفت:

۱- حمایت از رهبرش امام حسین (علیه‌السلام) تا زنده بود و سپس
از امام سجّاد (علیه‌السلام).

۲- حفظ یتیمان و سرپرستی از آنها.

۳- رساندن پیام شهیدان در کوفه و شام با بیانات کوبنده و
پرمحتوا، و هرجا سخن از آنان گفت و این سه امر مهم را به خوبی
انجام داد. و مرام آنها را زنده نگه داشت.

۱- داستانهای از تاریخ نوشته سید غلامرضا سعیدی، ج ۲، ص ۴۶.

توجه به جمعه و جماعات:

شکی نیست که از مهمترین عوامل پیروزی، اتحاد و اجتماع و بهم پیوستگی است که برآستی یک اهرم بسیار قوی برای حرکت دادن سریع چرخهای انقلاب است.

منتظران امام مهدی (عج) باید به آن توجه کامل داشته باشند، و بدانند (چنانکه قبلاً گفتیم) آنحضرت اماکن مقدسه را توسعه می دهد از جمله مسجد کوفه را تا جمعیت در آن جا بگیرند.

ما وقتی نماز را هر روز می خوانیم، وقتی آنرا تجزیه و تحلیل می کنیم می بینیم نماز بر اساس جمع و جماعت تشریح شده است، مثلاً در سوره حمد واژه های «نَعْبُدُ» (تنها ترا می پرستیم) «نَسْتَعِينُ» (تنها از تو کمک می جوئیم) «إِهْدِنَا» (ما را هدایت کن) همه به صورت جمع به کار رفته است.

و در پایان نماز، سلام بر جمع شده (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ = سلام بر شما). این نشانه آن است که انزوا و گسیختگی از اجتماع از اسلام بدور است، اینک به چند روایت زیر توجه نمائید:

۱- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تصمیم گرفت، مردمی را که در منزلهای خود نماز می خوانند و در جماعت شرکت نمی کنند خانه هایشان را آتش بزنند، ناپینائی به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسید، عرض کرد، من شبکور هستم، صدای اذان جماعت را می شنوم ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد برساند تا در جماعت شرکت کنم و با شما نماز بخوانم.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: از منزل تا خود مسجد طنابی بکش آن طناب را بگیر و به راهنمایی آن خود را به مسجد برسان و در جماعت شرکت کن.^۱

۲- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود، تعهد ایمان از گردنش ساقط می‌گردد.^۲

۳- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: ...وَأَلْزِمُوا عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ: به آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است پیوندید و آنرا رها نکنید.^۳

۴- در مورد نماز جمعه، این نماز عبادی سیاسی، و این میتینگ هفتگی پرشور مسلمین و این اجتماع دشمن شکن و نفاق برانداز، حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمود: مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ جُمُعٍ مُتَوَالِيَةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ: کسی که (بدون عذر شرعی) سه بار پشت سرهم نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر بر قلبش می‌زند^۴ (یعنی چنین کسی آنچنان در عناد و نفاق و بی‌ایمانی فرو می‌رود که خداوند حسن تشخیص را از او می‌گیرد و او را کوردل می‌کند).

باز فرمود: سوگند به خدا به من خبر رسید که یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در روز پنجشنبه برای روز جمعه (و انجام نماز

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷ - تهذیب، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱.

۴- تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۳۳۸.

جمعه و سایر آداب) مهیا می شدند.^۱

۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که به سوی مسجد گام برمی دارد، بهر چیز خشک و تری در راه، گام بگذارد زمین آن تا طبقه هفتم برای او تسبیح خدا می گویند.^۲

در مورد نظم و پاکیزه نگهداشتن مسجد نیز روایاتی بسیار آمده، از جمله پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: صفهای خود را منظم کنید در حالی که شانه هایتان در ردیف همدیگر باشد، تا شیطان در شما نفوذ نکند.^۳

نیز فرمود: کسی که روز پنجشنبه و شب جمعه، مسجد را جارو کند و ذره ای خاک از آن مسجد بر سر و صورت او بنشیند، خداوند او را می آمرزند.^۴

در این مورد روایات دیگری نیز در کتاب تهذیب شیخ طوسی (ره) صفحه ۲۵۶ آمده است.

به این ترتیب: باید علاقمندان به ظهور امام مهدی (عج) به اجتماع و جماعت و نماز جمعه و پرکردن مساجد، اهمیت فوق العاده بدهند، تا در پرتو آن، عوامل استقبال از امام مهدی (عج) فراهم شود و موجب خودسازی خودشان گردد.

امامان معصوم (علیهم السلام) ما در هر فرصتی برای تهذیب و پاکسازی پیروانشان استفاده می کردند، حتی در ضمن دعاها و

۱- تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۳۲۶.

۲- تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۵۴.

۳- تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۸۳.

۴- تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۵۵.

خودسازی و پاک‌سازی در عصر غیبت..... ۲۸۳ □

نیایشهای خود درس اخلاق به ما می‌آموختند، تا شاید ما پاک شویم و در خط آنها قرار گیریم.

اینک در پایان کتاب به این چند فراز از دعای صحیفه سجّادیه که از دعاهای امام سجّاد (علیه‌السلام) است توجه کنید:

در فرازی از دعای بیستم صحیفه می‌خوانیم:

«بار الها! این نیت مرا به لطف کامل ساز و یقینم را استوار کن و تباهیهای مرا به قدرت اصلاح فرما.

خداوندا! مرا به هدایت درست بهره‌مند کن، تا آن را به راه دیگر عوض نکنم، به راه حقی که از آن بیرون نشوم و به نیت نیکی که در آن شک نکنم، خدایا خوئی را که آنرا زشت می‌دانند در من مگذار مگر اینکه آنرا اصلاح نمائی، و همینطور صفات زشتی که بخاطر آن مرا سرزنش می‌کنند در من باقی مگذار، مگر اینکه آن را نیک گردانی و نه خوی پسندیده ولی ناقصی مگر اینکه آن را کامل سازی.»

و در فرازی از دعای ۳۹ صحیفه می‌خوانیم:

«خداوندا! هر بنده‌ای که در باره من آنچه را که بر او منع شده بجا آورده و پرده دری را که برای او جایز نمی‌دانی نسبت به من کرده و حقم را پایمال نموده، و از دنیا رفته است و یا زنده است و حقم پیش او است، او را درستی که کرده بیامرز و از حقی که از من برده درگذر و از آنچه درباره من انجام داده سرزنشش مکن، و آنچه را که به من روا داشته رسوایش منما، عفو و گذشت مرا نسبت به او و همینطور صدقه و بخششی را که برای او کردم عوض آن پاکترین

بخششهای بخشندگان و عالیترین عنایات و عطایای مقربان برای
من قرارده.»

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیردگربار جوان خواهد شد

ارغون جام عقیقی به سخن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

این تطاول که کشید از غم هجران بلبل

تا سراپرده گل، نعره زنان خواهد شد

در خاتمه نگارنده به رباعی مرحوم عالم بزرگ فیض کاشانی^۱
که همواره در شوق امام مهدی (عج) می زیست تمثیل جسته (با اندکی
تغییر در عبارت) و خطاب به امام مهدی (عج) گوید:

هرچند پیرو خسته دل و دردمند شدم

هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم

روزی بود پیام رسد از امام عصر (عج)

خوش باش من به عفوگناخت ضمان شدم

پایان

۱- علامه بزرگ ملامحسن فیض کاشانی متوفی ۱۰۹۱ هـ.ق.

«فهرست»

۳	مقدمه
۳	امام قائم (عج) امید انسانها

فصل اول

۸	پدر، مادر و ولادت حضرت مهدی (عج)
۱۲	سخنی درباره نیمه شعبان
۱۴	نام و کنیه امام زمان (ع)
۱۵	جعفر کذاب ، عموی امام زمان (عج)
۱۸	مسافران قمی و جعفر کذاب
۱۹	دستور دستگیری امام زمان (عج)
۲۰	مشخصات امام زمان (عج)
۲۵	شوکت و قدرت فوق العاده امام زمان (عج)
۲۶	شمائل حضرت مهدی (عج)

فصل دوم

۲۸	غیبت صغری و غیبت کبری
۲۹	چگونگی غیبت صغری ، و نواب چهارگانه

- شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه ۳۱
توضیح چند اشکال ۳۴
پاسخ این ایرادات به طور فشرده ۳۴
سؤال: (آیا قیام قبل از ظهور مهدی (عج) روا است؟) ۳۸
پاسخ سؤال فوق ۳۸

فصل سوم

- پاسخ به بیست و یک سؤال ۴۰
۱- آیا عقیده به ظهور و مصلح جهانی، عمومی است؟ ۴۰
۲- فایده غیبت طولانی چیست؟ ۴۱
۳- لقب «قائم» و «مهدی»، چرا؟ ۴۴
۴- اقامتگاه حضرت مهدی (عج) کجاست؟ ۴۶
۵- قرآن و مسأله حکومت جهانی ۵۲
۶- یاران مهدی (عج) بیشتر در کجا هستند؟ ۵۶
۷- زندگی شخصی امام مهدی (عج) چگونه است؟ ۵۷
۸- طول عمر امام قائم (عج) را چگونه حل می‌کنید؟ ۶۰
۹- آرامش در دولت مهدی (عج) با جنگهای آن عصر چگونه سازگار است؟ ۶۲
۱۰- نشانه های ظهور امام مهدی (عج) چیست؟ ۶۵
۱۱- خروج سید حسنی، و یمانی؟ ۷۵
۱۲- سفیانی و دجال کیستند؟ ۷۷
۱۴- آیا این پیش بینی قابل اجرا است؟ ۸۲
۱۵- آیا امام مهدی (عج) برقرار کننده اسلام است؟ ۸۴
۱۶- ادعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست ۸۷
۱۷- امام مهدی (عج) در برابر قدرتهای تخریبی ۸۸
۱۸- رجعت چیست؟ ۹۰

- ۱۹- شخص پنجساله ، چگونه امام مردم می شود؟ ۹۲
 ۲۰- چرا این همه سخن ، از مهدی (عج) ۹۳
 ۲۱- تکذیب ملاقات با امام زمان ، چرا؟ ۹۵
 ۲۲- قسط و عدل چیست؟ ۹۶
 ۲۳- آیا قیام امام مهدی (عج) مسلحانه است؟ ۱۰۰
 ۲۴- منظور از کشته شدن شیطان بدست حضرت مهدی (عج)؟ ۱۰۰
 ۲۵- حکومت قائم (عج) و پیشرفت علم؟ ۱۰۲
 ۲۶- حکومت مهدی (عج) و تشریفات؟ ۱۰۵
 ۲۷- آیا تلفظ به نام حضرت مهدی (محمّد) جایز است؟ ۱۰۶
 نظر عالم بزرگ : شیخ حرّ عامل (ره) ۱۲۰
 نتیجه بحثها ۱۲۲

فصل چهارم

- انتظار یا زمینه سازی ۱۲۸
 پاسخ به یک سوءال ۱۳۰
 یازده عامل مهم زمینه سازی: ۱۳۱
 ۱- جاذبه قرآن و حقانیت اسلام ۱۳۲
 ۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن ۱۳۴
 ۳- استقامت و پایداری و شجاعت ۱۳۵
 ۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق ۱۳۶
 ۵- ایمان و توکل به خدا ۱۳۷
 ۶- تعاون و همکاری ۱۳۹
 ۷- بر خوردها و روشهای منطقی با یکدیگر ۱۳۹
 ۸- توجه به طبقه مستضعف ۱۴۱
 ۹- اتحاد و انسجام مسلمانان ۱۴۲

۲۸۸ □ امام زمان «علیه السلام»

- ۱۰- رهبر شایسته ۱۴۳
- ۱۱- لزوم برنامه ریزی: ۱۴۵
- ۱- هدفداری ۱۴۷
- ۲- توجه به جهانی بودن ظهور ۱۴۸
- ۳- جهش و انقلاب ۱۴۹
- ۴- پیشرفت عمیق و استوار ۱۵۰
- ۵- اخلاص ۱۵۳
- ۶- تخصص و تعهد ۱۵۴
- ۷- مانع شناسی ۱۵۶
- ۸- هشیاری و هوشمندی ۱۵۷
- ۹- دور نمایی از امکانات عظیم دنیای اسلام ۱۵۸
- الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد ۱۵۹
- ب: امکانات جغرافیائی دنیای اسلام ۱۶۰
- ج: امکانات اقتصادی دنیای اسلام ۱۶۱

فصل پنجم

- ویژگیهای یاران مهدی (عج) ۱۶۳
- مقدمه: ۱۶۳
- ویژگیهای یاران آن حضرت، در قرآن ۱۶۵
- پیشگویی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از یاران اسلام، در ایران ۱۶۸
- حرکت انقلابی، نه گام به گام ۱۷۲
- تجزیه و تحلیل درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان (عج) و یاران دیگر ۱۷۷
- تواتر حدیث ۳۱۳ نفر ۱۷۷
- ۱- امام زمان در انتظار آنها به سر می برند ۱۷۸

- ۲ - آنها : از اطراف جهان ، جمع می شوند ۱۷۹
- ۳ - آنها : نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند ۱۷۹
- ۴ - آنها : جانبازان سلحشورند ۱۸۰
- ۵ - آنها : پرچمداران و حاکمان روی زمینند ۱۸۰
- ۶ - آنها : امت معدوده ، و همانند پاره های ابرهای متراکم هستند ۱۸۱
- ۷ - آنها : رکنها و پایه های استوار هستند ۱۸۲
- ۸ - چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر ۱۸۳
- ۹ - دست خدا بالای سر امام مهدی (عج) و یاران ۱۸۵
- ۱۰ - نقش زنان ، در انقلاب مهدی (عج) ۱۸۷
- نتیجه بحث و بررسی ۱۹۰
- اوتاد ، عصائب ، ابدال ، نجباء ، رفقا و اعاجم ۱۹۲-۱۹۵
- امدادهای غیبی به کمک انقلابیون ۱۹۶

فصل ششم

- دیدار کنندگان امام مهدی (عج) در خبیت کبری ۱۹۸
- ۱ - امام زمان (عج) به صابونی اجازه دیدار نداد ۱۹۸
- ۲ - علامه حلی در خدمت امام زمان (عج) ۲۰۱
- ۳ - فریاد رسی امام زمان (عج) در بحرین ۲۰۵
- ۴ - شفای بیمار ۲۱۶
- ۵ - تشریف یکی از فرزندان حضرت آیت الله العظمی اراکی (مدظله) ۲۱۶
- ۶ - محبت امام زمان (عج) به شیخ مفید (ره) ۲۱۷
- گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید (ره) ۲۲۰
- برگ سبزی از نگارنده (شعر) ۲۲۲

فصل هفتم

- حکومت در خشان امام مهدی (عج) ۲۲۳
- ۱ - توحید سراسری در همه زمینها ۲۲۴
- ۲ - پیشرفت عجیب علوم ۲۲۶
- ۳ - پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات ۲۲۷
- ۴ - برادری و صفا و صمیمیت ۲۲۸
- ۵ - امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت ۲۲۸
- ۶ - توجه کامل به اماکن مقدسه، و توسعه شهرها و بهداشت دولت کریمه ۲۳۵
- توجه حضرت مهدی (عج) به مکه، کوفه و قم ۲۳۷
- ۱ - مکه، مرکز اولین جرعه‌های انقلاب جهانی مهدی (عج) ۲۳۸
- ۲ - کوفه، مقر حکومت حضرت مهدی (عج) ۲۴۵
- ۳ - قم، آشیانه اهل بیت (علیهم السلام) و مرکز نشر اسلام ۲۵۱

فصل هشتم

- خودسازی و پاکسازی در عصر فیت مهدی (عج) ۲۵۶
- خودسازی و پاکسازی ۲۵۸
- رعایت حقوق برادران ۲۶۱
- ایستادگی در سختیها و آزمایشها ۲۶۷
- معرفت امام (امام شناسی) و پیروی از آن حضرت ۲۶۹
- مسأله رهبری ۲۷۱
- توجه به شناخت قرآن و اجرای آن ۲۷۵
- زنان باید احساس مسئولیت کنند ۲۷۷
- توجه به جمعه و جماعات ۲۸۰
- چند فراز از دعاهای صحیفه سجّادیه ۲۸۳

قسمتی از تالیفات نگارنده

نویسنده این کتاب که از همکاران تفسیر نمونه و تفسیر پیام قرآن است، تا کنون حدود صد کتاب را تألیف و ترجمه و منتشر نموده است، در اینجا قسمتی از آنها را نام می‌بریم:

- ۱- پندهای جاویدان (۳ جلد)
- ۲- آیات قرآن در نهج البلاغه
- ۳- گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نهج البلاغه
- ۴- داستانهای نهج البلاغه
- ۵- پوشش زن در اسلام.
- ۶- داستان دوستان (پنج جلد شامل هزار و یک داستان)
- ۷- داستانها و پندها (ده شماره)
- ۸- داستانهای مثنوی
- ۹- داستانهای صاحب‌دلان (دو جلد)
- ۱۰- داستانهای شنیدنی از جنگ بدر، أحد - و از فتح مکه و جنگ حنین
- ۱۱- ابوذر غفاری، شهید ریزه.
- ۱۲- خواهران قهرمان
- ۱۳- راهی به سوی شناخت
- ۱۴- نگاهی بر زندگی امامان (علیهم السلام) (ترجمه المستجد من الارشاد)
- ۱۵- جابرین عبدالله انصاری (پاسدار حکومت صالحان)
- ۱۶- امام حسین (علیه السلام) خورشید انقلاب
- ۱۷- مسائل اعتقادی از دیدگاه تشیع (ترجمه عقائد الامامیه)
- ۱۸- امر به معروف و نهی از منکر (ترجمه)
- ۱۹- متافیزیک و ماتریالیسم (ترجمه)
- ۲۰- رنجها و فریادهای فاطمه (علیها السلام) (ترجمه بیت الاحزان)
- ۲۱- سیمای پرفروغ محمد (صلی الله علیه و آله) (ترجمه کحل البصر)
- ۲۲- سوگنامه آل محمد (صلی الله علیه و آله) (مقتل معصومین و شهدا و اسرای کربلا)
- ۲۳- هشام بن حکم (پاسدار عقائد اسلام)
- ۲۴- روشی نوین در اصول اعتقادات (ترجمه)
- ۲۵- ایرانیان مسلمان در صدر اسلام، و سیر تشیع در ایران

فهرست و راهنمایی خرید انتشارات بنیاد فرهنگی اسلام - قم

- ۱- نقش کلیسا در ممالک اسلامی / استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲- مردان پاک از: نظر امام صادق (علیه السلام) / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۳- پیشگویی های علمی قرآن / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۴- ندای اسلام از: قلب ایتالیا / ترجمه: محمد باقر انصاری
- ۵- علی بن ابیطالب (علیه السلام) / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۶- دختر وظیفه شناس / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۷- رهبرانی جهانی / به قلم: حیدر انصاری
- ۸- بحث های درباره خدا / به قلم: محمد محمدی ری شهری
- ۹- مرگ سبز / به قلم استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۱۰- سلیمان (علیه السلام) و بلقیس / به قلم استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۱۱- سیمای مقداد (ره) / نوشته: محمد محمدی اشتهاردی
- ۱۲- فروع دین / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۱۳- تربیت فرزند / نوشته: حق جو، غرویان
- ۱۴- جوانان چرا / به قلم: دانشجو
- ۱۵- ده برهان برای شناختن خدا / به قلم: حبیب مرزوقی
- ۱۶- نور ایمان در قلب کودک / نوشته: سید مهدی قریشی
- ۱۷- روزه و ماه خدا / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۱۸- روش خوشبختی / به قلم: مجتهد اصفهانی (ره)
- ۱۹- سرنوشت استعمار در ممالک اسلامی (راه بیراهه) / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۰- دستگاه آفرینش / از: علامه طباطبائی (ره) - شهید مطهری (ره) و...
- ۲۱- نقشه های استعماری و نغمه های شوم / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۲- اعتیادهای خطرناک / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۳- عروسی تولدی جدید / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۴- دوستی های تلخ و شیرین / به قلم استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۵- آمنه مادر محمد (صلی الله علیه و آله) / سید محمد تقی سجادی
- ۲۶- چرا رفوزه شدم؟ / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۷- وسواس پیدایش، رشد و درمان / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۸- بسوی اسلام یا آئین کلیسا؟ / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۲۹- سخنان چهارده معصوم (علیهم السلام)
- ۳۰- ابراهیم بت شکن (علیه السلام) / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۳۱- ...خودکشی / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۳۲- اسلام چیست و مسلمان کیست؟ / ترجمه: سید محسن خاتمی
- ۳۳- کیفر گناهان در دادگاه اسلام / ترجمه: محمد باقر انصاری

- ۳۴- نظری به اردوگاه کمونیسم / ترجمه: سید محمد ثقفی
- ۳۵- ابوذر غفاری شهید ریژه (ره) / از: محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶- عشق دختر سمو و گاو بنی اسرائیل / از: ن - حق جو
- ۳۷- غدیر خم / نوشته: حبیب... رهبر
- ۳۸- چهل حدیث / تهیه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۳۹- تعلیمات دینی / از: مهدی معتمدی
- ۴۰- حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمین / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۴۱- فقر و ناداری / از: شهید علی اکبر اژه‌ای (ره)
- ۴۲- دختر خم و دانی رجب / هیئت تحریریه بنیاد فرهنگی اسلام - قم
- ۴۳- اسلام و تمدن جدید / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۴۴- پیامبر اسلام (ص) از: نظر دانشمندان / از: علی دوانی
- ۴۵- اسلام و اجتماع / از: علامه طباطبائی (ره)
- ۴۶- اسلام و خدمات اجتماعی / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۴۷- اسلام در آمریکا / از: محمد علی روحانی (ره)
- ۴۸- توضیح نهج البلاغه / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۴۹- ترجمه نهج البلاغه (با فهرست موضوعی) / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۰- مسلمانان روسیه / از: مهندس سخاوند
- ۵۱- طوفان جوانی / به قلم استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۲- دختر یتیم و غریبه / ز - زمانی
- ۵۳- نماز نیروی مقاومت اسلامی / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۴- رمز ترقی / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۵- شیعه و زمامداران خود سر / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۶- کودک نیل یا مرد انقلاب / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۷- کنفرانس مذهبی لبنان / ترجمه استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۵۸- اشک قلم (شعر) / از: جواد نعیمی
- ۵۹- جنایات غربی / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۶۰- کشف اسرار / بقلم: امام خمینی (ره)
- ۶۱- شهید آیت... بافقی (ره) / بقلم: محمد رازی
- ۶۲- اسلام در فیلیپین / مهندس سعید سخاوند
- ۶۳- امام زمان (عج الله تعالی فرجه) امید انسان‌ها / از: محمد محمدی
- ۶۴- فلسطین را نجات می‌دهیم / محمد احمد زمخشری
- ۶۵- فلسطین کلام انقلاب (شعر) / از: اشعری قمی
- ۶۶- همکاری با نهادهای انقلاب / بکوشش باقر بیدهندی
- ۶۷- افکار استاد شهید دکتر مفتاح / با مقدمه استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۶۸- مذهب و رهبرما (ترجمه المراجعات) / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره) و کوشش باقر بیدهندی
- ۶۹- آینده اسلام و امواج خطرناک / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)

- ۷۰- بلای صهیونیسم / نوشته: سید محمد تقی سجادی
- ۷۱- بلوغ و غریزه جنسی / نوشته: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۷۲- امام مهدی (علیه السلام) در قرآن / ترجمه: محمد رضا انصاری
- ۷۳- انسان، اسلام / از: محمد تقی مصباح یزدی
- ۷۴- خودآموز قرآن (روخوانی) / از: محمد حسین حق جو
- ۷۵- سرودهای انقلابی (شعر) / از: شاعران متعدد
- ۷۶- دیوان امام علی (علیه السلام) - عربی همراه ترجمه / ترجمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۷۷- دیوان امام علی (علیه السلام) عربی - جیبی / با مقدمه: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۷۸- کوردلان (قرآن و آزادی) / به قلم عده‌ای از: دانشمندان
- ۷۹- یکصد و چهل سخن / انتخاب: ن - حق جو
- ۸۰- سرودهای امام مهدی (علیه السلام) / انتخاب: ن - حق جو
- ۸۱- قائم آل محمد (علیه السلام) (شعر) / از: اشعری قمی
- ۸۲- پیام شهدا (وصیتنامه‌ها) / تهیه: واعظی
- ۸۳- خودسازی در مکتب قرآن و عترت / تهیه: محمد حسین حق جو
- ۸۴- شکست خوردگان، دختر پیروز / ترجمه حق جو
- ۸۵- آیین خانه‌داری / نگارش حق جو
- ۸۶- حفظ و تقویت حافظه / نگارش حق جو
- ۸۷- چشم، نگاه و چشمک / نگارش حق جو
- ۸۸- شستشوی گناه (توبه) / از: سید حسین شیخ الاسلامی
- ۸۹- گفتگوی از: دواج / جمعی از: روانکاوان
- ۹۰- خواهران قهرمان / از: محمد محمدی اشتهاردی
- ۹۱- بازیچه هوس / نگارش: جمعی از خواهران
- ۹۲- راه‌گریز از شوربختی / نگارش: جمعی از خواهران
- ۹۳- پناه بی‌پناهان / از: حسین یزدی اصفهانی
- ۹۴- پدر، مادر و فرزند / از: سید حسین شیخ الاسلامی
- ۹۵- زنگ تفریح، لبخندهای نیمه‌ریزه / محمد حسین هادوی
- ۹۶- خودآموز احکام (ویژه بانوان) / هیئت تحریریه بنیاد فرهنگی اسلام - قم
- ۹۷- اخلاق مصور ویژه نوجوانان / نوشته: حق جو
- ۹۸- طمعکاران کینه‌ور / از: استاد مصطفی زمانی (ره)
- ۹۹- نامه محمد... / جمعی از: خواهران
- ۱۰۰- راز: و نیاز با خدا (شعر) / انتخاب: ن - حق جو
- ۱۰۱- حجاب اسلامی / نگارش محمد حسین حق جو
- ۱۰۲- یکصد و چهل سخن / ترجمه: ن - زمانی
- ۱۰۳- خودآموز قرآن (روخوانی) / از: حق جو
- ۱۰۴- خودآموز قرآن (خوب خواندن، تجوید) / از: حق جو
- ۱۰۵- فریاد خواهران / انتخاب: ن - حق جو
- ۱۰۶- سرودهای امام مهدی (عج) / انتخاب: حق جو



پناهگاه پناهگاه؟!

برادر و خواهر عزیزا!

همانگونه که مشکلات و بیماریهای جسمی شناخت می‌خواهد، پیشگیری لازم دارد، درمان می‌خواهد و رژیم غذایی متناسب را می‌طلبد و بخاطر یک بیماری جسمی جزئی نباید از زندگی و روند آن‌ها ایمن شد، بیماری و ناسازگاریهای روحی و فکری نیز قابل شناخت، پیشگیری، درمان است.

شما می‌توانید با خیال راحت نام، آدرس و مشکل خود را برای ما ارسال دارید و یا نام و آدرس مستعار همراه با مشکل خویش و یا دوستانتان را برای ما بنویسید تا با یاری خداوند متعال و استمداد از اهل بیت عصمت (علیهم السلام) و قرآن کریم و نیز راهنمایی‌های دانشمندان روانکاو شما را مددکار باشیم.

ضمناً نام، آدرس و مشکل شما از هر نظر نزد ما محفوظ و جزء اسرار خواهد بود و برای همیشه از دسترس دیگران نگهداری خواهد شد.

امید است با همکاری شما بتوانیم در مسیریاری رسانی نسل جوان موفق گردیم.

واحد پاسخ به سوالات
بنیاد فرهنگی اسلام - قم

چند تذکره :

- ۱- این بنیاد فرهنگی بنا بر وصیت نویسنده توانا و دانشمند معظم، استاد مصطفی ذیانی (ره) آشنای به مشکلات جوانان تأسیس شده تا چون گذشته که در زمان حیات ایشان انتشارات پیام اسلام و الزهراء جواهنگوی مشکلات جوانان بود، اینک نیز در همان راستا در مسیر باری رسانی فرهنگی به نسل جوان کوشا باشد. پشتیبانی مالی این بنیاد نمره ۲۵ سال تلاش مطبوعاتی استاد زمانی (ره) است که برای این امر اختصاص داده اند و نیز افراد خیر دیگری هم در گسترش این بنیاد سهم داشته و خواهند داشت .
- امید است افراد خیر و نیکوکار از مساعدت مالی، علمی، فکری درین نفر ما بند تا بتوانیم چون گذشته در باری رسانی روحی، فکری جوانان موفقیت بیشتری داشته باشیم .
روانش شاد و راهش گرامی باد .
- ۲- کتابهایی که قیمت آنها تعیین نشده به علت کمبود کاغذ، نداریم .
- ۳- دو برابر پول ارسالی کتاب انتخاب نمائید تا هر کتابی را نداریم بجای آن از کتاب دیگری ارسال کنیم .
- ۴- پول کتابهای انتخاب شده را فقط از طریق بیمه پستی بفرستید و در قبض رسید شما حتماً بنویسید چه مقدار پول فرستاده اید که اگر پول شما بدست ما نرسید با مدارک به اداره پست مراجعه نمائید .
- ۵- کسی مسئول پولی که بیمه نشده باشد نیست .
- ۶- روی پاکت بنویسید: قم - صندوق پستی ۱۱۹-۳۷۱۸۵ بنیاد فرهنگی اسلام .
- آدرس دقیق و شماره پلاک خودتان را بنویسید .
- ۷- انشاء .. با فراوان و ارزان شدن کاغذ قیمت ها را مثل سابق ارزان می گذاریم .
- ۸- صندوق ذخیره طلوی (شعبه صفائی) جاری . ۵۵ برای ارسال حواله های شهرستان در نظر گرفته شده است .
- ۹- کتاب فقط به آدرس مغازه ها و منازل فرستاده می شود .
- ۱۰- بجز کتب شماره های ۵-۱۱-۴۵-۵۴-۵۵ و ۸۴ میانگین قیمت آنها ۴۰۰ ریال است، بر این اساس پول ارسال دارند .